



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



مركز ابحاث و تحقيق في الدراسات الاسلامية

صدر شهادت

دانشگاه شهید آیت الله علی شریعتی

موسسه



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صدر شهادت: زندگی نامه شهید محمد باقر صدر

نویسنده:

علی جعفری

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	صدر شهادت: زندگی نامه شهید محمد باقر صدر
۹	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۱	دبیاچه
۱۳	پیش گفتار
۱۶	فصل اول: پیشینه خانوادگی شهید صدر
۱۶	اشاره
۱۷	خاندان صدر
۱۷	اشاره
۱۷	۱. سید صدرالدین صدر
۱۸	۲. سید اسماعیل صدر
۱۹	۳. سید حیدر صدر
۲۰	مادر شهید صدر
۲۱	تولد و دوران کودکی
۲۱	همسر شهید صدر
۲۳	فصل دوم: زندگی علمی شهید صدر
۲۳	اشاره
۲۳	تحصیل
۲۵	دوره های تحصیل
۲۷	استادان شهید صدر
۲۸	اجتهاد
۲۹	تدریس
۳۰	شاگردان برجسته شهید صدر

۳۱	ویژگی های تدریس
۳۲	نظر شاگردان نمونه شهید صدر درباره روش تدریس ایشان
۳۴	فصل سوم: آثار و نگاشته ها
۳۴	اشاره
۳۴	آثار شهید
۳۶	معرفی کوتاه برخی آثار شهید صدر
۳۶	اشاره
۳۶	۱. فلسفتنا
۳۹	۲. اقتصادنا
۴۱	۳. فدک فی التاريخ
۴۲	۴. دروس فی علم الاصول (حلقات)
۴۴	فصل چهارم: ویژگی های اخلاقی شهید صدر
۴۴	اشاره
۴۴	زهد
۴۶	عبادت
۴۷	اخلاق نیک
۴۸	صبر
۵۰	عشق به اهل بیت علیهم السلام
۵۱	استفاده بهینه از وقت
۵۲	انس با قرآن
۵۳	اهمیت دادن به مشورت
۵۳	هم دردی با نیازمندان
۵۴	فصل پنجم: مبارزات سیاسی شهید صدر
۵۴	اشاره
۵۴	موقعیت سیاسی عراق
۵۷	تأسیس حزب الدعوه

۶۰	مبارزات شهید صدر با حکومت
۶۳	بازداشت های شهید صدر
۷۵	تلاش حکومت برای ترور شهید صدر
۷۶	شهادت
۸۱	شهید صدر، انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی رحمه الله
۸۷	فصل ششم: فعالیت های فرهنگی و اجتماعی شهید صدر
۸۷	اشاره
۸۷	همکاری با جامعه العلماء
۸۸	دانشکده اصول دین
۸۸	حمایت علمی و معنوی از مدرسه العلوم الاسلامیه آیت الله العظمی حکیم
۸۸	اصلاح وضعیت حوزه
۹۰	تلاش برای هم بستگی میان مذاهب اسلامی
۹۳	فصل هفتم: اندیشه های شهید صدر
۹۳	اشاره
۹۳	حکومت اسلامی
۹۳	اشاره
۹۴	۱. اصل ضرورت دینی
۹۴	۲. ضرورت تکوینی
۱۰۰	عدالت اجتماعی در اندیشه شهید صدر
۱۰۰	عدالت اقتصادی در اندیشه شهید صدر
۱۰۳	قانون مندی تاریخ در قرآن
۱۰۵	نیروی محرک جامعه و تاریخ
۱۰۵	نقش انسان ها در صحنه تاریخ
۱۰۶	نقش دین و انبیا در حرکت تاریخ
۱۰۶	اباحی گری و حق الطاعه
۱۰۷	نظریه منطقه الفراغ

- آزادی ۱۰۹
- نقش آزادی در حیات اجتماعی (در دو تمدن غربی و اسلامی) ۱۱۱
- اندیشه ها و راهکارهای اقتصادی شهید صدر ۱۱۳
- فصل هشتم: شهید صدر از نگاه بزرگان ۱۱۷
- اشاره ۱۱۷
- پیام امام خمینی رحمه الله به مناسبت شهادت آیت الله سید محمدباقر صدر ۱۱۷
- پیام مقام معظم رهبری، به کنگره بین المللی بزرگداشت شخصیت آیت الله شهید صدر ۱۱۸
- شهید صدر از نگاه حجت الاسلام والمسلمین سیدمحمد خاتمی (رئیس جمهور پیشین) ۱۲۰
- فصل نهم: نگاهی به زندگی بنت الهدی صدر ۱۲۳
- اشاره ۱۲۳
- زن در اسلام از دیدگاه شهید بنت الهدی صدر ۱۲۷
- فصل دهم: همراه با برنامه سازان ۱۳۰
- اشاره ۱۳۰
- پیشنهادها کلی ۱۳۰
- موضوع های برنامه سازی ۱۳۱
- پرسش های مسابقه ای ۱۳۲
- پرسش های کارشناسی ۱۳۴
- کتاب شناسی ۱۳۶
- کتاب نامه ۱۳۸
- درباره مرکز ۱۴۴

صدر شهادت: زندگی نامه شهید محمد باقر صدر

مشخصات کتاب

صدر شهادت

کد: ۹۸۵

نویسنده: علی جعفری

ناشر و تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

لیتوگرافی: سروش مهر

چاپ: برهان

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۴

شمارگان: ۱۴۰۰

بها: تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پست الکترونیکی: [Email: IRC@IRIB.ir](mailto:IRC@IRIB.ir)

تلفن: ۰۲۵۱-۲۹۱۹۶۷۰-۰۲۵۱-۲۹۱۵۵۱۰

شابک: ۹۶۴ISBN: ۹۶۴-۵۱۴-۰۳۹-۰-۵۱۴-۰۳۹-۰

ای برادر عزیز و بزرگوارم، ای پیشوای آزاده، برو به امان خدا. خدا، خود یار و یاور توست. این راه، راه ما و نیاکان ماست که باید طی کنیم، این همان راه پیامبر و علی و حسین علیهم السلام است.

ص: ۱

اشاره

دیباچه

دیباچه

شهید آیت الله محمد باقر صدر یکی از ممتازترین و شگفت انگیزترین چهره های برجسته حوزه های علمیه در دهه های اخیر است. او ستاره درخشانی بود که با نبوغ فکری و صفای دل خویش، جامعه اسلامی به ویژه حوزه های علمیه را غنا بخشید. پشتکار فراوان و استعداد خارق العاده او، از وی اندیشمندی ژرف نگر در رشته های مختلف علوم اسلامی ساخته بود که با شکستن مرزهای دانش و درک نیازهای روز، به تولید علم و طرح اندیشه های نو با حفظ مبانی اسلامی دست یافت. او با تلاش فکری و اجتهادی خود کوشید تا با روش علمی و منطقی، اسلام را در برابر مکتب های پرآوازه جدید، مکتبی جامع و سرآمد مطرح کند. آیت الله صدر افزون بر موفقیت های فراوان علمی و به جای گذاردن آثار ماندگار علمی در عرصه سیاست و اصلاح جامعه، شخصیتی بیدار و آگاه به زمان و مبارزی سخت کوش نیز بود که سرانجام همچون اجداد طاهرینش، جام شهادت در راه خدا را نوشید و چراغ راه حق جویان گردید.

مجموعه حاضر، نگاهی کوتاه به زندگی این شخصیت کم نظیر جهان تشیع و خواهر مکرمه اش، شهید بنت الهدی صدر است که برای معرفی بیشتر و بهتر شخصیت وی برای جامعه اسلامی در برنامه های صدا و سیما تهیه و تدوین شده است. با سپاس از پژوهشگر ارجمند، جناب آقای علی جعفری و همکار گرامی شان سرکار خانم روشنک جعفری این اثر را به برنامه سازان گران قدر صدا و سیما پیش کش می کنیم.

انّه ولیّ التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش‌گفتار

پیش‌گفتار

در عصر کنونی و شاید در طول تاریخ، به ندرت می‌توان اندیشمندانی جامع‌نگر یافت که هم در حوزه‌های گوناگون فکری و هم در عرصه‌های عملی خوش‌درخشیده و آثار جاودانه‌ای از خود به یادگار گذاشته باشند. شهید آیت‌الله العظمی سید محمدباقر صدر، یکی از این شخصیت‌های بزرگ و کم‌نظیر جهان اسلام است. او نه تنها قهرمان میدان اندیشه بود، بلکه در حوزه سیاست و صحنه‌های اجتماعی هم حضوری فعال داشت. همه کسانی که دل در گرو حقیقت دارند و در جست‌وجوی دانش و معنا گام می‌نهند، می‌توانند از خرمن وجود ایشان، معرفت‌بچینند و از زندگی و شخصیت وی سرمشق بگیرند.

ایشان در بُعد علمی، نبوغ سرشاری داشت؛ به گونه‌ای که در هفده سالگی از استادان خود اجازه اجتهاد گرفت و در همین سن، نخستین کتاب خود را نوشت. به گفته خود وی: «از زمانی که به سن بلوغ رسیدم، از کسی تقلید نکرده‌ام.»^(۱) شهید صدر برای تشکیل حکومت اسلامی، وارد مبارزه‌ای بی‌امان با رژیم وقت عراق شد که تشکیل حزب «الدعوه الاسلامیه» یکی از آنهاست.

۱- محمدرضا نعمانی، شهید صدر، سنوات المحنه و ایام الحصار، نشر مؤلف، ۱۴۱۷ ه. ق، ج ۱، ص ۴۸.

او در سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز در فکر و عمل، به پشتیبانی از این انقلاب برخاست و شیعیان عراق را به الگوگیری از حرکت مردم مسلمان ایران به رهبری امام خمینی رحمه الله فرا خواند. شهید صدر در این باره می فرمود:

آیا عاقلانه است که مرجع دینی ای چون امام خمینی رحمه الله، حکومت اسلامی ای برپا کند که از رؤیاهای ما بود و ما اکنون به تأیید و پشتیبانی از وی نپردازیم؛ چون رژیم بعث بر ما غضب خواهد کرد. (۱)

او در پای بندی به اصول اخلاقی و آراستگی به ارزش های معنوی نمونه روزگار و انسانی وارسته و باتقوا بود و از دل بستگی به دنیا سخت دوری می کرد. شهید صدر، دوستی دنیا را با دوستی خدا جمع نمی کرد و عقیده داشت:

خداوند در یک دل، دو ولایت را نمی پذیرد و دو عشق هم عرض را بر نمی تابد؛ یا دوستی خدا یا دوستی دنیا. بیا بید قلب هایمان را محک زنی که آیا مرکز دوستی دنیا است یا دوستی با خدا؟ اگر دوستی خدا در دلمان جای گرفته است، ژرفایش بخشیم و اگر (پناه بر خدا) دوستی دنیا در آن لانه کرده است، بکشیم خود را از این درد تباه کننده نجات دهیم. (۲)

پرسش مهم این است که شهید صدر چگونه به این مقام عالی علمی و معنوی، به ویژه در ابتدای جوانی رسید؟ او، خود، در پاسخ به این پرسش می فرمود: «باقر صدر، مساوی است با ده درصد مطالعه و نود درصد تفکر». (۳)

۱- اندیشه ماندگار، ویژه کنگره بین المللی آیت الله العظمی شهید صدر، ش ۱، شهریور ۱۳۷۹، ص ۳.

۲- اندیشه ماندگار، ویژه کنگره بین المللی آیت الله العظمی شهید صدر، ش ۵، ص ۳.

۳- اندیشه ماندگار، ویژه کنگره بین المللی آیت الله العظمی شهید صدر، ش ۵، ص ۳.

متأسفانه امروزه این روش در مجامع و حوزه های علمی دنیا نادیده گرفته می شود و بیشتر وقتِ دانش پژوهان، به فراگیری اندیشه های دیگران می گذرد، نه اندیشیدن.

امید که با نشر افکار و آرای شهید صدر و الگوسازی از زندگی وی در رسانه های گروهی به ویژه رسانه ملی، در زنده نگاه داشتن یاد و خاطره این شهید بزرگوار و هدف والایش، گامی هر چند کوچک برداریم.

فصل اول: پیشینه خانوادگی شهید صدر

اشاره

فصل اول: پیشینه خانوادگی شهید صدر

شجره نامه شهید صدر با ۳۱ واسطه و از نسل ابراهیم المرتضی (۲۱۰ ه. ق) به امام کاظم علیه السلامی رسد. هیچ گاه میان این خانواده و نهاد مقدس حوزه و مرجعیت جدایی نیفتاد و اجداد ایشان به مقام های معنوی والایی رسیده بودند. (۱)

خاندان ایشان به دلیل منسوب بودن به صدرالدین، به نام «خاندان صدر» شناخته می شوند و به علت سکونتشان در گذشته های دور در کاظمین، «کاظمی» لقب گرفته اند. البته به دلیل انتسابشان به سید حیدر، پدر شهید صدر، به آنان «خاندان حیدری» نیز می گویند. برخی نام های معروف این خاندان در دوره های پیشین عبارت است از: آل ابی سبجه (به علت منسوب بودن به موسی «ابوسبجه» بن مرتضی ابراهیم بن امام موسی کاظم علیه السلام)؛ آل القطعی (در نسبشان به حسین القطعی بن موسی «ابوسبجه»؛ آل ابی الحسن و آل شرف الدین (در نسبشان به ابراهیم معروف به شرف الدین، جد پنجم شهید

۱- رضا استادی، مقاله «شجره طیبه خاندان شهید صدر»، «اندیشه ماندگار» ج ۱، ص ۲۶.

امروزه این خاندان به «آل الصدر» معروفند و اصل آنان، لبنانی است و از منطقه جبل عامل هستند. از اجداد ایشان، می توان از عبدالحسین شرف الدین جبل عاملی، رهبر شیعیان لبنان در عصر خود و نویسنده کتاب های معروف المراجعات، ابوهریره، الاجتهاد و النص و... نام برد. برخی معتقدند اصالت این خاندان، عراقی است، ولی تاریخ دقیقی از مهاجرتشان به لبنان در دست نیست و گویا به جد نهم شهید صدر، شهید عزالدین الحسین بن ابی الحسن معروف به موسوی العاملی الجبعلی باز می گردد. (۱)

خاندان صدر

اشاره

خاندان صدر

موسوعه های علم رجال از سرگذشت خاندان صدر و شخصیت های آن خاندان فزون مایه خالی نیست. این خاندان در علم و عمل و تقوا و مکارم اخلاقی، خاندانی نام آشنا برای همه نسل هاست. (۲) خاندان صدر، از خاندان های اصیل و پرآوازه در حوزه دانش اسلامی است و اندیشمندان بسیاری در آن پرورش یافته اند که برخی از آنان را معرفی می کنیم:

۱. سید صدرالدین صدر

۱. سید صدرالدین صدر

جد اعلای شهید صدر، سید صدرالدین، از فقیهان، ادیبان و شاعران بلندپایه

۱- نخبه من الباحثین، محمد باقر الصدر؛ دراسات فی حیاة و فکرة، مؤسسه دارالاسلام، لندن، ۱۴۱۶ هـ . ق، ج ۱، ص ۵۰.

۲- الشهید صدر؛ سنوات المحنة و ایام الحصار، ص ۲۶.

عصر خود بود که پیش از رسیدن به سن تکلیف و در سیزده سالگی، از صاحب الرياض، علامه میر اجازه اجتهاد دریافت کرد. (۱)

سید صدرالدین در بیست و یکم ذی القعدة سال ۱۱۹۳ ه. ق در روستای «معرکه» _ یکی از روستاهای جبل عامل _ به دنیا آمد. او دوران رشد و تحصیل خود را در نجف اشرف گذراند، سپس به کاظمین و از آنجا به اصفهان رفت. وی مرجع بزرگ حوزه علمیه اصفهان و استاد فرهیختگانی چون شیخ مرتضی انصاری و شیخ هاشم چهارسوقی بود. (۲) سید صدرالدین پس از مدتی به نجف بازگشت و سرانجام در شب جمعه اول ماه صفر سال ۱۲۶۴ ه. ق دیده از جهان فروبست و در گوشه غربی صحن شریف علوی، نزدیک باب سلطانی به خاک سپرده شد.

۲. سید اسماعیل صدر

۲. سید اسماعیل صدر

ایشان جد بی واسطه سید محمد باقر صدر است که در سال ۱۲۵۸ ه. ق در اصفهان به دنیا آمد. سید اسماعیل پس از وفات پدرش، سید صدرالدین، در پرتو حمایت برادرش سید محمدعلی معروف به «آقا مجتهد» پرورش یافت. وی به تیزهوشی معروف بود و پیش از رسیدن به سن تکلیف، از علمای فاضل به شمار می آمد. او شاگرد عالمان سرشناسی، چون سید محمدعلی، معروف به «آقا مجتهد» (برادر خودش)، شیخ محمد باقر اصفهانی، شیخ راضی

۱- نشریه حوزه، مقاله «یادنامه شهید احیاگر شهید آیت الله سید محمد باقر صدر»، ش ۱ و ۲، سال ۷۹ _ ۸۰، سال چهاردهم، ص ۳۴۳.

۲- امام موسی صدر، مقاله «نیازها و مقتضیات زمان»، مرکز تحقیقات و مطالعات امام موسی صدر، دانشگاه تهران، لبنان و...، ویژه نامه همایش بین المللی، ش ۸۰، ص ۲.

نجفی (استاد فقه)، شیخ مهدی بن جعفر کاشف الغطا و استاد بزرگ، مجدد شیرازی بود.

سیداسماعیل در سال ۱۳۰۹ ه. ق هنگام مشرف شدن به کربلا، از نجف اشرف به قصد زیارت امام حسین علیه السلام از سوی استاد خویش، مجدد شیرازی، نامه ای دریافت کرد مبنی بر این که به سامرا مسافرت کند. سید اسماعیل این دعوت را لیبیک گفت و در همان جا به درخواست استادش، مسئولیت تدریس را برعهده گرفت. پس از وفات مجدد شیرازی، مرجعیت به سید اسماعیل رسید^(۱) و فرزندان مجدد، اموال و حقوق شرعی را به آقای صدر و حوزه ایشان تحویل دادند. سید اسماعیل در سال ۱۳۰۴ ه. ق بیمار شد و برای درمان به کاظمین رفت، ولی در سال ۱۳۳۸ ه. ق در همان جا دار فانی را وداع گفت و در آرامگاه خانوادگی صدر، در کنار جدشان، امام موسی بن جعفر به خاک سپرده شد.^(۲)

۳. سید حیدر صدر

۳. سید حیدر صدر

سید حیدر، پدر شهید سید محمدباقر صدر در سال ۱۳۰۹ ه. ق در شهر سامرا دیده به جهان گشود و در سال ۱۳۱۴ ه. ق همراه پدرش، سید اسماعیل به کربلا مهاجرت کرد. در آنجا درس مقدمات و علوم عربی را نزد تعدادی از علما و درس خارج را نزد سید حسین فشارکی، آیت الله حائری یزدی و سید اسماعیل صدر (پدرش) آموخت و در جوانی از عالمان مشهور شد. او از بزرگ ترین مراجع شیعه در روزگار خود بود و در نهایت پارسایی

۱- نشریه حوزه، ش ۲، ص ۳۴۳.

۲- الشهید الصدر؛ سنوات المحنة و ایام الحصار، ص ۳۱.

می زیست. سید حیدر، در شب پنجشنبه ۲۷ جمادی الثانی سال ۱۳۵۹ ه. ق در کاظمین دعوت حق را پاسخ گفت و او را در آرامگاه خانوادگی صدر به خاک سپردند. (۱)

مادر شهید صدر

مادر شهید صدر

مادر شهید صدر، دختر آیت الله شیخ عبدالحسین آل یاسین بود. ایشان از فقیهان برجسته عصر خویش بود که پس از دانش اندوزی در کاظمین، سامرا و کربلا، به مرتبه والای اجتهاد رسید. سپس به کاظمین بازگشت و از مراجع آن دیار شد. (۲) این بانوی بزرگوار، نمونه ای از اخلاص و پرهیزکاری و سرشار از عشق به خداوند متعال، پیامبر و خاندان گرامی اش بود. او حتی در سال های آخر عمر خود که به شدت بیمار بود، به کمک دخترش، بنت الهدی، با تحمل رنج های فراوان به زیارت مراقد مطهر مشرف می شد. همواره قرآن همدم او بود و لحظه ای از آن جدا نمی شد. وی همیشه در حال ذکر و تسبیح خداوند بود و در روزگار حبس در خانه، تظاهر به تسدرستی می کرد و هرگز از کمبود مواد دارویی شکایتی نداشت تا سید محمدباقر متوجه درد ایشان نشود و آزار نیند. (۳)

۱- الشهید الصدر؛ سنوات المحنة و ایام الحصار، ص ۳۶.

۲- الشهید الصدر؛ سنوات المحنة و ایام الحصار، ص ۴۰.

۳- الشهید الصدر؛ سنوات المحنة و ایام الحصار، ص ۴۱.

تولد و دوران کودکی

تولد و دوران کودکی

سید محمد باقر در بیست و پنجم ذی‌قعدة (۱) سال ۱۳۵۳ هـ. ق در شهر کاظمین دیده به جهان گشود. وی دومین فرزند خانواده بود. (۲) پیش از سه سالگی سید محمد باقر، سید حیدر دار فانی را وداع گفت و او از نعمت پدر محروم شد. (۳) از آن سال به بعد، نقش مؤثر مادر گرامی و برادر بزرگ ترش، سید اسماعیل در تربیت او بیش از پیش نمایان است. از سوی دیگر، دایی های سید محمد باقر نیز آغوش گرم و پرمحبت خود را به روی او گشودند و به تعلیم و تربیتش اهتمام ورزیدند. دایی ارشدش، شیخ محمد رضا آل یاسین، بزرگ خاندان آل یاسین، وی را مشمول عنایت و محبت خویش ساخت و دایی دیگرش، شیخ مرتضی آل یاسین همانند شیخ محمدرضا و بلکه بیشتر، به محمدباقر توجه و مهربانی داشت و در زمینه های علمی، اجتماعی و سیاسی زندگانی این شهید وارسته، نقش ارزنده ای ایفا کرد. البته این حمایت ها جنبه مالی نداشت؛ زیرا خود آنان نیز در فقر می زیستند و در میان مردم به ثروتمندی شهره نبودند. از این رو، سید محمد باقر نیز در فقر و تنگ دستی زندگی می کرد. (۴)

همسر شهید صدر

همسر شهید صدر

سید محمد باقر صدر با دختر عموی خود، فاطمه، خواهر امام موسی صدر

۱- بیست و پنجم ذی‌قعدة، روز دحوالارض و سالروز تولد ابراهیم خلیل و عیسی بن مریم است.

۲- سید کاظم حسینی حائری، مباحث الاصول، قم، ۱۴۰۷ هـ. ق، مقدمه، ص ۳۳.

۳- محمد حسن رجیبی، علمای مجاهد، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۹۳.

۴- محمد باقرالصدر؛ دراسات فی حیاتة و فکره، صص ۴۶-۴۸.

ازدواج کرد و حاصل آن، پسری به نام جعفر و پنج دختر به نام های مرام، حوراء، صباح، نبوغ و اسماء است.^(۱) فاطمه صدر، پس از شهادت ایشان در کاظمین زندگی می کرد، ولی در جریان اشغال عراق به دست نیروهای امریکایی و انگلیسی در سال ۱۳۸۱، زخمی شد و مدتی برای درمان در تهران به سر برد. از پاییز سال ۱۳۸۳ تاکنون نیز به همراه پسرش، سید جعفر و دخترانش از جمله سید مرام صدر (همسر سید مقتدا صدر) به شهر مقدس قم مهاجرت کردند.^(۲)

۱- جویس. ان. ویلی، نهضت اسلامی شیعیان عراق، ترجمه: مهوش غلامی، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۰۸.

۲- مصاحبه نویسنده با دوستان خانوادگی صدر.

فصل دوم: زندگی علمی شهید صدر

اشاره

فصل دوم: زندگی علمی شهید صدر

زیر فصل ها

تحصیل

دوره های تحصیل

استادان شهید صدر

اجتهاد

تدریس

شاگردان برجسته شهید صدر

ویژگی های تدریس

نظر شاگردان نمونه شهید صدر درباره روش تدریس ایشان

تحصیل

تحصیل

سید محمد باقر در سال های ابتدایی تحصیل، با هوش و استعداد سرشار خدادادی، مایه شگفتی آموزگاران و هم کلاسی های خود بود؛ به گونه ای که اولیای مدرسه تصمیم گرفتند او را به مدرسه تیزهوشان معرفی کنند تا با هزینه دولت درس بخواند و سپس برای گذراندن رشته های علوم جدید به دانشگاه های اروپا یا امریکا فرستاده شود. با وجود این، ایشان به یادگیری علوم دینی علاقه بیشتری داشت. افزون بر آن، مادر و برادر بزرگ ترش، سید اسماعیل، رضایت ندادند وی با پول دولت وابسته به غرب و دست اندرکاران خودباخته آموزش و پرورش آن روز عراق، درس بخواند. (۱) سرانجام سید محمدباقر با راهنمایی دو دایی فقیه و دانشمندش، آیت الله شیخ محمدرضا آل یاسین و آیت الله شیخ مرتضی آل یاسین به فراگیری علوم دینی و دروس حوزوی پرداخت. (۲)

۱- مصاحبه نویسنده با دوستان خانوادگی صدر.

۲- مصطفی قلی زاده، شهید صدر یر بلندای اندیشه و جهاد، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۲۳.

شهید صدر تا سیزده سالگی در کاظمین بود و فراگیری علوم دینی را نزد برادرش سید اسماعیل آغاز کرد و دیگر کتاب های دوره مقدماتی را با شوق و تلاش بسیار در مدت کوتاهی خواند و به پایان رساند. (۱) او در نه سالگی به مدرسه «متدی النشر الامتدائیه» وارد شد که آن را سیدمرتضی عسکری و مرحوم احمد امین در سال ۱۳۶۲ ه. ق تأسیس کرده بودند. سید در همین دوران، توجه هیئت علمی مدرسه و مدیران آن را برانگیخت و آنان نیز به نبوغ سرشار وی پی بردند. (۲)

معلمان شهید صدر با دیدن تلاش ها و نگرانی های فکری وی درمی یافتند که ایشان در آن سن کم، افزون بر مطالعات متنوع و اطلاعاتش درباره مسائل فکری اندیشمندان غرب، در زمینه فلسفه مارکسیسم آگاهی فراوانی دارد. (۳)

در مرحله بعدی زندگی سید محمد باقر، با مهاجرت وی به نجف اشرف، افق های جدید علمی و فکری پیش رویش گشوده شد؛ زیرا در آن زمان، نجف از نظر علمی بر کاظمین پیشی گرفته بود. (۴)

دوره های تحصیل

دوره های تحصیل

تحصیلات علوم دینی، در نجف در سه مرحله صورت می گرفت و هر طلبه باید این مراحل را به ترتیب پشت سر می نهاد و آن گاه وارد مرحله بالاتر

۱- مصطفی قلی زاده، شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۲۴.

۲- محمد باقر الصدر؛ دراسات فی حیاة و فکره، ص ۵۸.

۳- محمد باقر الصدر؛ دراسات فی حیاة و فکره، ص ۵۹.

۴- محمد باقر الصدر؛ دراسات فی حیاة و فکره، ص ۵۹.

می شد. (۱)

مرحله اول، دروس مقدماتی بود که صرف و نحو، بلاغت، منطق و برخی کتاب های فقهی را دربر می گرفت. مرحله دوم، دروس متوسط بود که در حوزه های علمیه به آنها «سطوح» گفته می شد و شامل دروسی از فقه، اصول، کلام، حدیث و رجال بود. مرحله سوم، دروس عالی بود که در حوزه های علمیه از آنها به «بحث خارج» تعبیر می شد.

شهید صدر، دروس مقدماتی را پیش از مهاجرتش به نجف اشرف، در کاظمین، به همت و اراده خویش و کمک برادرش سید اسماعیل به پایان رسانید. (۲) او دوره سطح را نیز این گونه و با بهره گیری از محضر تعدادی از استادان ادامه داد؛ از جمله مدت کوتاهی در درس اللمعه الدمشقیه استاد شیخ محمد تقی جواهری (م. ۱۳۴۱ ه. ق) در مدرسه «الخلیلی الکبری» حضور می یافت. (۳) این شهید بزرگوار، فلسفه اسلامی را از مرحوم شیخ صدرا بادکوبه ای فراگرفت و در کنار آن در طول سال ها، به تحقیق و نقد فلسفه غرب و دیدگاه های فیلسوفان غیرمسلمان پرداخت. (۴)

او در علوم دیگر چون حدیث، رجال، کلام، درایه و تفسیر نیز سال ها به تحقیق و مطالعه روزگار گذراند و به کمال رسید. شهید صدر با وجود بهره مندی از هوش و استعداد و نبوغ بسیار بالا، روزانه شانزده ساعت مطالعه

- ۱- محمد باقر الصدر؛ دراسات فی حیاتہ و فکرہ، صص ۵۹ و ۶۰.
- ۲- محمد باقر الصدر؛ دراسات فی حیاتہ و فکرہ، ص ۶۳.
- ۳- محمد باقر الصدر؛ دراسات فی حیاتہ و فکرہ، ص ۶۳.
- ۴- علمای مجاهد، ص ۲۹۳.

و تحقیق می کرد. (۱) خود همیشه می گفت: «من به اندازه چند طلبه درس خوان تلاش می کنم.» در سایه این پشتکار جانانه، بر همه مشکلات چیره شد و در راه کسب فضیلت و دانش به مقامی والا رسید؛ به گونه ای که بسیاری می گویند آن شهید بزرگوار از هنگام بلوغ شرعی خود، مجتهد شده بود و از مجتهد دیگری تقلید نمی کرد. (۲)

صدر در مرحله سطح عالی یا درس خارج نیز بیشتر از استعدادهای شخصی خود کمک می گرفت و در عین حال در درس مکاسب و کفایه الاصول برخی استادان حاضر می شد. (۳)

استادان شهید صدر

استادان شهید صدر

شهید صدر با وجود استعدادهای ذاتی که بیشتر درس ها را به مدد آن، خود مطالعه می کرد، برخی درس را در محضر استادانی چند آموخته است که به معرفی آنها می پردازیم:

استاد شیخ محمدتقی جواهری، یکی از استادان شهید صدر بود که جزء اول کتاب کفایه الاصول و بخشی از کتاب لمعه را به ایشان آموخت. استاد سید محمدباقر الشخص نیز یکی از استادان شهید است که شهید، بخش دیگری از کتاب کفایه الاصول را نزد وی فراگرفت. شیخ محمدرضا آل

۱- مباحث الاصول، مقدمه، ص ۴۴.

۲- مباحث الاصول، مقدمه، ص ۵۲.

۳- محمد باقر الصدر؛ دراسات فی حیاتة و فکرة، ص ۶۴.

یاسین، دایی شهید صدر نیز از آموزگاران او به شمار می آید. شهید صدر، بخش دوم کتاب کفایه الاصول و اسفار اربعه را در محضر آیت الله شیخ صدرا بادکوبه ای آموخت. آیت الله شیخ عباس الرمیثی و آیت الله سید ابوالقاسم خویی نیز از استادان او به شمار می آیند. (۱) استاد سید محمد روحانی، استاد دیگر شهید صدر بود که او در درس کفایه الاصول و مکاسب ایشان حاضر می شد. (۲)

اجتهاد

اجتهاد

زمانی که شیخ آل یاسین از دنیا رفت (۱۳۷۰ ه. ق)، شیخ عباس الرمیثی، رساله آل یاسین به نام بلغه الراغبین را شرح و تعلیق کرد و چون به زیرکی و نبوغ سید محمدباقر اعتقاد داشت، از او خواست در این کار یاری اش دهد و در استنباط شرکت کند. در جریان این امر، شیخ عباس الرمیثی به شهید صدر گفت: «به یقین، تقلید برای تو حرام است» و بدین ترتیب، اجازه نامه اجتهاد شهید صدر را امضا کرد. شهید صدر خود نیز بعدها گفته بود: «از زمانی که به سن بلوغ رسیده ام، از کسی تقلید نکرده ام.» (۳) البته شهید صدر در این زمان

۱- الشهد الصدرة؛ سنوات المحنة و ایام الحصار، صص ۴۶ _ ۴۸.

۲- محمدباقر الصدرة؛ دراسات فی حیاته و فکرة، ص ۶۴.

۳- سنوات المحنة و ایام الحصار، ص ۴۸.

(زمان دریافت امضای اجازه نامه اجتهاد) هفده سال داشت. (۱) مرجعیت یافتن ایشان در ۳۸ سالگی (در سال ۱۳۹۰ ه. ق پس از رحلت آیت الله حکیم) همانند رسیدن به درجه اجتهادش پیش از بلوغ شرعی بسیار شگفت انگیز می نمود. (۲)

تدریس

تدریس

سید محمدباقر صدر از بیست سالگی با تدریس کتاب کفایه الاصول، تعلیم و تربیت طلبه های جوان را آغاز کرد. او از ۲۵ سالگی به تدریس خارج اصول و از ۲۸ سالگی به تدریس دوره خارج فقه بر اساس کتاب العروه الوثقی اثر سید محمد کاظم یزدی رحمه الله پرداخت. ایشان بعدها به تدریس فلسفه و تفسیر قرآن نیز پرداخت. (۳) به طور کلی، شهید صدر دو محفل تدریس داشت. (۴) بحث اصول که بعد از اذان مغرب به مدت یک ساعت در روزهای درسی هفته، در «مسجد جواهری» تشکیل می شد و بحث فقه که ساعت ده صبح هر روز درسی در «مسجد شیخ طوسی» برقرار بود.

شهید صدر پیش از رسیدن به درجه مرجعیت، مباحثه های مهمی را در روزهای وفات ائمه با طلبه هایشان ترتیب می داد. برخی شاگردان وی که آن

۱- سنوات المحنه و ایام الحصار، ص ۴۸. البته در مباحث الاصول، مقدمه، ص ۵۲ آمده است: وی از هنگام بلوغ شرعی خود مجتهد شده بود و از مجتهد دیگری تقلید نکرده است. در کتاب محمد باقر الصدر؛ دراسات فی حیات و فکرة، ص ۷۴ نیز این مطلب آمده است.

۲- روزنامه جوان ۱۳۷۸/۱/۱۹.

۳- جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه، گلشن ابرار، نشر معروف، ج ۲، ص ۸۳۳.

۴- الشهید الصدر؛ سنوات المحنه و ایام الحصار، ص ۸۸.

گفت و گوها را ضبط می کردند، بعدها آنها را در قالب کتابی با نام اهل البیت تنوع ادوار و وحده هدف به چاپ رساندند. همچنین بخش گسترده ای از مباحث فقهی و اصولی ایشان ضبط شد که پس از شهادتش، رژیم بعث آنها را مصادره کرد و تنها بخش اندکی از آن، نزد شاگردان شهید باقی ماند. (۱) از آن میان به تقریرات درس اصول ایشان در کتابی با عنوان جواهر الاصول و تقریر بحث فقهی احیاء الموات می توان اشاره کرد که آیت الله انصاری اراکی آنها را گردآوری کرده است.

شاگردان برجسته شهید صدر

شاگردان برجسته شهید صدر

شهید صدر در مدت سی سال آموزش و تدریس، شاگردانی جوان، پژوهشگر، پرشور، پرهیزکار، مجاهد و سیاست مدار تربیت کرد که هر یک از آنان بعدها پرچمدار نشر فرهنگ و علم و آیین جهاد در راه خدا شدند و پس از استادشان، راه علمی، فکری و سیاسی _ اجتماعی ایشان را ادامه دادند، مانند:

۱. سید محمدباقر حکیم

۲. شیخ مهدی آصفی

۳. سید کاظم حسینی حائری

۴. شیخ محمدابراهیم انصاری

۵. سید محمود هاشمی شاهرودی

۶. سید عبدالغنی اردبیلی

۷. شیخ غلام رضا عرفانیان

۸. شیخ محمدرضا نعمانی

۹. شیخ محمدعلی تسخیری

۱۰. سید نورالدین اشکوری

۱۱. سید کمال حیدری

آیت الله سید کاظم حسینی حائری و آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی، برجسته ترین شاگردان شهید صدرشمرده می شوند که به درجه اجتهاد رسیدند. (۱)

ویژگی های تدریس

ویژگی های تدریس

گسترده گی و گونه گونی دانش های سید محمداقبر صدر، محفل درسی ایشان را از دیگر محافل علمی نجف متمایز می ساخت. ایشان در زمینه های فقه، اصول، فلسفه، اقتصاد، منطق، اخلاق و تاریخ صاحب نظر بود و دیگر ویژگی ممتاز محفل درسی او، حاکم بودن منطق و برهان در مباحث به شمار می آمد.

تفاوت روش او در مباحث فقه و اصول با دیگر عالمان، در نوع بحث و ترتیب فنی آن بود. او جنبه ها و موضوع های آمده در سخنان دیگران را تقسیم می کرد به ویژه مسائل پیچیده ای را که فهمشان دشوار و احتمال اشتباه در آنها بسیار زیاد بود، با این شیوه به روشنی بیان می کرد و با منطق و استدلال به

آنها پاسخ می داد؛ به گونه ای که نظیر آن در محافل درسی دیگران دیده نمی شد. شهید صدر با هر مسئله ای به روش استدلالی دقیقی برخورد می کرد و می کوشید در بحث، طلبه ها را برای ادامه مباحثه تحریک کند و بدین ترتیب آنها را کاملاً وارد بحث می کرد. (۱) او بسیاری از اندیشه ویران و عالمان دینی را مجذوب خود کرده بود؛ از جمله دکتر محمد شوقی الفنجری، استاد علم اقتصاد و مشاور امور سادات _ رئیس جمهور وقت مصر _ سخت تحت تأثیر اندیشه های ناب و شفاف شهید صدر قرار گرفته بود. او وقتی فهمید شهید صدر در هیچ دانشگاهی تحصیل نکرده و مسجد، تنها دانشگاه او بوده است، شگفت زده شد و گفت: «مساجد، صدها بار از دانشگاه های جهان بهترند.» وی همچنین از دریافت های ژرف و بی نظیر او از تازه ترین نظریه های پیچیده ریاضی در کتاب الاسس المنطقیه شگفت زده شده بود. (۲)

نظر شاگردان نمونه شهید صدر درباره روش تدریس ایشان

نظر شاگردان نمونه شهید صدر درباره روش تدریس ایشان

آیت الله سید کاظم حسینی حائری در مورد روش تدریس استادش چنین می گوید:

بحث علمی استاد شهیدمان شهید صدر، [در مقایسه با دیگر] مباحث موجود علمی متعارف، از یک سو با مشخصه هایی چون دقت و عمق، کم نظیر بود و از سوی دیگر، در تمامی جوانب مسئله مورد بحث، وسعت و شمول داشت، تا جایی که محقق جدید، کمتر به راهی در جهت توسعه یا عمقی بیشتر از آنچه که استاد فرموده بود، دست می یافت. مباحث ایشان به آنچه از فقه و اصول در آن زمان در نجف اشرف متداول بود، محدود نمی شد، بلکه شامل

۱- الشهید الصدر؛ سنوات المحنه و ایام الحصار، ص ۸۴.

۲- آرش مردانی پور، میعاد با سپیده گشایان، قم، سماء، ج ۱، ۱۳۸۰، ص ۱۳۱.

دیگر مسائل اسلامی چون فلسفه، اقتصاد، منطق، اخلاق و تاریخ نیز می شد و در تمامی این مسائل نیز [دو] مشخصه عمق و شمول به چشم می خورد. (۱)

ایشان در جای دیگر به این نکته اشاره می کند که «درس شهید صدر، در عرض پنج سال، هر طلبه ای را مجتهد می کرد». (۲)

آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی، دیگر شاگرد برجسته شهید صدر نیز می گوید:

حقیقت این است که [دست یابی به مرتبه ها و] ابعاد [وجودی] این عالم ربانی، برای احدی در چنین مدت تحصیل میسر نیست. [با وجود این، نمی توان] بارزترین نشانه های مکتب علمی و فکری ای را که ایشان به وجود آورد و بر اساس آن نسلی از فرهنگیان، روشن فکران و عالمان فی سبیل الله را تربیت نمود، نادیده گرفت. مهم ترین ویژگی های مکتب علمی و روش تدریس وی عبارتند از: فراگیری و احاطه به تمامی احتمالات موجود بحث مورد نظر، نقد کردن و نظر دادن [برای] راه حل آنها، ابداع در مسائل مختلف، دقت فراوان و حفظ ترتیب فنی مباحث، تفکیک مباحث دیگران به ویژه مسائل پیچیده ای که مطرح کرده اند، غلبه منطق و عقل در مباحث، ذوق هنری و احساس عقلایی داشتن در مباحث. (۳) به عبارت دیگر، تدریس ایشان دارای این ویژگی ها بود: دقیق، عمیق، فراگیر و همه سونگر. (۴)

۱- آرش مردانی پور، میعاد با سپیده گشایان، قم، سماء، ج ۱، ۱۳۸۰، ص ۵۲.

۲- سید کاظم حسینی حائری، زندگی و افکار شهید صدر، ترجمه: حسن طارمی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۱، ۱۳۷۵، ص ۵۳.

۳- الشهید الصدر؛ سنوات المحنة و ایام الحصار، صص ۸۲ _ ۸۶.

۴- نشریه حوزه، ص ۱۸.

فصل سوم: آثار و نگاشته ها

اشاره

فصل سوم: آثار و نگاشته ها

وسعت دانسته ها و مهارت سید محمدباقر صدر در بسیاری از زمینه های علمی، قدرت نوآوری او در تولید افکار جدید و استادی علمی که در نجف اشرف نا آشنا بود و نیز تفکر مستقل و نوین شهید، همگی از عواملی شمرده می شد که تنوع و فراوانی آثار شهید صدر را در پی داشت. اگر عمر کوتاه او مانع نمی شد، چه بسا آثار بیشتر و کامل تری از وی به جهانیان عرضه می شد؛ آثاری که در پدید آمدن آنها، شهید صدر به نیازها و شرایط زمان نظر داشت و در صدد بود به عنوان نماینده آیینی کامل، مسائل همه جانبه نیازهای جامعه بشری را پاسخگو باشد. البته بسیاری از آثار آن شهید والامقام، موقعیت مطرح شدن و چاپ را پیدا نکرد و به صورت جزوه هایی در دست طلبه های وی باقی ماند. جالب اینکه شهید صدر نخستین اثر خود را در هفده سالگی نوشت و در ۲۴ سالگی، کتاب گران سنگ فلسفتنا را به رشته تحریر درآورد. (۱)

آثار شهید

آثار شهید

نوشته های شهید صدر عبارت است از:

۱. فدک فی التاریخ

۲. غایه الفکر فی الاصول

۳. فلسفتنا

۱- اندیشه ماندگار، ج ۵، ص ۱۹ نقل از: آیت الله سنجرى.

٤. اقتصادنا (دو جزء)
٥. الانسان المعاصر و المشكله الاجتماعيه
٦. ماذا تعرف عن الاقتصاد الاسلامى
٧. المعالم الجديده فى الاصول
٨. البنك اللاربوى فى الاسلام
٩. بحوث فى شرح العروه الوثقى (پنج جزء)
١٠. تعليقه على منهاج الصالحين
١١. الفتاوى الواضحه
١٢. الاسس المنطقيه للاستقراء
١٣. بحث حول الولايه
١٤. بحث حول المهدي
١٥. نظره عامه فى العبادات
١٦. المرسل الرسول الرساله
١٧. موجز احكام الحج
١٨. تعليقه على بلغه الراغبين
١٩. تعليقات على صلاه الجمعه من كتاب الشرائع
٢٠. تعليقات على كتاب الاسفار للملاصدرا فى الفلسفه
٢١. دروس فى علم الاصول (چهار جزء)
٢٢. اهل البيت تنوع ادوار و وحده هدف

۲۳. التفسیر الموضوعی و سنن التاریخ (۱)

۲۴. المدرسه القرآنیه

۲۵. المدرسه الاسلامیه

۲۶. خطوط تفصیلی عن اقتصاد المجمع الاسلامی

شهید صدر آثار دیگری نیز داشت که رژیم بعث آنها را مصادره کرد. برای مثال، کتاب او درباره اصول دین که در دوران حصر نوشت. یا کتابی که در مورد تحلیل ذهن بشری بود. (۲)

معرفی کوتاه برخی آثار شهید صدر

اشاره

معرفی کوتاه برخی آثار شهید صدر

زیر فصل ها

۱. فلسفتنا

۲. اقتصادنا

۳. فدک فی التاریخ

۴. دروس فی علم الاصول (حلقات)

۱. فلسفتنا

۱. فلسفتنا

شهید محمدباقر صدر به پیشنهاد مرحوم آیت الله سید محسن حکیم، مرجع تقلید وقت، کتاب کم نظیر فلسفتنا را نوشت. (۳)
این کتاب را از زبان خود شهید صدر معرفی می کنیم: (۴)

فلسفتنا، عبارت است از مجموعه مفاهیم اساسی در مورد جهان و روش تفکر در آن. این کتاب، به استثنای مقدمه به دو بحث تقسیم می شود؛ نظریه شناخت و مفهوم فلسفی جهان. بحث اول یعنی نظریه شناخت، دو هدف عمده را دنبال می کند:

يك _ استدلال بر درستی منطق عقل كه قائل به صحت روش تعقلی است

١- صلاح الفرسان، حزب الدعوة الاسلامیه حقائق و وثائق، چ ١، ١٤١٩ هـ . ق، سوریه، المؤسسة العربیه للدراسات و البحوث الاستراتيجیه، صص ٧٢ و ٧٣.

٢- الشهيد الصدر؛ سنوات المحنه و ايام الحصار، ص ٨٩.

٣- شهید سید محمد مهدی حکیم، التحرك الاسلامی فی العراق، ص ٦٠.

٤- شهید سید محمدباقر الصدر، فلسفتنا، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، صص ٧ و ٨.

و اینکه عقل به همراه معارف ضروری برتر از تجربه، اساسی ترین ملاک برای سنجش در تفکر بشری است؛ به گونه ای که هر ایده ای، خواه فلسفی و خواه علمی پذیرفته نمی شود، مگر آنکه ابتدا با این ملاک محک بخورد و درستی اش به وسیله آن ثابت شود.

حتی تجربه ای که مادی گرایان آن را اساسی ترین معرفت و ملاک اصلی برای سنجش معارف دیگر می پندارند، در حقیقت، ابزاری است برای یافته ها و ملاک عقلی. از این رو، نظریه مادی گرایی تجربی نیز از معیار عقلی بی نیاز نیست.

دو - بررسی ارزش شناخت بشری و اقامه دلیل بر اینکه شناخت، فقط وقتی ارزش می یابد که بر اساس منطق عقلی باشد و منطق دیالکتیک نمی تواند ارزش واقعی و درستی را برای معرفت بشری به ارمغان آورد.

بحث دوم، [یعنی مفهوم فلسفی جهان] در پنج مرحله [بررسی می شود]:

در مرحله اول، به [بیان] مفاهیم فلسفی مرتبط و مرزهای آن می پردازیم و به ارائه توضیحاتی [درباره] بحث [بسنده] می کنیم.

در مرحله دوم، به بررسی تفصیلی اصل دیالکتیک، به عنوان مشهورترین منطقی که امروزه مادی گرایی بر آن استوار است، با تمامی [جنبه هایی] که هگل و کارل مارکس برای آن ترسیم کرده اند، می پردازیم.

در مرحله سوم، مبدأ علیت و [قانون هایی را] که بر عالم حاکم است و تفسیر فلسفی کامل آن را [بررسی می کنیم] و به برخی [شبهه های] فلسفی پاسخ می دهیم که [به علت] تحولات علمی نوین، ایجاد شده است.

مرحله چهارم را به بحثی با عنوان ماده یا الله اختصاص دادیم. در این

بحث، نزاع میان تفکر مادی و تفکر توحیدی بررسی می شود و پس از آن، به بیان نگرش توحیدی مان درباره جهان [با رعایت] قوانین فلسفه و علوم مختلف طبیعی و انسانی خواهیم پرداخت.

در مرحله آخر، مهم ترین مشکل فلسفی موجود؛ یعنی مشکل ادراک بررسی می شود. بدون تردید، این مسئله، یکی از جلوه های تضاد میان مادی گرایی و متافیزیسیم است. این بحث، ماهیت فلسفی دارد که البته از داده های علوم مرتبط با پزشکی، ریاضی و روان شناسی استفاده می شود. (۱)

اکرم زعیترا، اندیشمند اردنی درباره این کتاب می گوید:

فلسفتنا در همآورد گاه کشمکش فکری جاری میان جریان های مختلف فلسفی [به ویژه میان] فلسفه اسلامی و ماتریالیسم دیالکتیک مارکسیستی، پژوهشی [منطقی و علمی به شمار می رود]. این پژوهش، رنگ دفاع داغ منطقی از متافیزیک یا الهیات به خود گرفته تا آنجا که می توان گفت کوشش فلسفی _ منطقی [موفقی] در برانداختن پایه های فلسفه الحاد است. من معتقدم که دیالکتیک مارکسیستی، با مناقشات فلسفی آگاهانه و خوش فهم و با پاسخ های کوبنده علمی از سوی هیچ یک از نویسندگان فیلسوف عرب در گیر نبوده است؛ چنان که با این کتاب در گیر بوده و کوبیده شده است. (۲)

۲. اقتصادنا

۲. اقتصادنا

شهید صدر پس از تألیف فلسفتنا، به نگارش کتاب اقتصادنا پرداخت. این کتاب پرارج، نخستین اثری است که ساختار اقتصادی اسلام را در طرحی

۱- شهید سید محمدباقر الصدر، فلسفتنا، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، صص ۷ و ۸.

۲- الحیاه، ش ۴۲۹۴، ۲۳/۴/۱۹۶۰؛ به نقل از: میعاد با سیده گشایان، ص ۱۴۵.

علمی و محققانه ارائه کرده (۱) و در سه فصل تنظیم شده است:

در فصل اول، به بررسی مکتب مارکسیسم می پردازد. پشتوانه علمی این مکتب در مادی گرایی تاریخی (ماتریالیسم) نمودار شده است. از این رو، او ابتدا این پشتوانه فکری را بررسی می کند و پس از آن به نقد مکتب مارکسیسم و ویران ساختن پایه های علمی خیالی ای می پردازد که هستی مکتب مارکسیسم بر اساس آن بنا شده است. در فصل دوم، شهید صدر، سرمایه داری و نقد پایه های آن و نیز شرح رابطه سرمایه داری با علم اقتصاد را بیان می کند.

در فصل سوم، اقتصاد اسلامی را دقیق و روشن بیان می کند. بدین منظور، ابتدا به بررسی مجموعه اندیشه های بنیادین این اقتصاد و سپس به شرح تفصیلی دیگر اصول می پردازد. نویسنده به این مطالب اشاره می کند که نظام توزیع و تولید با مفاهیمی مانند تعادل، تأمین اجتماعی، حدود مالکیت خصوصی، سیاست مالی و اختیارات حکومت در زندگی اقتصادی و نیز عناصر تولید مانند کار، سرمایه، وسایل تولید و حق هر یک از آنها در ثروت تولید شده و مسائل مختلف دیگر، همگی در ترسیم تصویری کامل و مشخص از اقتصاد اسلامی نقش دارند. (۲)

شهید صدر در بخش اول، به بررسی و نقد روشن بینانه مکتب های

۱- التحرک الاسلامی فی العراق، ص ۲۱.

۲- سید محمدباقر الصدر، اقتصادنا، مکتب الاعلام الاسلامی، فرع خراسان، الطبعة الاولى، ۱۴۱۷ هـ. ق، ص ۴۸.

اقتصادی شرق و غرب می پردازد و آنها را بی ارزش و مردود می داند و در بخش دوم، نظام اقتصاد اسلامی را به طور مفصل طرح می کند. (۱) شهید صدر در این کتاب، با بیان چند دلیل به اثبات می رساند که توانایی اسلام در اجرای طرح های توسعه اقتصادی در جهان اسلام و اداره زندگی بشر، بیشتر از دیگر مکاتب هاست. ایشان توضیح می دهد که کار محقق درباره مکتب اقتصادی اسلام، اکتشاف است، نه ایجاد و اختراع. (۲)

۳. فدک فی التاریخ

۳. فدک فی التاریخ

کتاب فدک، یکی از نوشته های ارزشمند شهید صدر است که در هفده سالگی آن را نوشته و در موضوع خود، یکی از ابتکاری ترین کتاب هاست.

شهید صدر با این کتاب، افزون بر اینکه در آغاز جوانی، نبوغ و توان فکری خود را در تحلیل رویدادهای تاریخی نشان داده، نگرانی های اصلی خود را هم در پاسداشت حریم اهل بیت علیهم السلام به نمایش گذاشته است. از دید او، موضوع فدک، موضوعی کاملاً سیاسی است، نه صرفاً اختلافی درباره مالکیت آن.

مطالب این کتاب در پنج فصل گردآوری شده است. شهید صدر در فصل اول کتاب، حرکت حضرت زهرا علیهاالسلام را قیامی بزرگ می داند که با تمام وسعت و ژرفای غم انگیز خود در تاریخ ثبت شده است. او سپس به شرح صحنه های این قیام می پردازد. در فصل دوم، تاریخچه سیاسی فدک را بررسی

۱- التحرك الاسلامی فی العراق، ص ۲۱.

۲- «معرفی کتاب اقتصادنا»، اندیشه ماندگار، ش ۵۴.

می کند و دست به دست گشتن آن را میان خلفا و خاندان اهل بیت علیهم السلامی کاود. فصل سوم، فصل قیام است که نگارنده آن، رقابت سیاسی خلفا با حضرت علی علیه السلام و نقش آنان را در زمینه سازی برای خلافت امویان توضیح می دهد. در فصل چهارم، بخش هایی از خطبه حضرت زهرا علیها السلام تجزیه و تحلیل می شود و سرانجام در فصل پنجم، شهید صدر به ارزیابی نهایی ماجرا می پردازد و در پایان این فصل نیز استناد حضرت زهرا علیها السلام به قرآن را برای دفاع از ولایت توضیح می دهد. (۱)

۴. دروس فی علم الاصول (حلقات)

۴. دروس فی علم الاصول (حلقات)

این کتاب، سلسله درس هایی در علم اصول فقه است که آیت الله شهید سید محمدباقر صدر به عنوان متن کتاب درسی طلبه های علوم دینی در مرحله مقدماتی (سطح)، به جای کتاب های درسی قدیم نظیر معالم، رسائل و کفایه، در سه بخش یا حلقه نوشته است.

او معتقد بود کتاب های درسی قدیم، با انگیزه و بیان دیدگاه های مؤلف و افکار او در مسائل مختلف اصولی بوده و برای تدریس گردآوری نشده است. پیداست چنین کتاب هایی شایستگی این را ندارند که از آنها به عنوان کتاب درسی استفاده شود، اگر چه از لحاظ علمی ارزش بسیار بالایی دارند.

حلقه های سه گانه این کتاب، همگی روش و برنامه یکسانی دارند و هر کدام از آنها، علم اصول را به صورت کامل در برمی گیرد، ولی عرضه مطالب از نظر کمی و کیفی هم سطح نیست. محتوای حلقه اول، اشاره ای است به

مطالب و قواعد اصولی، بدون هرگونه استدلال تا آمادگی لازم برای ورود به مرحله بعدی که استدلالی است، به وجود آید. در حلقه دوم، پایه اول استدلال ارائه می شود و در حلقه سوم، پایه عالی استدلال که برای محقق ساختن هدف دروس سطح حوزه کفایت می کند. صاحبان فن معتقدند که این طرح، نیاز اساسی و نقص مهم برنامه درسی طلبه های علوم دینی را برطرف می سازد و می توان در علوم دیگر مانند علم فقه نیز از آن استفاده کرد. (۱)

ویژگی های برتر این کتاب به طور خلاصه عبارت است از:

الف) بیان نظام مند و فنی مسائل علم اصول با عنایت به شیوه های آموزشی؛

ب) به کارگیری نثری گویا و روان و پرهیز از عبارت ها و اصطلاحات پیچیده و معماگونه، به طوری که تنها نگرانی طلبه، درک مفهوم است، نه درگیری با لفظ و یافتن مرجع ضمیر؛

ج) توجه به مباحث اصولی جدید که در کفایه الاصول و فرائد الاصول به آنها پرداخته نشده است.

فصل چهارم: ویژگی های اخلاقی شهید صدر

اشاره

فصل چهارم: ویژگی های اخلاقی شهید صدر

زیر فصل ها

زهد

عبادت

اخلاق نیک

صبر

عشق به اهل بیت علیهم السلام

استفاده بهینه از وقت

انس با قرآن

اهمیت دادن به مشورت

هم دردی با نیازمندان

زهد

زهد

شهید صدر، آینه تمام نمای اخلاق اسلامی و انسانی بود. او زاهدی حقیقی و پیشوایی صالح برای پویندگان راه اهل بیت علیهم السلام به شمار می آمد. زهد شهید از روی فقر و در اختیار نداشتن مادیات نبود، بلکه زهدی کاملاً اختیاری بود که آن را با اقتدا به رهبر خویش، امام علی علیه السلام که ندا می داد: «ای دنیا، دیگران را بفریب، نه مرا» برای خود برگزیده بود. دارایی شهید صدر پاک و عاری از سهم امام بود و تمکن مالی وی به دلیل دسترسی به اموال امام نبود. او با ثروت بسیار، در خوراک، پوشاک، خرید خانه و ماشین و... زهد می ورزید و این گونه کارها، او را در شمار بزرگان و شایستگان جای می داد.

شهید صدر با توجه به وضعیت اجتماعی زمان خود، در پوشاک مصرفی اش قناعت داشت؛ به گونه ای که ارزان ترین پارچه ها را انتخاب می کرد. همچنین هدایایی را که برایش می آوردند، به طلبه ها می بخشید و از هدایای گران بها چیزی برای خود نگه نمی داشت. لوازم خانه او بسیار اندک بود که البته بعد از شهادت، رژیم بعث آنها را نیز مصادره کرد. این شهید بزرگوار تا آخر عمر شریف خود خانه ای نخرید و می گفت هر وقت تمام طلبه ها از عهده خرید خانه برآیند، او هم خانه می خرد. بدین گونه بود که تا

زمان شهادت، صاحب خانه شخصی نشد. (۱)

شهید صدر اتومبیل نداشت و هنگامی که شخص نیکوکاری اتومبیل گران قیمت خود را به وی بخشید، در عین نیاز بسیار، آن را فروخت و پولش را میان طلبه ها و نیازمندان تقسیم کرد. او خانواده خود را هم بر همین رویه پرورش داده بود. شهید صدر در تمام کارها و رفتارهایش هدف داشت و در راه خدمت به دین مبین اسلام می کوشید. او معتقد بود که سطح زندگی مرجع نباید بالاتر از سطح زندگی تهی دستان باشد. ایشان به سبب پاره ای مسائل منفی و زیان بار که در رفتار بعضی افراد دیده می شد و مردم را بر ضد دین تحریک می کرد و اعتماد آنان را به عالمان دین سست می ساخت، در پی راهکارهای اصلاحی و اجرای آنها بود. هم سطح کردن زندگی خود با زندگی تهی دستان و طلبه ها یکی از این راهکارها، به شمار می آمد.

شهید صدر بسیار غم خوار مردم بود. گرفتاری های مردم را درمی یافت و از اوضاع و احوال آنها جويا می شد. با آنان هم دردی می کرد و برای حل مشکلاتشان تا حد امکان می کوشید. این روحیه مهربان و خستگی ناپذیر او سبب شده بود تا هر که وی را می بیند، دوستش بدارد و به طرزی عجیب دل باخته او شود. (۲)

عبادت

عبادت

۱- الشهید الصدر؛ سنوات المحنة و ایام الحصار، صص ۱۱۲ _ ۱۱۷.

۲- میعاد با سپیده گشایان، صص ۱۲۶ و ۱۲۷ مصاحبه با شیخ محمدرضا نعمانی.

یکی از جنبه های زیبای زندگی شهید صدر، ایمان قوی و عبادت های خالصانه اوست. او در عبادت هایش بیشتر به حالات درونی آن اهمیت می داد تا مقدارش و از این رو، به واجبات و مستحبات مهم بسنده می کرد.

ویژگی برجسته در عبادت های شهید، اخلاص و جدایی کامل از هر چیزی جز خدا، برای رضای حق تعالی بود و تا حضور قلب تام نمی یافت، به راز و نیاز نمی پرداخت. او در شرایطی بحرانی و ناآرام می زیست و مشکلات بسیار و غم های فراوان زندگی اش را فرا گرفته بود؛ با این حال، روزی چندین مرتبه حالت انقطاع و خشوع را در خود ایجاد می کرد. شهید صدر، پیش از خواندن نماز چند لحظه به فکر فرو می رفت و پس از مدتی تفکر، ناگاه برمی خاست و نماز می خواند. در واقع، هرگاه مضطرب می شد، با این عمل، افکار نادرست را از ذهن آشفته خود بیرون می راند تا با اخلاص و صفای باطن، به درگاه خداوند نماز بگذارد. (۱)

اخلاق نیک

اخلاق نیک

در اخلاق شهید صدر، گوشه ای از اخلاق والای اهل بیت نمود داشت. هر کس به مجلس ایشان وارد می شد _ چه عوام چه خواص _ بی درنگ جذب منش عالی و اخلاق ناب او می گردید. شهید صدر، در بدو ورود هر فردی از هر طبقه و قشری، با احترام از جای برمی خاست و همواره لبخند بر لب هایش بود. مردم را از صمیم قلب دوست داشت و با همین محبت ها آنان را شیفته خود می ساخت.

دیگر ویژگی مهم اخلاقی او که شیوه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به یاد می آورد، بخشندگی او در عین ناداری اش بود. برای مثال، گاهی تمام دارایی اش را به کسی که برای طلب مال و کمک به خانه ایشان می آمد، انفاق می کرد و از کمی آن عذر می خواست. (۱)

فداکاری

از خود گذشتگی، خصلتی بود که از سال های جوانی و پیش از مرجعیت در وجود او پدیدار بود. در این زمینه گاه با مرجعیت خود و گاه با نوشته های خود یا با مال و مقامش فداکاری می کرد که سرانجام با خون خود، این جانبازی را کامل کرد. (۲)

نمونه ای از ایثارگری های این شهید بزرگوار ماجرای است که آیت الله سید کاظم حائری آن را چنین نقل می کند:

استاد صدر روزی به بنده فرمود: به نظر بنده، آنچه ملت در این روزها به آن مبتلاست، همان بیماری است که در دوران امام حسین علیه السلامه آن دچار بود [و آن] مرض بی ارادگی [است]. ملت عراق، حزب بعث و حکمرانانش را می شناسند و در فسق آنها شکی به خود راه نمی دهند، ولی کفر و ظلم و طغیان آنها را به مردم نادیده می انگارند؛ زیرا اراده ای را که باید [با آن در راه خداوند جهاد] کنند، [از دست داده اند؛ اراده ای که] [به کمک] آن بتوانند این گروه کافر را از حکومت خلع کنند [و این کابوس ظلم را از خود دور سازند].

ما باید این بیماری را درمان [کنیم] تا اراده و [انگیزه] زندگی کردن را، در [وجود] این ملت مرده به جریان اندازیم و این کار همان گونه انجام می پذیرد که امام حسین علیه السلام در آن دوران، بیماری ملت را با آن معالجه کرد [و

۱- شهید الصدر؛ سنوات المحنة و ایام الحصار، صص ۱۲۵ و ۱۲۶.

۲- شهید الصدر؛ سنوات المحنة و ایام الحصار، ص ۱۲۹.

آن، جانبازی عظیمی است که احساسات را به لرزه درآورد و زندگی را به این ملت بازگرداند، همان که به برافتادن دولت بنی امیه انجامید. ما نیز باید با [بذل] جان [و] خون خود، در راه پیروزی دین اسلام [گام برداریم].

[وظیفه ما] امروزه این است که تعدادی از طلبه ها و یارانی که به راه و هدف، ایمان دارند و آماده فداکاری اند، جمع شوند تا با هم به صحن شریف [حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام] برویم و هم قسم شویم که زنده از صحن بیرون نخواهیم رفت. بنده علیه حکومت وقت خطبه [می خوانم و لازم است] طلبه های همراهم را یاری کنند تا علیه ظلم و ستم قیام کنیم. گروه ستمگر که ما با آنها مخالفیم، به مقابله با ما خواهند آمد و ما را در صحن شریف به شهادت [خواهند] رساند. در این میان، گروه سومی باید زنده بمانند و پس از ما، از ثمره های این جانبازی و فداکاری در جامعه استفاده مثبت [کنند]. [اجرای] این کار دو شرط دارد: یکی اینکه باید در حوزه علمیه، گروهی انجام این [گونه کارها را به عهده بگیرند]؛ زیرا اگر پس از این کار، حوزه در مقابل آن قرار گیرد و آن را عملی دیوانه وار یا مخالف با تقیه قلمداد [کند] و از این کار حمایت نکند، تأثیر آن بر مردم از بین می رود و نتایج مطلوبی به بار نمی آورد. شرط دوم این است که یکی از مراجع بزرگ قبل از انجام آن، [با چنین اقدامی موافقت کند] تا عمل به آن در ذهن مردم و ملت وجه قانونی کامل [داشته] باشد.

ایشان در ایجاد [زمینه های لازم برای عملی شدن] این دو شرط، تلاش های بسیاری کرد: شرط اول را نتوانست عملی کند؛ زیرا چنان [رعب و] وحشتی [بر جوّ جامعه] حاکم بود که [موقعیت] این کار در حوزه به وجود نیامد و در زمینه شرط دوم، وی معتقد بود یگانه مرجع قوی، امام خمینی رحمه الله [است].

وقتی به ایشان مراجعه [کردند] امام فرمود: «نمی دانم». و شاید معتقد بود [آثار] زیان باری که فقدان شهید صدر برای ملت عراق دارد، بسیار بیشتر از

فایده های آن است و بدین ترتیب، این گونه اعمال متوقف شد. (۱)

علت تردید حضرت امام خمینی رحمه الله در مورد تأثیر این اقدام ایثارگرانه در جامعه آن روز عراق آن بود که خود امام در آن هنگام در عراق می زیست. ایشان به وضع مردم آن دیار کاملاً آگاه بود و زمانی در دیدار معاودین عراقی با ایشان در سالگرد شهادت آیت الله صدر فرمود:

قبل از اینکه تبعید شوم و منتهی بشود که به عراق بیایم، گمان می کردم که عشایر عرب که دارای سلاح هم بودند در مقابل این حکومت خواهند ایستاد... . لکن بعد از اینکه آمدم به عراق، تعجب بیشتر شد که دیدم در حضور همین عشایر عرب و در حضور همان ملت، رئیس روحانی ملت عراق (شهید صدر) را محاصره کردند و تحت الحفظ به نجف آوردند و باید بگویم آن هم مظلومانه به شهادت رسید. (۲)

عشق به اهل بیت علیهم السلام

عشق به اهل بیت علیهم السلام

شهید صدر، اوصاف و اسماء حق تعالی را قله کمال انسان و امامان معصوم علیهم السلام را انسان هایی می دانست که به آن قله رسیده اند. به باور ایشان، باتقوایان باید با عشق و محبت خالص، به ائمه اطهار علیهم السلام نزدیک تر شوند و در همه عرصه های شخصی و اجتماعی زندگی، آنان را اسوه خویش قرار دهند.

شهید صدر به امیرمؤمنان علی علیه السلام بسیار دل بسته بود و در حرم آن بزرگوار به اندیشه و تأمل می پرداخت و گره های فکری خود را به مدد ایشان

۱- نک: الشهد الصدور؛ سنوات المحنة و ایام الحصار، صص ۱۳۴ و ۱۳۵.

۲- «یادمان سالگرد شهادت آیت الله صدر»، روزنامه سلام، ۱۹/۱/۱۳۷۸.

می گشود. (۱) از مادر شهید صدر نقل شده است:

ایشان در آغاز زندگی علمی خود هر روز به حرم حضرت علی علیه السلامی رفت، نماز می گزارد و زیارت می [کرد]. سپس در حرم می نشست و به مسائل پیچیده می اندیشید و از [آن] حضرت که دروازه شهر دانش [است]، درخواست کمک [می کرد]؛ به گونه ای که حل هیچ مسئله ای برایشان در حرم حضرت علی علیه السلام مشکل نبود. چند وقتی شهید این مراجعه به حرم را ترک [کرد] و هیچ کس از این ماجرا آگاه نبود تا اینکه یکی از خادمان پدر شهید (که پس از وفات پدر شهید [آن] زمان [خادم ایشان بود] در عالم رؤیا امیرمؤمنان علی علیه السلام را دید که فرمود: به فرزندم سید محمدباقر بگو چرا حضور در مجلس درس ما را ترک گفته است؟ خادم پس از بیداری این قضیه را برای شهید نقل [کرد] و این گونه بود که دیگران [نیز] از حضور [سید محمدباقر] در حرم حضرت علی علیه السلام آگاه شدند و شهید صدر [از آن پس] تا روز قبل از بازداشتش، در جلسات درس حضرت [امیرمؤمنان علی علیه السلام] حاضر می شد. (۲)

ایشان مرجعیت خویش را با نام و یاد امام حسین علیه السلام و فرهنگ حماسه ساز حسینی درآمیخت و جلسه روضه خوانی سالار شهیدان را چهارشنبه هر هفته در خانه خویش برپا می کرد. (۳)

استفاده بهینه از وقت

استفاده بهینه از وقت

۱- مجله حوزه، ص ۱۳.

۲- شهید الصدر؛ سنوات المحنة و ایام الحصار، صص ۷۹ و ۸۰.

۳- «با کاروان علویان»، روزنامه جوان، ۱۹/۱/۱۳۷۸.

نظم شهید صدر و بهره‌وری مناسب ایشان از وقت، مطلبی است که تمام شاگردان وی بر آن صحنه می‌گذارند. او کمترین فرصت را نیز از دست نمی‌داد و عمر خود را در راه دانش‌آموزی و تدریس صرف می‌کرد و زمان مرده برایش معنا نداشت. مصداق این سخن، خاطره آیت‌الله محمد علی تسخیری است:

متعارف بود که شهید صدر در [طول] مسیر خانه و مسجدی که در آن درس می‌گفت، مباحث آن روز و نیز چگونگی عرضه و بیان آن را در ذهن خویش مرور می‌کرد. به همین [سبب] گاهی ایشان می‌آمد، از جلو در مسجد عبور می‌کرد و دور دیگری می‌زد تا وقت درس برسد و [تا آن موقع] مطلب را کامل تر در ذهنش دوره کند. ایشان به برخی از شاگردان که هنگام عبور و مرور این طرف و آن طرف را نگاه می‌کردند، اعتراض می‌کرد که چرا فرصتی را که در حال راه رفتن دارید، ضایع می‌کنید و مسئله‌ای را در ذهنتان حلاجی نمی‌کنید و به راه حلش نمی‌اندیشید، شاید به راه حلی برسید. (۱)

انس با قرآن

انس با قرآن

شهید صدر هنگام قرائت قرآن دو عنصر حضور قلب در پیشگاه خداوند و جدایی از غیر خدا را مدنظر داشت و با تدبیر بسیار در معانی آیات، به قرائت می‌پرداخت و در تمامی مراحل زندگی خود برای عمل به آنها می‌کوشید. ایشان در روزها و شب‌های رمضان دوران حصر در منزل، با صوتی حزین، قرآن می‌خواند و اشک می‌ریخت؛ به گونه‌ای که صدایش قلب انسان را متأثر می‌ساخت. او با حالتی عجیب معانی قرآن را مدنظر داشت و

۱- اندیشه ماندگار، ج ۴، ص ۱۷، مصاحبه با آیت‌الله تسخیری، از شاگردان شهید صدر.

نوع لحن وی، دل هر شنونده ای را به لرزه درمی آورد. (۱)

اهمیت دادن به مشورت

اهمیت دادن به مشورت

شهید سید محمدباقر صدر در مهم ترین کارها و تصمیم هایش از روش شورایی بهره می گرفت. ایشان صاحب نظران و خبرگانی را که به آنان اطمینان داشت، گرد هم می آورد و اموری را که نیاز به نظر کارشناس داشت، برایشان مطرح می کرد. اگر در جمع، نظری بر خلاف نظریه شخصی او داده می شد و اکثریت با آن موافق بودند، آن را با احترام می پذیرفت. (۲)

هم دردی با نیازمندان

هم دردی با نیازمندان

شهید صدر از نظر مالی، در برخی موقعیت ها در تنگ دستی می زیست. با این حال همواره در فکر مستمندان بود و عقیده داشت اگر زمانی چیزی برای کمک به آنها نداشته باشد، کوچک ترین کاری که می تواند بکند این است که خود نیز مانند آنان زندگی کند. روزی یکی از طلبه ها به طور خصوصی به دیدن شهید آمد و از ایشان برای پرداخت هزینه عمل جراحی همسرش تقاضای کمک مالی کرد. این شهید بزرگوار در حالی که در وضعیت مالی خوبی نبود، به محض آگاهی از نیاز آن طلبه، صد دینار به وی داد و از کمی آن پوزش خواست و آن مرد با رضایت کامل و شاکرانه، خانه او را ترک کرد.

۱- الشهید الصدر؛ سنوات المحنة و ایام الحصار، ص ۱۲۱.

۲- الشهید الصدر؛ سنوات المحنة و ایام الحصار، ص ۱۲۴.

فصل پنجم: مبارزات سیاسی شهید صدر

اشاره

فصل پنجم: مبارزات سیاسی شهید صدر

زیر فصل ها

موقعیت سیاسی عراق

تأسیس حزب الدعوه

مبارزات شهید صدر با حکومت

بازداشت های شهید صدر

تلاش حکومت برای ترور شهید صدر

شهادت

شهید صدر، انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی رحمه الله

موقعیت سیاسی عراق

موقعیت سیاسی عراق

اوضاع و شرایط جامعه، نقش اساسی در تحریک یک مجاهد دارد. از این رو، برای درک صحیح فعالیت های مبارزاتی شهید صدر، لازم است موقعیت سیاسی عراق را در آن دوره بررسی کنیم.

مبارزات شهید صدر در دوره ای صورت گرفت که حزب بعث در عراق حاکم بود. این حزب شیطانی که ریشه در افکار میشل عفلق داشت، در سال ۱۹۶۸م. با کودتایی در عراق بر سر کار آمد و زمام حکومت را به دست گرفت. از آن پس، در راه دین زدایی و نابودی مراکز و پایگاه های مذهبی و حذف ارزش های والای اسلامی دست به هر جنایتی زد. حزب بعث در نخستین بیانیه خود اعلام داشت: «از جمله هدف های ما، نابودی ارتجاع مذهبی است.» از این رو، سازمانی با عنوان «سازمان مبارزه با ارتجاع مذهبی»، در بغداد تأسیس شد. این سازمان همانند شیوه رضاشاه در ایران و آتاترک در ترکیه، از برپایی مجالس مذهبی، از جمله برگزاری عزاداری حسینی جلوگیری می کرد و جوانانی را که به مسجدها و مجلس های عزاداری اهل بیت علیهم السلام رفت و آمد می کردند، تعقیب و بازداشت می کرد. همچنین برای از بین بردن روح ایمان و معنویت،

زمینه های فساد و فحشا را گسترش می داد.

حزب بعث به منظور تضعیف مقام مرجعیت شیعه و نابودی حوزه های علمیه بسیار کوشید؛ زیرا حوزه علمیه، تنها نهاد نیرومندی بود که با اندیشه های الحادی حزب بعث درگیری داشت. همچنین این سازمان، طرح «بعثی کردن آموزش و پرورش» را به اجرا گذاشت و برای ادامه کار معلمان و استادان، شرط عضویت در حزب بعث و آموزش آموزه های سوسیالیستی کمونیستی حزب به نوجوانان و جوانان را قرار داد.

در این دوره، افزون بر گسترش فساد و ایجاد فضای خفقان، حزب بعث برای پیش گیری از قیام مردمی، ملت عراق را با وجود ثروت سرشار ملی، به وادی فقر و فلاکت کشاند تا تمام هم و غم آنها پرکردن شکم هایشان باشد و هرگز به فکر قیام و مبارزه نیفتند. حزب بعث برای رسیدن به اهداف شوم خود، همراه با این اقدامات، برای خالی کردن حوزه های علمیه عراق از نیروهای کارآمد و در نتیجه، ناتوان ساختن حوزه ها از ادامه راه، بسیاری از علما و طلبه ها را از عراق بیرون راند و پراکنده ساخت.

حزب بعث، برای کم کردن تعداد شیعیان و از هم گسستن جامعه و تشکیلات شیعی، بسیاری از شیعیان را به بهانه ایرانی الاصل بودن، از خانه و کاشانه خود آواره کرد و از عراق بیرون راند. همچنین برخی از طلبه ها را به بهانه وابستگی شان به احزاب دینی یا سرباز زدن آنان از انجام خدمت در نظام، تعقیب و اعدام کرد.^(۱)

۱- میعاد با سپیده گشایان، صص ۱۳۴ و ۱۳۵.

تأسیس حزب الدعوة

تأسیس حزب الدعوة

شهید صدر با توجه به شرایط سیاسی آن زمان عراق، «حزب الدعوة الاسلامیه» را پایه گذاری کرد. این اقدام در زمان خود، با توجه به سطح فکر سیاسی آن دوره در حوزه های علمیه نجف اشرف، از شعور سیاسی عمیق ایشان حکایت می کرد.

آیت الله صدر برای آمادگی افکار عمومی، مقاله ای در وجوب برپایی حکومت اسلامی در عصر غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشت. (۱) پس از آن، در ربیع الاول ۱۳۷۷ ه. ق با وجود مشکلات بسیار، «حزب الدعوة الاسلامیه» به همت و همکاری آیت الله صدر، شهید سید محمد مهدی حکیم، شیخ مهدی سماوی، شیخ عبدالهادی الفضلی و سیدطالب رفاعی تأسیس شد و خود آنان از نخستین اعضای حزب بودند. (۲) در اساس نامه ای که آیت الله صدر بر پایه باورهای اسلامی برای این حزب تنظیم کرده بود، محورهای فکری زیر به چشم می خورد:

۱. ایجاد تحول فکری و گسترش آگاهی های مؤثر و تربیت افرادی که مسئولیت تغییر فکری امت را برعهده گیرند.
۲. مبارزات سیاسی و نظامی (که در این مرحله بر جهاد سیاسی بر ضد دشمنان اسلام و بر رهبری توده مردم تأکید و از شیوه های مختلف سیاسی و نظامی به طور علنی و مخفی، استفاده می شود).
۳. رسیدن به قدرت و ایجاد حکومت اسلامی با رهبری مرجعیت.

۱- التحرك الاسلامی فی العراق، ص ۳۷.

۲- شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، ص ۵۴.

۴. رسیدگی به مصلحت های اسلام و امت اسلامی، پس از به دست گرفتن قدرت. (۱)

آنچه ذکر شد، نظر شهید صدر در ابتدای مبارزه انقلابی خود بود که می توان از آن به عنوان راهبرد گام به گام یاد کرد. در ادامه راه، نظر ایشان تغییر کرد. نظر نهایی شهید صدر درباره مراحل چهارگانه پیش گفته، چنین بود:

اگر ما در کشوری می زیستیم که نظام دموکراسی بر آن حکم فرما بود و به حقوق و نظریه های ملت احترام می گذاشت و حکومت از طریق قتل و تبعید بی حساب، با افراد مقابله نمی کرد، امکان آن بود که تأسیس حزبی سیاسی را فرض کنیم؛ حزبی که با مقصدی معین و اساسی مخفیانه پی ریزی شود. سپس حرکت سیاسی خود را آشکارا انجام دهد، در راه جذب ملت به سوی خود بکوشد و آنان را به پذیرش و تأیید موضع های سیاسی خود فرا خواند.

در کشورهایی مانند عراق واقعیت چنین نیست. در این کشورها هرگاه قدرت حاکم از وجود حزبی اسلامی آگاه شود که با سازمان دهی، در راه کسب قدرت و حاکمیت بخشی به اسلام می کوشد، پیش از آنکه مردم به این حزب بگروند و با اهداف آن آشنا شوند، قدرت موجود به کشتار، تبعید، زندان و شکنجه همه دست اندرکاران حزب روی خواهد آورد و هر نوع حرکت مخالفی را در کشور، سرکوب خواهد کرد. از این رو، تا زمانی که تحول بین المللی در جهان پدید نیاید و محاسبات کنونی را بر هم زند، برای حزب این امکان نیست که از مرحله نخستین به مرحله بعدی برسد. (۲)

شهید صدر، به علت فعالیت های حزبی اش از سوی دو گروه در فشار

۱- زندگی و افکار شهید صدر، ص ۹۶.

۲- زندگی و افکار شهید صدر، ص ۹۷.

بود. گروهی، متحجران و مقدس مآبانِ عاجز از درک افکار شهید صدر بودند که گمان می کردند کسی مثل شهید صدر فقط باید مشغول درس و بحث و تدریس باشد و نباید در فعالیت های اجتماعی و سیاسی دخالت کند. گروه دوم، رژیم سفاک بعث بود که وجود یک حزب اسلامی پرتطرفدار و مخالف حکومت را برنمی تابید. نتیجه کار این گروه ها این بود که عده ای همواره نزد آیت الله العظمی حکیم، از شهید صدر بدگویی می کردند و حتی برنامه های عملی او را منجر به بی آبرویی حوزه علمیه می دانستند! آیت الله حکیم هم در پاسخ این افراد می گفت: آیا شما بیشتر از سید محمدباقر به مصلحت های حوزه می اندیشید و به آن دل سوزترید؟! سرانجام پس از گذشت پنج سال از فعالیت حزب، آیت الله حکیم که از اقدامات توطئه گران در مورد شهید صدر نگران بود، او را از ادامه همکاری با حزب برحذر داشت. (۱) شهید صدر هم با توجه به احترام ویژه ای که برای مرجعیت و شخص آیت الله حکیم داشت، خطاب به همکاران خود در حزب چنین نوشت:

حضرت آیت الله حکیم از من خواسته است که در این تشکیلات حضور رسمی نداشته باشم. من از این خواسته ایشان بوی ضرورت و الزام می شنوم. از این رو، دیگر خود را وابسته و منسوب به این سازمان سیاسی نمی دانم، ولی از شما می خواهم که این حرکت اسلامی را با پی گیری دقیق دنبال کنید و من در این اقدام ارزشمند پشتیبان شمایم. (۲)

شهید صدر پس از رحلت آیت الله حکیم و عهده دار شدن مرجعیت، از

۱- شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، صص ۵۶_۵۸.

۲- زندگی و افکار شهید صدر، ص ۹۵.

دخالت در امور حزبی دوری می جست و معتقد بود مرجعیت، تنها باید ناظر و راهنمای احزاب سیاسی اسلامی باشد و خود، به طور مستقیم به کارهای حزبی نپردازد. در سال های آخر دهه نود قمری، حزب الدعوه و جامعه شیعه، از انقلاب اسلامی ایران تأثیر گرفت. دولت عراق نیز حزب الدعوه را همچون ستون پنجم می دانست که هدفش ادغام ایران و عراق بود (۱) و بر این اساس از هیچ اقدامی برای سرکوب آن دریغ نکرد.

مبارزات شهید صدر با حکومت

مبارزات شهید صدر با حکومت

آیت الله شهید سید محمدباقر صدر، لحظه ای از مبارزه و تلاش برای سرنگونی رژیم فاشیستی عراق آسوده نشست و با سخنرانی ها و فتوهای شجاعانه خود، در برابر طرح های شیطانی حزب بعث می ایستاد. پس از طرح «بعثی کردن آموزش و پرورش» که بر اساس آن، تمام دبیران و استادان باید به عضویت این حزب درمی آمدند و متعهد به آموزش افراد می شدند، شهید صدر فتوایی تاریخی و حماسی را به این بیان صادر فرمود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به اطلاع عموم مسلمانان می رساند که پیوستن به حزب بعث، با هر عنوانی، شرعاً حرام و هرگونه همکاری با آن، به منزله یاری ظالم و کافر و دشمنی با اسلام و مسلمانان است. (۲)

شهید صدر، نخستین مرجعی بود که با صراحت، حزب بعث را تحریم و

۱- هر ایر دکمجان، جنبش های اسلامی معاصر در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، تهران، کیهان، ۱۳۷۷، چ ۳، ص ۲۳۱.

۲- علمای مجاهد، ص ۲۹۴.

ضربه مهلکی به آن وارد کرد. یکی از سران حزب در این باره گفته بود:

فتوای سید محمدباقر صدر، همه نقشه های ما را نقش بر آب کرد و هیچ کس جز عده کمی ترسو و بزدل، عضویت در حزب و همکاری با آن را در زمینه طرح بعثی کردن نظام آموزش و پرورش نپذیرفت و اجرای این طرح با شکست روبه رو شد. (۱)

بدین گونه حزب بعث، دشمن اصلی خود را شناخت.

در سال ۱۳۹۶ ه. ق هنگامی که استاندار نجف اشرف به خانه آیت الله صدر رفت، شهید عزیز خطاب به او فرمود:

شما چرا تمام شعایر اسلامی و هیئت های عزاداری امام حسین علیه السلام را ممنوع کرده اید؟ من به شما به صراحت می گویم که حاکمان بعث عراق، مانند یزید بن معاویه هستند که در زباله دان تاریخ مدفون گردیده است. شما مگر نمی دانید که یزید تنهاست و پیروانی ندارد، پس چرا راه یزید را پیش گرفته اید و با شعایر اسلام محاربه می کنید؟ مگر نمی دانید که امام حسین علیه السلام پیروز شد و یزید خسارت دید؛ زیرا امام حسین علیه السلام به هدفش که اسلام و قرآن بود رسید و اکنون پرچم اسلام در سراسر دنیا در اهتزاز است. (۲)

شهید صدر در جایی دیگر فرموده است:

من کنار ملت عزیزم هستم و تا آخرین نفس همراه فرزندان رشیدم مبارزه خواهم کرد. به خدا سوگند، شهادت در راه خدا آرزوی من است و مرگ برای من بسیار شریف است. من نمی توانم در برابر رژیم مزدور بعث عراق ساکت بنشینم، در حالی که با دین مقدس اسلام و تمام شعایر اسلامی محاربه می کنند و تمام کتاب هایی را که دارای افکار روشن فکرانه اسلامی است، منع کرده اند و جز تألیف و تدریس، نمی گذارند کار دیگری انجام دهم. ولی من نسبت

۱- شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، ص ۸۴.

۲- کریم جوان شیر، نامداران راحل، زندگی نامه چهل تن از مشاهیر شیعه، تبریز، انتشارات سالار، ۱۳۷۵، چ ۱، ص ۲۸۷.

به اسلام احساس مسئولیت می کنم و وظیفه خود می دانم که تا آخرین قطره خون خود با رژیم دست نشانده امریکایی بعث عراق مبارزه کنم. (۱)

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران شهید صدر برای شکستن سد رعب و وحشت مردم عراق، قیام مسلحانه را بر ضد حزب بعث و سرکرده های آن انتخاب کرد و چنین فتوا داد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بر همه ملت مبارز و مسلمان عراق واجب کفایی است که به قیام مسلحانه بر ضد حزب بعث و سردمداران آن اقدام و مسئولان این حزب کافر را ترور کنند تا خود را از چنگال این دژخیمان خون خوار نجات دهند. (۲)

این فتوا، حاکمان بعثی عراق را به وحشت انداخت و نیروهای اطلاعاتی و امنیتی عراق را ناآرام ساخت، چنان که از سایه خود نیز می ترسیدند. اگر باخبر می شدند کسی کمترین ارتباطی با آیت الله صدر دارد، او را دستگیر می کردند. خانه شهید صدر را هم به محاصره درآوردند و حتی مانع دیدار حجت الاسلام سید محمود دعایی، سفیر وقت جمهوری اسلامی ایران در عراق با آیت الله صدر شدند و او را به زور به بغداد برگرداندند. (۳)

آیت الله صدر می دانست که صدام حسین، دیکتاتور عراق، روحیه قدرت طلبی دارد و بدین منظور دست به هر جنایتی، از جمله کشتارهای

۱- کریم جوان شیر، نامداران راحل، زندگی نامه چهل تن از مشاهیر شیعه، تبریز، انتشارات سالار، ۱۳۷۵، چ ۱، ص ۲۸۸.

۲- علمای مجاهد، ص ۲۹۵.

۳- گفت و گویی با سید محمدباقر مهری، ضمیمه اطلاعات، ۱۹/۱/۱۳۶۱؛ به نقل از: شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، ص

فاجعه آمیز و شکنجه های غیرانسانی می زند تا برای تحکیم پایه های حکومت سیاهش، مردم مسلمان عراق را مطیع خود سازد. از این رو، شهید صدر یکی از راه های پیروزی انقلاب اسلامی مردم عراق را از میان برداشتن شخص صدر تکریتی می دانست.

خلبان هواپیمای اختصاصی صدر، جوانی انقلابی و مقلد آیت الله صدر بود که بارها نیز با ایشان تماس گرفته و آمادگی خود را برای هرگونه اقدام انقلابی بر ضد صدر اعلام کرده بود. آیت الله صدر پس از مطمئن شدن از این جوان، به او وقت ملاقات داد و در همان دیدار، طرح ترور صدر ریخته شد، ولی تقدیر چنین بود که این جوان هم به قافله شهدای مظلوم انقلاب اسلامی عراق پیوندد. چند ساعت پیش از اجرای عملیات ترور، گارد مخصوص صدر از این طرح آگاه شدند و خلبان جوان را دستگیر کردند و کشتند.^(۱) شهید صدر در راه مبارزه با حکومت از هیچ راهی اعم از سخنرانی های انقلابی، فتوای حماسی، مقاله، کتاب و حتی نقشه ترور صدر غافل نبود.

بازداشت های شهید صدر

بازداشت های شهید صدر

آیت الله صدر، نخستین بار در سال ۱۳۹۲ ه. ق دستگیر شد؛ به این ترتیب که روزی استاد شهید به اطرافیان خود می گوید: «به من خبر رسیده است که بعضی ها امشب مرا دستگیر خواهند کرد.» در حالی که آن شب کسی مزاحم ایشان نشد. شب بعد، آیت الله صدر بیماری سختی گرفت که او را به

۱- گفت و گویی با سید محمدباقر مهری، ضمیمه اطلاعات، ۱۹/۱/۱۳۶۱؛ به نقل از: شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، صص ۱۰۳ و ۱۰۴.

بیمارستان نجف انتقال دادند. پس از این اتفاق، مأموران امنیتی عراق برای دستگیری ایشان، خانه او را محاصره کردند، ولی متوجه شدند که او در بیمارستان نجف بستری است. به دنبال دریافت این خبر، مأموران امنیتی، بیمارستان نجف را به محاصره درآوردند و با اینکه شهید صدر حال مساعدی نداشت، او را به بخش بازداشت شدگان بیمارستان کوفه منتقل کردند.

آیت الله سید کاظم حائری نقل می کند: «من [بی] درنگ به بیت حضرت امام خمینی رحمه الله که آن روزها در نجف می زیست، رفتم و داستان دستگیری آیت الله صدر را بازگو کردم.» بعد از اطلاع علما و مردم از این ماجرا و رفتن آنها به بیمارستان، رژیم بعث از پی آمدهای کار بیم ناک شد و او را آزاد کرد. ایشان به بیمارستان نجف بازگشت و پس از بهبودی به خانه آمد. بسیاری از مردم به دیدار وی می آمدند، تا اینکه آیت الله صدر فرمود: «این دستگیری سبب افزایش گرایش مردم به ما شده است و پیوند عاطفی آنان را با ما از گذشته استوارتر ساخته است.» (۱)

دو سال پس از نخستین دستگیری شهید صدر، یعنی در سال ۱۳۹۴ ه. ق، رژیم بعث، پنج تن از شاگردان نزدیک ایشان را دستگیر و اعدام کرد. (۲) در روز اربعین حسینی سال ۱۳۹۷ ه. ق نیز با هدایت غیرمستقیم شهید صدر، تظاهرات مردمی بر ضد رژیم بعث برگزار شد و روز بعد مأموران رژیم، ایشان را دستگیر کردند. (۳) شهید صدر در برنامه مبارزاتی خود، به مناسبت های مذهبی به ویژه ایام عزاداری سید الشهداء عنایت ویژه ای داشت. ایشان بر این

۱- زندگی و افکار شهید صدر، صص ۱۱۳-۱۱۵.

۲- علمای مجاهد، ص ۲۹۴.

۳- زندگی و افکار شهید صدر، ص ۱۱۵.

عقیده بود که برپایی مراسم اربعین و مانند آن، خاری است در چشم حاکمان جور و می فرمود:

همین دسته ها و تجمع های دینی هستند که دوستی حسین بن علی علیه السلام و عشق به اسلام را در جان و روان نسل های انسانی بارور کرده اند، پس باید همچنان [پابرجا باشند]؛ اگر چه احتیاج به پالایش و اصلاحی مناسب با نیازها و مقتضیات زمانه دارند. (۱)

در اربعین آن سال، با وجود اینکه استاندار نجف، قانون منع پیاده رفتن به کربلا را ابلاغ کرده بود، سنت پیاده روی عزاداران از نجف به کربلا، با شکوه تر از سال های گذشته برگزار و شعارهایی نیز بر ضد سران حزب بعث داده شد. فردای اربعین، سید شهید بازداشت و به بغداد منتقل گردید. در بغداد، رئیس اداره امنیت به دیدار ایشان رفت و کینه شورای رهبری حزب بعث علفی عراق را همراه با کلمات تهدیدآمیز و انتقام جویانه به شهید صدر اعلام کرد. در این دوره آیت الله صدر، شکنجه بسیار دید، به گونه ای که آثار ناگوار جسمی آن تا بعد از آزادی همچنان باقی بود و نمی توانست به راحتی از پله بالا برود. با این حال، او همیشه این سختی ها را از افراد پوشیده نگاه می داشت و می فرمود:

پافشاری من بر پوشیده نگاه داشتن این رنج جسمانی، به دلیل آن است که مبدا موجب ترس و گریز افرادی شوم که هنوز آمادگی لازم را [برای] پایداری و ثبات قدم ندارند. (۲)

آیت الله صدر، پس از آزادی به یکی از شاگردان خود فرموده بود:

رئیس اداره امنیت به من می گفت: ما می دانیم که دست تو در پشت این اقدامات دشمنانه

۱- زندگی و افکار شهید صدر، ص ۱۱۵.

۲- زندگی و افکار شهید صدر، ص ۱۱۷.

وجود دارد و می دانیم که تو برای هیئت ها و دستجات عزاداری پول فرستاده ای، [ما هم] در وقت مناسب انتقام [سختی] از تو خواهیم گرفت. آن گاه مرا به اعدام تهدید کرد و گفت: اگر در حال حاضر گرفتار محاکمه این آشوب طلبان و ماجراجویان نبودیم، همین روزها حکم اعدام تو را به اجرا درمی آوردیم، ولی تو به زودی خواهی دانست که چه سرنوشتی را در پیش داری. (۱)

این سال ها مصادف بود با آخرین سال های تبعید امام خمینی در پاریس و نیز فرصتی بود تا با ایشان در پاریس مکاتبه کند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شهید صدر در ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ در سخنرانی خود در «مسجد جواهری» نجف، شکر خداوند را به جا آورد و پیام تبریکی هم برای امام رحمه الله فرستاد. (۲)

در سال ۱۳۹۹ ه. ق آیت الله صدر برای بار سوم بازداشت شد که البته از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تأثیر می پذیرفت. رژیم بعث به خوبی دریافته بود که پیروزی انقلاب اسلامی در ایران می تواند خطر بزرگی به شمار آید و آینده نظام حاکم را تهدید کند. بعثی ها، همان هایی بودند که از زبان صدام جنایت کار تکریتی و با آرزوی موهوم باقی ماندن شاه در ایران، گفته بودند: «شاه برجای مانده، بر جای مانده و بر جای ماندنی است» و همان هایی بودند که چون می خواستند امام خمینی رحمه الله را در نجف از رهبری انقلاب باز دارند؛ او را ناگزیر به ترک عراق کردند. بعثی ها، آنهایی بودند که تظاهرات مردم عراق را که در دفاع از انقلاب اسلامی، بعد از نماز مغرب از «مسجد

۱- زندگی و افکار شهید صدر، صص ۱۱۷ و ۱۱۸.

۲- علمای مجاهد، ص ۲۹۵.

خضراءى نجف آغاز شده بود، درهم شکستند.

دیگر نمونه وحشت حاکمان بغداد، ایجاد اخلال در موج رادیویی بخش برون مرزی صدای جمهوری اسلامی ایران بود که به زبان عربی پخش و در سراسر عراق شنیده می شد. پس از مدتی، حکومت بعثی قانون ممنوعیت شنیدن این رادیو را تصویب کرد و برای متخلفان مجازات هایی در نظر گرفت. همه این کارها به منظور فرونشاندن موج اسلام خواهی و حرکت های انقلابی انجام می شد تا روحیه انقلابی پدید آمده در بسیاری از مردم عراق، به نابودی گراید.

با صدور تلگراف امام خمینی رحمه الله، هرگونه شک درباره ارتباط و همدلی امام با شهید صدر از میان رفت. امام خمینی رحمه الله در این تلگراف خطاب به شهید صدر نوشته بود:

اطلاع پیدا کردیم که حضرت عالی به خاطر برخی از رویدادها، قصد ترک عراق را دارید. این جانب بیرون آمدن شما را از نجف اشرف، مرکز علوم اسلامی مصلحت نمی دانم و از وقوع چنین امری نگرانم. امیدوارم ان شاء الله مشکلات جناب عالی برطرف گردد. (۱)

شهید صدر نیز در پاسخ، چنین تلگرافی فرستاد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حضور مستطاب رهبر مجاهد، حضرت آیت الله العظمی سید روح الله الخمينی دام ظلّه.

تلگراف گران قدر حضرت عالی را که نشانه نظر پدران و مراقبت روحی شما بر نجف اشرف بود، دریافت داشتم. شهر نجف از آن زمان که جناب عالی

آنجا را ترک کرده اید، همگام و همراه با پیروزی های بزرگ شما پیش می رود. من از این توجه ارزشمند شما نیروی روحی می گیرم. همچنان که مسئولیت عمیق در راه حفظ کیان علمی حوزه و نجف را باور دارم. در همین جا مناسب می بینم که سلام گرم میلیون ها انسان مسلمان و مؤمن را که در عراق عزیز ما هستند، به حضور جناب عالی ابلاغ کنم. این مردم، به حقیقت دریافته اند که در آیین اسلام که بار دیگر به دست شما حیاتی نو یافته است، نور هدایت برای همه جهان و قدرت روحی برای نابود کردن استعمار کافر و به ویژه آمریکای پلید از جمله، توان آزادسازی جهان از هرگونه ستم و طغیان و از همه مهم تر باز پس گرفتن سرزمین غصب شده فلسطین، وجود دارد. از درگاه خدای سبحان درخواست می کنم که ما را با پایداری وجود گران قدر حضرت عالی بهره مند سازد. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته.

پنجم رجب ۱۳۹۹ ه. ق نجف اشرف. محمدباقر صدر. (۱)

شهید صدر، در شانزدهم رجب سال ۱۳۹۹ ه. ق اعتصاب عمومی اعلام کرد و بازارها تعطیل و مردم عازم خانه شهید صدر شدند. (۲)

با وجود این رویدادها، دستگیری آیت الله صدر حتمی به نظر می رسید. سرانجام در بامداد روز سه شنبه هفدهم رجب، رئیس اداره امنیت نجف برای انتقال آیت الله صدر به بغداد، به خانه ایشان رفت. هنگام عبور از کوچه، بانوی شهید، بنت الهدی در میان نیروهای امنیتی که تعدادشان بیش از دویست نفر بود، سخنرانی زینب گونه ای بیان فرمود:

۱- زندگی و افکار شهید صدر، صص ۱۳۱ و ۱۳۲.

۲- علمای مجاهد، ص ۲۹۵.

بنگرید! این برادر من است، یکه و تنها، بی هیچ مدافعی و بدون کوچک ترین سلاح جنگی، [ولی] شما صدها نفر هستید... آیا هیچ از خود پرسیده اید این همه مأمور برای چیست؟ این همه سلاح و ابزار جنگی به چه کار می آید؟ پاسخ روشن است. شما می ترسید؛ زیرا می دانید که برادر من تنها نیست، بلکه همه مردم عراق پشتیبان و همراه اویند. شما می ترسید و به خدا سوگند اگر جز این بود، هرگز برای دستگیری برادرم در این ساعت از صبح زود نمی آمدید... .

آن گاه رو به برادر کرد و گفت:

ای برادر عزیز و بزرگوارم، ای پیشوای آزاده، برو به امان خدا، خدا خود، یار و یاور توست. این راه، راه ما و راه نیاکان ماست که باید طی کنیم. این همان راه پیامبر و علی و حسین علیهم السلام است و این همان جهاد در راه خداست. (۱)

در پی دستگیری شهید صدر و خطابه های بنت الهدی، مردم نجف و دیگر شهرها به خیابان ها ریختند و خواستار آزادی ایشان شدند. (۲) این تظاهرات گسترده به تغییر رفتار رژیم در برخورد با شهید صدر انجامید؛ به طوری که هنوز ساعتی از آغاز بازجویی نگذشته بود که یکی از افسران پلیس وارد شد و برگه کوچکی به فاضل بَرّاک (مأمور بازجویی شهید صدر) داد. ناگهان بَرّاک با لحنی کاملاً متفاوت با گذشته، خطاب به شهید صدر گفت: «هدف ما، در حقیقت دستگیری شما نبوده است، بلکه می خواستیم [درباره اتفاقات پیش آمده] به تفاهم برسیم.» سپس ایشان را با احترام راهی نجف کردند.

۱- شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، ص ۱۱۴.

۲- علمای مجاهد، ص ۲۹۵.

به گفته یکی از اعضای شورای رهبری حزب:

سران کشور از برپایی این تظاهرات به هراس افتادند و از گستاخی و شجاعت تظاهرکنندگان و روح بلند آنان که [در برابر [خصلت های وحشیانه و رفتارهای [ددمنشانه [مزدوران رژیم [ایستاده] بودند، شگفت زده شدند. (۱)

در هجدهم رجب، مردم به خانه شهید صدر رفتند و با ایشان بیعت کردند. (۲)

این پیمان دوباره امام و امت، حاکمان بغداد را بیش از پیش به وحشت انداخت و در نتیجه، آنها دستور محاصره خانه آیت الله صدر و قطع رابطه او را با دیگران صادر کردند. در پی این دستور، در سر کوچه آیت الله صدر و کوچه های اطراف، نیروهای امنیتی مستقر شدند و از رفت و آمد به خانه او جلوگیری کردند. این گونه بود که دوره محاصره و کنترل نه ماهه خانه آیت الله صدر آغاز و در پایان، با شهادت ایشان ختم شد. (۳) در این نه ماه، رخدادهای آموزنده بسیاری پیش آمد که برخی از آنها را از زبان آیت الله سید کاظم حائری که از نزدیک ترین شاگردان ایشان بود، نقل می کنیم:

بعد از آنکه چند روزی گذشت، رژیم، آب، برق و تلفن را قطع و ورود و خروج هر انسانی، حتی خدمتکار منزل را به خانه ممنوع اعلام کرد. در خانه مقداری آذوقه موجود بود، ولی بسیار کم بود و در مدتی کوتاه به اتمام رسید. تنها چیزی که برجای مانده بود، جعبه ای پر از نان خشک بود که [نمی شد از آن] استفاده [کرد]. همسر محترم سید، از این نان خشک ها

۱- زندگی و افکار شهید صدر، صص ۱۴۱ و ۱۴۲.

۲- علمای مجاهد، ص ۲۹۵.

۳- یادواره شهید صدر، ص ۱۳، ضمیمه روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۱/۱/۱۹.

غذایی محلی تهیه کرد. مدت ها این برنامه [ادامه] داشت. در یکی از این روزها، هنگام ظهر، در خدمت استاد در حال صرف غذا بودیم. استاد در چهره من نشانی از اندوه و افسردگی یافت؛ چنین نیز بود و من از اینکه مردی با این عظمت در این شرایط سخت قرار گیرد، دل آزرده بودم. ایشان به من فرمود: «به خدا سوگند، لذیذترین غذایی که در دوران زندگانی ام خورده ام، همین غذاست.» چرا چنین نباشد و حال آنکه این سختی ها را در راه خدا و برای خدا پذیرفته بود. (۱)

در یکی از روزهای توقیف، در حدود ساعت ۵/۲ بعد از ظهر من (سید کاظم حائری) در کتاب خانه شهید صدر خوابیده بودم که با صدای ایشان از خواب بلند شدم. استاد را دیدم که با آهنگی ملکوتی می گفت: «لا حول و لا قوه الا بالله العظیم. انا لله و انا الیه راجعون.» به ایشان عرض کردم: «سید، ان شاءالله که خیر است.» ایشان فرمود:

داشتم به این مأموران پلیس (همان ها که خانه ایشان را محاصره کرده بودند) می نگریستم، دیدم اینان سخت تشنه اند و عرق از سر و رویشان می چکد. دل آزرده شدم و با خود اندیشیدم که ای کاش توان آن را داشتیم که اینان را سیراب کنیم.

من با تعجب گفتم: «استاد، این تبه کاران ما را حبس کرده اند و خانواده و فرزندان شما را ترسانده اند»، استاد پاسخ داد:

فرزندم، آنچه تو می گویی درست است. [با این حال] بر ما لازم است که حتی در مورد این افراد نیز دل سوزی کنیم؛ زیرا انحراف بیشتر اینان مربوط می شود به [عدم] شرایط مناسب یا پرورش نیافتن در محیطی انسانی و بر اساس تربیت دینی. اگر این مأموران نیز به خود وا گذاشته شوند یا محیط

مناسب و شایسته ای بیابند به ایمان و دیانت روی خواهند [آورد].

سپس شهید صدر به خادم خانه (حاج عباس) گفت که برای آنان آب خنک ببرد؛ زیرا او پیرو امامی بود که در صحرای سوزان کربلا، لشکریان محاصره کننده اش را سیراب ساخت. این یکرنگی و صفای عمیق استاد، به طور ناخودآگاه بر این مأموران نیز اثر گذاشته بود تا جایی که برخی از ایشان به دلیل موضع گیری های شجاعانه درباره سید شهید، محکوم به اعدام شدند. (۱)

شیخ محمدرضا نعمانی، درباره محدودیت های شهید صدر در ایام حصر می گوید:

رژیم بعث برای واداشتن سید شهید به پذیرش شرط های خود، طرح های بسیاری را اجرا کرد، از جمله قطع آب و برق و تلفن به مدت یک ماه، جلوگیری از رسیدن مواد غذایی [به آنان] به مدت یک هفته، جلوگیری از رساندن دارو [هایی مانند] قرص های فشار خون که برای آن شهید و مادر گرامی هفتاد ساله اش بسیار ضروری بود.

به یاد دارم آن صحنه های غم انگیزی که سید شهید را در تنگنا قرار می داد، مانند وقتی که می دید فشار خون مادرش بالا رفته و نزدیک است از هوش برود یا دختر بچه ای که از درد شکم رنج می برد، ولی آن سید مهربان نمی توانست کاری بکند. (۲)

شهید صدر در بیست رجب همان سال، یعنی تنها سه روز پس از آزادی، خطابه ای بیان فرمود که حیثیت و ادعای رژیم را از بین برد:

۱- یادواره شهید صدر، صص ۱۶۴ و ۱۶۵.

۲- میعاد با سپیده گشایان، صص ۱۲۳ و ۱۲۴.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَصَحْبِهِ الْمَيَامِينَ.

ای ملت مسلمان عراق، من با تو سخن می گویم ای ملت آزاد، ظلم ستیز و ارجمند، من بیش از هر انسانی، به تو، به روح بزرگ تو و به تاریخ پرافتخار تو ایمان دارم. من بیش از هر کسی، به این آتش افروخته شده در دل های فرزندان پاک باخته تو احترام می گذارم؛ آتشی شعله ور از احساس دوستی، همرنگی و فرزندگی در پیشگاه مقام مرجعیت. اینان، امروز نزد پدر خویش آمده اند تا با قلب هایی آکنده از غیرت دینی و تقوا بر پیوند استوار خود با اسلام تأکید ورزند و از من بخواهند که با ایشان همراهی کنم و دردهایشان را از نزدیک بازشناسم؛ چرا که دردهای ایشان همان دردهای من است و اکنون خوش وقتم که با تو ای ملت پدری و اجدادی ام، به صراحت بگویم که من همراه تو و در اعماق وجود تو هستم، هرگز از رنج های تو جدا نخواهم شد و آخرین قطره خون خود را نیز در راه خدا برای تو فدا می کنم. نیز لازم می بینم به مسئولان کشور هشدار دهم که این سرکوبی که با زور سرنیزه و سلاح آتشین به مردم عراق [وارد می شود] و آنان حتی از ساده ترین حقوق انسانی خود و از کمترین آزادی های اجتماعی در راه انجام شعایر دینی شان محروم می شوند، هرگز دوام نخواهد یافت و هیچ گاه نمی توان با قوه قهریه در برابر روح مقاومت مردم ایستادگی کرد. اگر زور و خودکامگی همیشه و در همه جا چاره اصلی به شمار می آمد، فراعنه و جباران روزگار هیچ گاه از صحنه حکومت رانده نمی شدند.

اینان برنامه اذان را از رادیو حذف کردند و ما صبر کردیم. پخش مراسم نماز جمعه را از رادیو برداشتند، شکیبایی ورزیدیم. مراسم سوگواری سرور شهیدان، حضرت حسین بن علی علیه السلام را تحریم کردند، ما همچنان به صبر خود ادامه دادیم. مساجد را محاصره کردند و این مکان های شریف را از نیروهای امنیتی و جاسوس های مخفی انباشتند، باز هم صبر کردیم. مردم کشور را با اجبار و اکراه به ثبت نام در حزب خودشان واداشتند، ما به صبر خود ادامه دادیم. به مردم گفتند که [اکنون] دوره انتقال است و باید ملت،

زیر پوشش برنامه نظامی اداره شود، باز هم شکیبایی خود را از دست ندادیم، ولی آخر این دوره انتقال تا به کی ادامه خواهد یافت؟

اگر دوره ده ساله حکومت شما برای ایجاد فضای مناسب به منظور انتخاب روش حکومتی توسط مردم عراق کافی نیست، پس چه دوره ای را انتظار می کشید؟ اگر دوره ده ساله حکومت مطلقه شما _ ای مسئولان کشور _ به شما این امکان را نداده است که مردم را برای پیوستن به حزب خود قانع کنید و ناگزیرید به اکراه و اجبار روی آورید، پس به امید چه نشسته اید؟

اگر حکام کشور به راستی مایلند بدانند که چهره حقیقی این مردم [چیست] و اینان رو به کدام سو دارند، کافی است فقط به مدت یک هفته نیروهای نظامی و انتظامی سرکوب گر خود را از صحنه کشور دور سازند و به مردم اجازه دهند تا در طول این یک هفته آنچه را می خواهند، صریحاً باز گو کنند.

من به نام شما مردم عراق، خواستار آزادی، انجام شعایر دینی و شعایر حسینی هستم. به نام شما مردم، از دولتمردان می خواهم که برنامه اذان، نماز جمعه و [دیگر] شعایر اسلامی را [باز هم] از رادیو پخش کنند. به نام شما می خواهم که ثبت نام های اجباری را در حزب بعث برای همیشه و در همه [موقعیت ها] قطع کنند. من با تکیه بر کرامت انسانی، خواستار آزادی همه زندانیانی [هستم] که به وضع ناگواری دستگیر شده اند و نیز خواستار پایان بخشیدن به این روش نادرست بازداشت و محکوم کردن افراد بدون [اعتنا به] موازین قضایی هستم. در پایان، به نام ملت عراق و به نام ارزش هایی که بدان پای بند است، می خواهم که به ملت ما اجازه داده شود تا به گونه ای جدی در اداره امور شهرهایشان نقش داشته باشند و این، جز از راه برگزاری انتخابات آزاد به منظور تشکیل مجلس مردمی، امکان پذیر نیست.

من نیک می دانم که [تلاش برای تحقق] این خواسته ها برایم گران تمام می شود و چه بسا زندگی ام را نیز دستخوش خطر قرار دهد، [ولی] اینها

خواسته های فردی نیستند که با مرگ یک تن از میان برود. اینها خواسته های یک امت [است] و امتی که روح پیامبر، امیرمؤمنان علی علیه السلامو برگزیدگان دودمان و یارانشان بر آنان سیطره دارد، هرگز تن به مرگ [ذلت بار] نمی دهد. پس اگر حکومت از برآوردن این خواسته ها سرباز زند، من فرزندان مقاوم عراق را به پی گیری جدی این مطالبات، با هر بهایی فرا می خوانم؛ زیرا این حرکت، حرکتی است در راه دفاع از کرامت انسانی، روح دینی و ارزش های اسلامی (یعنی دین جاوید خدا). والله ولی التوفیق. (۱)

تلاش حکومت برای ترور شهید صدر

تلاش حکومت برای ترور شهید صدر

در برهه ای از زمان، شهید صدر برای اعتراض به رژیم بعث، فعالیت های عادی خود را کنار گذاشت. او در خانه را بست و برای تدریس و کار دیگر از خانه خارج نشد تا مردم بدانند که درگیری میان مرجعیت و نظام حاکم همچنان ادامه دارد. پس از گذشت مدتی، چند تن از مقام های امنیتی، پیوسته با ایشان تماس گرفتند و خواهان خروج ایشان از خانه و ادامه تدریس شدند، ولی اطلاعاتی که از منابع موثق به دست آمد، خبر از توطئه ای جدید می داد.

سران رژیم منتظر بودند تا شهید صدر برنامه همیشگی خود را از سر بگیرد و مثل همیشه برای زیارت امیرمؤمنان علی علیه السلام به حرم مشرف شود یا برای تدریس به «مسجد شیخ طوسی» برود و هنگامی که ایشان از کنار مأموران پلیس در حال عبور است، آنها با به راه انداختن نزاعی ساختگی، به سوی یکدیگر تیراندازی کنند و یکی از این تیرها، اتفاقی، به شهید صدر

اصابت کند(!) و دیگر، رژیم، مسئول اعدام و گرفتار پی آمدهای آن نباشد تا بدین وسیله از ننگ اعدام شهید صدر رهایی یابد و حتی با مجازات و اعدام قاتل ایشان، مردم را به خود خوش بین کند. با وجود این، پس از اصرار آنها مبنی بر شروع درس و بحث، شهید صدر تا مدتی تمام برنامه های معمول خود را تعطیل کرد و این گونه، نقشه آنها نقش بر آب شد. (۱)

شهادت

شهادت

پس از محاصره خانه شهید صدر به مدت نه ماه و کنترل هرگونه رفت و آمد، ایشان در ساعت ۵/۲ بعد از ظهر روز شنبه نوزدهم جمادی الاول ۱۴۰۰ ه. ق برابر با ۱۶ فروردین ۱۳۵۹، برای چهارمین بار بازداشت و به بغداد منتقل شد که به شهادت ایشان انجامید.

در روزهای پایانی محاصره، نماینده صدام حسین (عیسی خاقانی) به همراه یکی از مأموران سازمان اطلاعات ریاست جمهوری به نام ابوعلی، به خانه شهید صدر رفت و خطاب به ایشان گفت: صدام می خواهد به محاصره خانه شما [پایان] دهد و رفت و آمد را آزاد کند، ولی این کار شرایطی دارد که شما باید [دست کم] به یکی از آنها عمل کنید و در غیر این صورت، به گفته صدام، سزای شما مرگ است. شرط اول این است که از تأیید انقلاب اسلامی ایران و سید خمینی دست بردارید. شرط دوم اینکه با صدور بیانیه ای، از موضع گیری های ما پشتیبانی کنید و حزب بعث نیز در برابر آن، از شما حمایت خواهد کرد. شرط سوم اینکه گرایش و عضویت در حزب الدعوه

الاسلامیه را تحریم کنید. شرط چهارم اینکه فتوای تحریم عضویت در حزب بعث را پس بگیرید و بر جواز آن فتوا دهید. پنجم اینکه خبرنگاران جراید و نشریه های خارجی و داخلی را به حضور بپذیرید تا درباره مسائل فقهی از شما سؤال کنند.

آیت الله صدر از این سخنان برآشفت و گفت:

مرا از مرگ نترسانید. برو به صدام بگو من در انتظار چنین روزی هستم و هرگز تسلیم زورگویی قلدران ظالمی چون شما نخواهم شد. من در طول زندگی ام، در آرزوی برپایی حکومت اسلامی و اجرای احکام خدا در زمین بوده ام و اکنون چنین حکومتی در ایران و به رهبری یگانه پیشوای بزرگ همه [مسلمانان] جهان، یعنی حضرت امام خمینی و به همت ملت غیور و مسلمان آن سرزمین استقرار یافته است. سپاس خداوند را که من با تحقق این حکومت، به آرزوی دیرینه خود رسیده ام و دیگر، مرگ و زندگی در نظرم یکسان است. شما از من می خواهید که موضع گیری های حزب بعث را تأیید کنم، آیا این با حرف های پیشین شما در تناقض نیست؟ مگر شما از من نخواستید بودید که در مسائل سیاسی دخالت نکنم. وانگهی من عضویت و فعالیت در حزب الدعوه الاسلامیه را هرگز تحریم نخواهم کرد و فتوای تحریم حزب بعث را نیز پس نخواهم گرفت. درباره مصاحبه با مطبوعات، باید بگویم که حوصله این کار را ندارم! به صدام بگو هر وقت خواست، مرا اعدام کند؛ دیگر مرا با شما حرفی نیست، اگر شما هم حرفی ندارید، برخیزید و بروید! (۱)

فردای آن روز، شیخ محمدرضا نعمانی، یکی از شاگردان شهید صدر به ایشان می گوید: حضرت استاد، امروز خیلی آرام هستید و حرف نمی زنید، مثل اینکه به چیزی می اندیشید؟ آن گاه آیت الله صدر خوابی را که شب

گذشته دیده بود، برای او تعریف می کند:

امشب در خواب، برادرم، مرحوم اسماعیل و دایی ام، مرحوم شیخ مرتضی آل یاسین را دیدم. آنها روی صندلی نشسته بودند، وقتی مرا دیدند، برخاستند و یک صندلی در وسط نهادند و من میان آن دو نشستم، در حالی که بسیاری از مردم مرا می نگریستند و در انتظارم بودند. اینک شهادت برایم قطعی شده [است] و خودم را به آن بشارت می دهم و دیگر دلم آرام است. (۱)

یکی دو روز پس از آن، در بعد از ظهر گرم و سوزان روز شنبه نوزدهم جمادی الاول ۱۴۰۰ ه. ق، ابوسعید، رئیس سازمان امنیت نجف با عده ای از مزدوران امنیتی، آیت الله صدر را دستگیر و به سرعت از نجف به بغداد منتقل کرد. (۲)

پس از آن نیز خیال بعثیان آسوده نشد و نگران اوضاع بودند؛ زیرا بنت الهدی، خواهر مجاهد سید محمدباقر صدر هنوز آزاد بود و بیم آن می رفت که مانند نه ماه پیش، در قضیه دستگیری برادرش در آن زمان، مردم را به کوچه و خیابان بریزد و تظاهراتی به پا کند. بنابراین، فردای آن روز ابوسعید بار دیگر به خانه آیت الله صدر رفت و گفت: «آقای سید محمدباقر صدر، خواهرش بنت الهدی را می خواهد.» بدین ترتیب بنت الهدی را نیز به بغداد بردند و سنگر مبارزه خالی ماند. (۳)

برزان ابراهیم، معروف به برزان تکریتی، برادر ناتنی صدام و رئیس وقت

۱- فاضل نوری، الشهدید الصدر؛ فضائله و شمائله، ص ۱۴۵.

۲- گلشن ابرار، ج ۲، ص ۸۳۸.

۳- شهید صدر بر بلندی اندیشه و جهاد، صص ۱۴۰ و ۱۴۱.

سازمان امنیت کشور، خود، از آیت الله صدر و خواهرش بازجویی و آنها را تهدید به مرگ کرد و از آیت الله صدر خواست فقط چند کلمه بر ضد انقلاب اسلامی و امام خمینی رحمه الله بنویسد تا از مرگ حتمی نجات یابد، ولی شهید صدر که از مدت ها پیش خود را آماده شهادت کرده بود، همانند جد بزرگوارش، «هیئات من الذله» گویان، تسلیم فشارهای بعثیان مزدور نشد، بلکه فرمود:

هرگز امکان ندارد مرجعیت را خوار و زبون کنم و به انقلابیان و به شهیدانی که برای انقلاب، از آنان دعوت کردم و پاسخ گفتند و به مبارزه برخاستند، خیانت کنم و سپس پیشاپیش کسانی باشم که عقب می کشند و در می مانند، در برابر دست یافتن به چند سال زندگی که هیچ ارزشی ندارد. (۱)

در نهایت، پس از تحمل سه روز شکنجه های بی رحمانه، در ۲۲ جمادی الاول به گونه ای دل خراش به شهادت رسید.

بنت الهدی پیش از برادرش و در برابر چشمان برادر، به وحشیانه ترین شکل کشته شده بود. در میان مردم عراق شایع است که شهید صدر به بازجویان خود که صدام هم در لحظه های آخر به آنها پیوست، گفته بود: شما مشکلتان با من است، با خواهرم چه کار دارید؟ آنها گفته بودند: یک اشتباه در تاریخ، برای ما بس بود؛ زنده ماندن زینب در کربلا بعد از امام حسین علیه السلام؛ زنده ماندنی که تاوانش را ما داده ایم و مسلمان از یک سوراخ دو بار

گزیده نمی شود!! (۱)

شیخ محمدرضا نعمانی می گوید:

بنا بر آنچه از [گفته های] شاهدان عینی دریافتیم، صدام تکریتی ملعون، شخصاً سید [محمدباقر صدر] و خواهر گرامی اش را پس از شکنجه های فراوان و با بدترین شیوه ها به قتل رساند. سید شهید را با بندهای آهنی بسته بودند و صدام جنایت پیشه، با تازیانه بر سر و صورت وی می کوبیده و می گفته است: تو مزدور ایرانیان هستی و می خواهی برای آنان در عراق انقلاب اسلامی برپا کنی.

شهیده بنت الهدی با برادر گرامی اش در یک اتاق بوده اند. بنت الهدی در گوشه اتاق به خاطر شکنجه های زیاد، بی هوش بوده و به هر آنچه پیرامونش می گذشته، متوجه نبوده است و پس از [تحمل همه] این [سختی ها]، صدام جنایت کار با شلیک گلوله، به زندگی آن دو عزیز خاتمه می دهد. (۲) و (۳)

بیکر شهید صدر در قبرستان «وادی السلام» نجف مدفون شد، ولی شیعیان عراق از زیارت قبر او محروم بودند؛ زیرا از محل آن آگاهی نداشتند تا اینکه پس از گذشت ۲۲ سال و سقوط رژیم بعث، این راز بر مردم آشکار شد. هنگامی که جنازه شهید صدر دفن می شد، دو جوان ۲۵ ساله از مریدان سید، در آن نیمه شب و از پشت ستون سنگی شاهد ماجرا بودند. آنها ساعت

۱- کیهان، ۲۷/۱/۱۳۸۳.

۲- میعاد با سپیده گشایان، ص ۱۴۰ مصاحبه با شیخ محمدرضا نعمانی.

۳- پس از سقوط رژیم بعث و محاکمه صدام، یکی از پرسش ها در محاکمه صدام همین موضوع شهادت شهید صدر و خواهرش است و قرار است دکتر موفق الربیعی، نتایج تحقیقات قضایی در این باره را به زودی اعلام کند. کیهان، ۱۸/۱/۱۳۸۴ مصاحبه با شیخ محمدرضا نعمانی.

دو و نیم صبح جنازه شهید صدر را از دل خاک بیرون کشیدند و در جایی دیگر دفن کردند؛ پیکری که سر آن از قفا بریده شده و به یک تکه گوشت بی خون و سرد آویزان بود. نیمی از محاسن و تمامی گوشت سمت راست صورتش سوخته و سرتاسر بدن نش کبود و زخم بود. بعضی ها ناخن هایش را هم کشیده بودند و می گفتند لباس سید سوراخ سوراخ بود. آن دو ابتدا گمان کردند سید را تیرباران کرده اند، ولی این هشت سوراخ را گلوله های سربی نمی توانست به وجود آورده باشد؛ سوراخ ها به حفره هایی شبیه بودند که تنها با مته می توانست ایجاد شود. آنها محل دفن را حتی به مجتهدان نجف نگفته بودند و قبر این مرجع والامقام، بیش از بیست سال گمنام بود. (۱)

شهید صدر در آخرین روزهای زندگی اش، در مورد سرنوشت بعضی ها پیش گویی جالبی کرده بود. او می گفت:

حیات شما پس از من کوتاه خواهد بود. خدا دشمنی به مراتب قدرتمندتر از شما بر شما مسلط خواهد کرد که طعم شکست و خواری را به شما خواهد چشاند. ارتش و قدرت شما و صلابت توخالی که فخر شماست، تکه تکه و در صحرا و افقی دور پخش خواهد شد و شما و فرزندانان در آن صحرا خواهید زیست. (۲)

خداوند را شاکریم که با چشمان خود، تحقق پیش بینی این شهید بزرگوار را دیدیم که البته سرانجام تمام ظالمان است.

شهید صدر، انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی رحمه الله

شهید صدر، انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی رحمه الله

۱- گفت و گوی سید یاسر هشترودی با دفن کنندگان شهید صدر، کیهان، ۲۷/۱/۱۳۸۳.

۲- گفت و گوی سید یاسر هشترودی با دفن کنندگان شهید صدر، کیهان، ۲۷/۱/۱۳۸۳.

اگر تاریخ عراق را بازبینی کنیم، درمی یابیم که شهید صدر تنها مرجعی است که با صراحت و شجاعت در کنار انقلاب اسلامی ایران و پیشوای آن، امام خمینی رحمه الله ایستاد. یکی از شرط های رژیم بعث برای دست برداشتن از آزار وی و خانواده اش و به شهادت نرساندن او، این بود که ایشان از تأیید انقلاب اسلامی ایران و رهبر عزیز آن دست بردارد. به گفته هر ایر دکمجان پژوهشگر مسیحی و استاد دانشگاه های امریکا:

اعلام حمایت مطلق شهید صدر از انقلاب اسلامی ایران و تشویق مبارزه مسلحانه، رژیم بعث را واداشت تا او را به طرح ریزی [برای] تشکیل یک حکومت شیعه در عراق به خیانت متهم و در آوریل ۱۹۸۰ اعدام کنند. (۱)

از این روست که از شهید صدر، به درستی به عنوان شهید انقلاب اسلامی ایران نام می برند. (۲)

با وجود این، آن انسان والامقام با تمام گرفتاری های جانکاه، هیچ گاه از تأیید حرکت امام خمینی رحمه الله دست برنداشت. وی بر این باور بود که امام خمینی رحمه الله با انقلاب خود، خواست و آرمان پیامبران بزرگ الهی و ائمه هدی علیهم السلام را تحقق بخشید.

شهید صدر می توانست ادامه دهنده حقیقی انقلاب اسلامی ایران و پیونددهنده مردم عراق به آن حرکت بزرگ تاریخی باشد. او از نظر فکری و علمی پشتیبان انقلاب اسلامی بود. محتوای ژرف پیام های آن شهید بزرگوار

۱- جنبش های اسلامی معاصر در جهان عرب، ص ۲۳۱.

۲- کیهان، ۱۳۸۴/۱/۱۸، مصاحبه با شیخ محمدرضا نعمانی.

نیز که در تأیید انقلاب اسلامی، آشکارا و بی هیچ ملاحظه و احتیاطی صادر می کرد، بر رژیم بعث پوشیده نبود.

ایشان پس از تبعید امام خمینی رحمه الله به ترکیه، در نامه ای به یکی از دوستانش چنین نوشت:

... اما در مورد ایران، وضع همچنان است که بود و آقای خمینی از سوی مزدوران امریکا در ایران به ترکیه تبعید شده است. این بار آقای خمینی توانست دهان شاه را ببندد... .

پس از انتقال امام از ترکیه به نجف اشرف، آیت الله صدر با اشتیاق فراوان به همراه گروه زیادی از شاگردانش به پیشواز امام شتافتند و در طول اقامت امام در نجف، همواره با وی ارتباط نزدیکی داشت و به او عشق می ورزید. (۱)

شهید صدر پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در پیامی به شاگردانش در ایران نوشت:

بر هر یک از شما و بر هر فردی که بخت بلندش، زیستن در پرتو این تجربه پیشاهنگ را نصیبش کرده واجب است تمام نیروی خود را و هرگونه توانی که دارد، در حمایت این حرکت مقدس به کار گیرد و از هیچ [کوششی] دریغ نورزد و آنچه دارد در اختیار این تجربه قرار دهد. این بنا، برای اسلام [ساخته] می شود و نباید در بذل و دهش، حد و مرزی شناخت.

رایت این [پیروزی] با نیروی اسلام به اهتزاز درآمده است و نباید از کمک به آن اندکی غافل شد. باید بر محور مرجعیت آقای خمینی که در ایران امروز، امیدهای اسلام را مجسم کرده است، گردآمد و برای آن اخلاص

ورزید و منافع آن را حمایت کرد و در وجود سترگ وی ذوب شد، همان طور که او خود، در هدف [والایش] ذوب شده است. (۱)

این متن، به معنای چشم پوشی از مرجعیت خود و محو شدن در رهبری امام خمینی است. بارها آن شهید مظلوم سخنی به این مضمون تکرار می کرد:

اگر امام خمینی از من بخواهد برای خدمت به اسلام در یکی از روستاهای ایران زندگی کنم، هیچ تردیدی در پذیرش این خواسته به دل راه نخواهم داد. (۲)

شیخ محمدرضا نعمانی می گوید:

برای رژیم صدام بعثی روشن گشت که شهید صدر طرفدار انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی است و این، برای کشتن او کافی بود. (۳)

رابطه شهید صدر با امام خمینی رحمه الله تنها پیوندی عاطفی و احساسی نبود، بلکه بر ارزیابی ویژه از امام استوار بود. شهید صدر به نشانه پشتیبانی از حرکت امام و اندیشه های آن مرد بزرگ، پس از انتشار کتاب حکومت اسلامی نوشته امام خمینی رحمه الله، از شاگردان خود خواست در بحث های ایشان شرکت کنند. وی در آن روزها می گفت:

امام، کسی است که امیدها بدو بسته است، برای اینکه با روشنی [و قاطعیت]، افراد را به برپایی حکومت اسلامی فرا می خواند و از این راه در برابر گروه هایی که [تحقق این هدف] را پیش از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱- (ذوبوا فی الامام الخمینی کما ذاب هو فی الاسلام)، زندگی و افکار شهید صدر، سید کاظم حائری، صص ۱۵۴ و ۱۵۵.

۲- میعاد با سپیده گشایان، ص ۱۲۸.

۳- میعاد با سپیده گشایان، ص ۱۲۹.

ناممکن می دانند، [با صلابت به رویارویی] پرداخته است.

امام خمینی با دوران‌دیشی و [درک] نیازها و خواسته های عصر خود و حکمت و شجاعتی که شهید صدر در او یافته بود، برای آن شهید عزیز، همیشه تحسین برانگیز بود. (۱)

شهید صدر در جای دیگر درباره امام خمینی رحمه الله چنین می نویسد:

امام خمینی در طرح شعار جمهوری اسلامی، استمرار دهنده دعوت انبیا و تداوم بخش نقش حضرت محمد و حضرت علی علیهما السلام در اقامه حکم خدا بر روی زمین شد و مظهر صادقانه ای از عمق وجدان این امت گردید که هیچ بزرگی و عظمتی را برای خود، جز در سایه اسلام نمی بیند... (۲)

شهید صدر با اینکه خود مرجع دینی بود، رهنمودها و سخنان امام را با دقت به کار می بست. برای مثال، هنگامی که شهید صدر بنا بر علتی قصد ترک عراق را داشت، امام در تلگرافی او را از این کار باز داشت و ایشان نیز پذیرفت. این تلگراف، بعدها مبنای بازجویی ها و آزار و اذیت های رژیم شد. در دوران حصر شهید صدر نیز، امام خمینی رحمه الله تلگرافی به منظور احوال پرسی برای ایشان فرستاد که شهید صدر این خبر را از رادیو ایران شنید و پاسخی به این مضمون نوشت:

حضور فقیه مجاهد آیت الله العظمی امام خمینی دام ظلّه.

تلگراف مسرت بخش حضرت عالی را که نشان [دل سوزی] پدران شما به این جانب بود، شنیدم. این جانب در حال حاضر امکان پاسخ گویی به تلگراف را

۱- مجله حوزه، ش ۲۱، سال چهاردهم.

۲- مقاله «آیت الله صدر مجاهد بزرگ و پاسدار راه حق»، روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۰/۱/۱۳۷۷.

ندارم؛ چرا که در گوشه خانه زیر نظر هستم و نه کسی را می توانم بینم و نه کسی می تواند به دیدار من آید. راهی جز این ندارم که از خدای سبحان درخواست کنم تا سایه بلند شما را بر [سر] امت اسلامی [پایدار] بدارد و دین حنیف را با مرجعیت پیشتاز شما نگاهبان باشد. (۱)

شهید محراب، آیت الله سید محمدباقر حکیم نقل می کرد:

شهید صدر پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نماینده ای خدمت حضرت امام خمینی رحمه الله فرستاد تا اعلام کند که آماده است همه توان و نیروی خویش را در خدمت انقلاب و رهبری آن قرار دهد. شهید صدر تنها به اعلام آمادگی [بسنده] نکرد، بلکه این آمادگی را در موارد شخصی به نمایش گذاشت. [برای] نمونه، شهید صدر در بُعد فکری به نوشتن قانون اساسی جمهوری اسلامی اقدام کرد و آن را زمانی که انقلاب در فکر تدوین این قانون بود، برای حضرت امام فرستاد. بعدها مجلس خبرگان قانون اساسی نیز به نتایجی رسیدند که شباهت بسیاری با طرح تدوین شده شهید صدر داشت. (۲)

ژرفای رابطه عاطفی امام خمینی رحمه الله و شهید صدر، پس از شهادت سیدمصطفی خمینی رحمه الله در نجف نمایان بود. پس از این حادثه، همسر امام با ام جعفر، همسر شهید صدر، تماس گرفت و گفت که آقامصطفی فوت کرده است و ما بیم آن داریم حضرت امام با شنیدن این خبر، آسیب جدی ببیند. (۳) بنابراین، مناسب ترین فردی که می تواند این خبر را به درستی به امام بدهد، آقای صدر است. (۴)

۱- نک: زندگی و افکار شهید صدر، ص ۱۴۷.

۲- نک: اندیشه ماندگار، ج ۲، ص ۱۵.

۳- امام سابقه حمله قلبی داشت.

۴- کیهان، ۱۸/۱/۱۳۸۴ مصاحبه با شیخ محمدرضا نعمانی.

فصل ششم: فعالیت های فرهنگی و اجتماعی شهید صدر

اشاره

فصل ششم: فعالیت های فرهنگی و اجتماعی شهید صدر

زیر فصل ها

همکاری با جماعه العلماء

دانشکده اصول دین

حمایت علمی و معنوی از مدرسه العلوم الاسلامیه آیت الله العظمی حکیم

اصلاح وضعیت حوزه

تلاش برای هم بستگی میان مذاهب اسلامی

همکاری با جماعه العلماء

همکاری با جماعه العلماء

ژنرال عبدالکریم قاسم در سال ۱۹۵۸م. به حکومت عراق رسید و زمینه ترویج افکار کمونیستی را فراهم آورد. از سوی دیگر، طرفداران جمال عبدالناصر و ناسیونالیسم عرب، افکار ناسیونالیستی و ضددینی خود را تبلیغ می کردند. در نتیجه، موج الحاد و مخالف اسلام، عراق را فرا گرفت. این رویداد، واکنش عالمان آگاه و متعهد شیعه را برانگیخت. آنها در نخستین حرکت، «جماعه العلماء فی النجف الاشرف» را تشکیل دادند. شهید صدر در آن هنگام به علت پایین بودن سن (کمتر از سی سال) عضو رسمی این گروه نبود. با این حال، نقش مؤثری در شکل گیری آن داشت و آن را هدایت می کرد. نخستین بیانیه آن را نیز خود شهید صدر نوشت؛ زیرا قلمی توانا و نثری استوار و آگاهی ژرفی به مسئله داشت.

از جمله فعالیت های این گروه، انتشار مجله «الاضواء» در سال ۱۹۶۱ م. بود. این نشریه زیر نظر هیئت بررسی و نظارت چاپ می شد. اعضای این هیئت، دانشمندان جوان حوزه علمیه بودند که پیوند مستحکمی با شهید صدر

داشتند. سرمقاله های پنج شماره اول این مجله، با عنوان «رسالتنا» به قلم آیت الله صدر نگارش یافت و خواهر دانشمندش، آمنه بنت الهدی نیز در این مجله مقاله می نوشت. (۱)

دانشکده اصول دین

دانشکده اصول دین

شهید صدر در پایه گذاری این دانشکده و همچنین در برنامه ریزی درسی، تنظیم شیوه های آموزشی و تدوین طرح های فرهنگی نقشی به سزا داشت. ایشان برخی متون درسی این دانشکده، از جمله کتاب المعالم الجدیدة در علم اصول، جزوه ای درباره اقتصاد اسلامی و جزوه ای درباره علوم قرآنی را برای استفاده دانش پژوهان تألیف کرد. همچنین با مجله «رساله الاسلام» که دانشکده اصول دین منتشر می کرد، همکاری جدی و فعال داشت. (۲)

حمایت علمی و معنوی از مدرسه العلوم الاسلامیه آیت الله العظمی حکیم

حمایت علمی و معنوی از مدرسه العلوم الاسلامیه آیت الله العظمی حکیم

این مدرسه به دستور مرجع فقید، آیت الله حکیم رحمه الله برای دانشجویان علوم دینی تأسیس شده بود. شهید صدر با کمک تعدادی از شاگردانش که در آنجا تدریس می کردند، بر این مرکز علمی نظارت پی گیر داشت. (۳)

اصلاح وضعیت حوزه

اصلاح وضعیت حوزه

-
- ۱- ضمیمه روزنامه اطلاعات، ۲۰/۱/۱۳۶۰؛ به نقل از شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، ص ۴۴؛ سید محمدباقر حکیم، مجله جهاد، ش ۱۴، جمادی الثانی ۱۴۰۱ ه. ق.
 - ۲- زندگی و افکار شهید صدر، ص ۸۶.
 - ۳- زندگی و افکار شهید صدر، ص ۷۹.

شهید صدر برای اصلاح وضعیت حوزه و نهاد مرجعیت، طرح های نوینی داشت، ولی عده ای با اجرای آنها مخالفت می کردند. ایشان برای دور کردن مرجعیت از حالت فردی و نهادینه کردن آن برنامه ریزی می کرد. او طرحی را با عنوان «مرجعیت واقع گرا» نوشته بود که نهاد مرجعیت را به کمال هدایت می کرد؛ این گونه که اگر مرجعی زمام امور را به دست می گیرد، مرجعیت پیشین را کمال ببخشد، نه اینکه پس از وفات مرجع گذشته، از نو شروع کند.

تلاش های سید شهید برای اصلاح حوزه، چند جنبه داشت؛ از جمله تغییر کتاب های درسی و روشمند کردن آنها که هم روح مبانی پیشین را و هم آخرین دستاوردهایی را که علم اصول، فقه و... بدان ها رسیده اند، دارا باشد. وی در پی آن بود که جوانان کارآمد و شایسته دانشگاه ها و روشن فکران را به حوزه جذب کند تا برای بالا بردن سطح حوزه علمیه مشارکتی فعال پدید آید؛ به گونه ای که متناسب با نیازهای زندگی و جامعه باشد. شهید صدر می کوشید نیازهای مادی طلبه ها را برآورده کند تا حدی که آنها بتوانند تمام وقت خود را به درس و تحصیل علم اختصاص دهند.

ایشان بر اساس اندیشه های ناب شخصی، کتاب دروس فی علم الاصول را نگاشت و بر آن بود که کتاب دروس فی علم الفقه را نیز بنویسد و در آن، از فتوای محض شروع کند تا به مرحله استدلال عمیق برسد. بدین گونه فراگیری بحث های خارج که عمق بیشتری داشتند، بر طلبه آسان می شد. (۱)

این شهید گران قدر درصدد بود تا مدت دوره لازم برای کسب درجه

اجتهاد کم شود و علم افراد، زودتر و بیشتر به نیاز جامعه پاسخ دهد. او خود در همین باره به شاگردش (سید کاظم حائری) گفته بود: «برای شما تضمین می‌کنم، اگر پنج سال به طور مداوم در درس من شرکت کنی، به رتبه اجتهاد دست می‌یابی»^(۱).

تلاش برای هم بستگی میان مذاهب اسلامی

تلاش برای هم بستگی میان مذاهب اسلامی

اهمیت نزدیک شدن مذاهب اسلامی به یکدیگر، هنگامی نمایان تر می‌شود که دشمنان ریاکار تلاش خود را برای ایجاد اختلاف میان پیروان مذاهب اسلامی عمیق تر سازند؛ همان گونه که مبنای کار انگلیسی ها همواره بر اصل «اختلاف بینداز و حکومت کن» استوار بوده است. شهید صدر با توجه به احترام خاصی که در میان تمام مذاهب اسلامی داشت، برای بی اثر کردن نقشه های استعمار، طرح جامعی در نظر داشت. متأسفانه جنایت کاران بعثی در همان آغاز کار، امت اسلامی را از وجود او محروم ساختند و این شهید بزرگوار فرصتی برای اجرای کامل این طرح ها نیافت. مهم ترین اقدامات شهید صدر در این راستا عبارتند از:

۱. شهید صدر در نگاشته های خود، هیچ گاه تنها به منابع شیعه استناد نمی کرد، بلکه به منابع اهل تسنن نیز اطمینان می کرد. وی معتقد بود گرچه فقه اسلامی مذاهب متعددی دارد، از اصول یکسانی پیروی می کند؛ همچنان که کتاب اقتصادنا را نیز با این روش تدوین کرد. در این کتاب که بازتابی از نظام اقتصادی اسلام است، به تعدادی از منابع فقه اهل تسنن استناد شده است. این دید مثبت و علمی، به برادران اهل تسنن می فهماند که نظر فقهی

۱- زندگی و افکار شهید صدر، ص ۵۳.

آنان نزد شیعیان اهمیت بسیاری دارد.

۲. پیام های شهید صدر به ملت عراق همواره با معنویت اسلامی آمیخته و از هر گونه کوتاه نظری و طایفه گری به دور بود.

با مطالعه دقیق آخرین پیام سیاسی این شهید بزرگوار که پیش از شهادتش بیان کرده بود، به نکته های با ارزشی می رسیم:

الف) شهید صدر همه وجود خود را از آن مسلمانان شیعی و سنی به طور یکسان می داند؛

ب) با روحی فراخ و پدران، همه را اعم از شیعه و سنی مورد خطاب قرار می دهد؛

ج) او بر این باور بود که اختلاف های عقیدتی میان مسلمانان نباید مانع همیاری آنان در راه خدمت به اسلام باشد و برای این امر، دو مثال می زد؛ مثال اول، جنگیدن حضرت علی علیه السلام در زیر پرچم خلیفه اول بود و مثال دوم، دفاع عالمان شیعی عراقی از حکومت عثمانی عراق، هنگامی که با ارتش استعمار انگلیس در جنگ بود و بر همین اساس فتوای وجوب دفاع را صادر کردند؛

د) امت را باید در برابر دسیسه های طاغوت هشیار کرد، طاغوت می کوشد از راه برانگیختن اختلاف های مذهبی، میان مسلمانان جدایی بیندازد.

۳. شهید صدر در نوشته های خود از جمله کتاب فدک فی التاریخ، مسائل اختلافی را با روش خاصی بررسی می کرد. با دقت در این روش، این مطالب به چشم می خورد:

الف) پرهیز از الفاظ و عبارات هایی که عواطف اهل سنت را جریحه دار کند؛

ب) پرداختن به این مسئله حساس به صورت موضوعی.

ایشان در آغاز کتاب می گوید:

اگر بخواهی آزاداندیش و برای مردم، مورّخ باشی و نه یک روایت کننده دنیای ذهن خود، باید عواطف و احساسات خود را کنار بگذاری. تو می توانی فقط نفس خودت را از این عواطف سیراب کنی، ولی باید فکر خود را که وسیله پرداختن به این بحث است، از این امور دور کنی؛ زیرا اندیشه و فکر تو از آن خودت نیست؛ چرا که مسئولیت تاریخ نویسی را به عهده گرفته ای و با خود عهد بسته ای که امانت دار باشی تا تحقیق و بحث بر اساس شرایط صحیح اندیشیدن و استنتاج استوار شود.

شهید صدر با این روش منطقی که از هر گونه جانب داری از طایفه خاصی به دور است، همه ابعاد این بحث را بررسی کرده است. این سبک دارای شفافیت و آزاد اندیشی خاصی است.

اگرچه این تلاش ها به علت عمر کوتاه شهید صدر اندک است، نمایانگر افق روشنی است که ایشان برای وحدت امت در اندیشه داشت و کارشناسان و اندیشمندان شایسته برای بررسی همه جانبه آن باید با شوق فراوان بکوشند؛ زیرا امروزه بیش از هر زمانی دیگر، به وحدت کلمه و هم بستگی امت اسلامی نیاز داریم. (۱)

۱- اندیشه ماندگار، ج ۲، صص ۴۰ و ۴۱.

فصل هفتم: اندیشه های شهید صدر

اشاره

فصل هفتم: اندیشه های شهید صدر

زیر فصل ها

حکومت اسلامی

عدالت اجتماعی در اندیشه شهید صدر

عدالت اقتصادی در اندیشه شهید صدر

قانون مندی تاریخ در قرآن

نیروی محرک جامعه و تاریخ

نقش انسان ها در صحنه تاریخ

نقش دین و انبیا در حرکت تاریخ

اباحی گری و حق الطاعه

نظریه منطقه الفراغ

آزادی

نقش آزادی در حیات اجتماعی (در دو تمدن غربی و اسلامی)

اندیشه ها و راهکارهای اقتصادی شهید صدر

حکومت اسلامی

اشاره

حکومت اسلامی

شهید صدر درباره ضرورت ایجاد حکومت اسلامی بر دو اصل تکیه می کرد:

۱. اصل ضرورت دینی

۱. اصل ضرورت دینی

بر پایه این دیدگاه، وجود دولت اسلامی برای اقامه حدود الهی، ادامه خط نبوت و امامت و حفظ و گسترش دین الهی ضروری است؛ زیرا بدون آن، حدود و فرمان های الهی اجرا نمی گردد، به سیره پیامبر و امامان علیهم السلام رفتار نمی شود و دین الهی در امان نمی ماند و گسترش نمی یابد و البته این اصلی عقلی است.

۲. ضرورت تکوینی

۲. ضرورت تکوینی

از دیدگاه شهید صدر، ایجاد حکومت اسلامی نه تنها ضرورتی شرعی است، بلکه ضرورتی عینی و طبیعی برای تمدن و اجتماع بشری است. از این رو، بهترین وسیله برای تحقق خلافت عمومی بشر در زمین و یگانه راه آدمی برای دست یابی به جامعه ای پیشرفته، متحد و با سعادت، ایجاد دولتی بر اساس مبانی اسلام است؛ زیرا پس از شکست مکتب های سوسیالیسم،

لیبرالیسم و دیدگاه های فکری متعدد دیگر درباره ایجاد دولتی صالح و مبتنی بر سعادت بشر، ضرورت وجود حکومتی اسلامی نمایان می شود که بتواند آزادی انسان را بر مبنای خلافتش در زمین تأمین و عدالت اجتماعی را بر اساس عدل الهی در جامعه اجرا کند. از دیدگاه شهید صدر، حکومت اسلامی، همان حکومت مردم بر سرنوشت خویش است که آن را با عنوان «خلافت انسان و شهادت انبیا» مطرح کرده است. بر این اساس، خداوند بر پایه رسالت خلیفه الهی انسان، او را جانشین خود در زمین قرار داده است. همچنین بر پایه سنت شهادت انبیا، خداوند با فرستادن پیام آوران خود می خواهد اصل خلیفه الهی انسان را حفظ کند تا به انحراف و انحطاط نیفتد. از نظر ایشان، زمانی که جامعه بشری به علت وجود حکومت های طاغوتی به رشد کافی نرسد، خط خلافت و خط شهادت (نظارت) متحد می شوند؛ پیامبران، امامان و فقها، هم خلیفه اند و هم شاهد. زمانی که آدمیان به رشد و کمال لازم برسند، این دو خط از هم جدا می شوند؛ انسان ها، خلافت را برعهده می گیرند و معصومان و فقها، شهادت را. (۱)

اندیشه سیاسی آیت الله صدر، بر مبنای اصل اساسی توحید استوار است که سه اصل دیگر از آن به دست می آید:

۱. اصل حاکمیت مطلقه الهی؛

۲. اصل سنت های حاکم بر جهان هستی؛

۳. اصل آزادی و اختیار انسان.

۱- سید محمدباقر صدر، الاسلام يقود الحياه، بيروت، دارالتعارف للمطبوعات، صص ۱۲۸-۱۳۰.

خداوند بر اساس حاکمیت مطلقه خویش و نسبت های طبیعی و فطری حاکم بر جهان هستی، انسان را به سبب داشتن عقل و اختیار، خلیفه خود در زمین قرار داد و انسان، مسئولیت تحقق خلافت عمومی خود را در زمین برعهده گرفت. از نظر شهید صدر، برجسته ترین وظیفه انبیا، برقراری حکومت و نظام سیاسی صحیح و شایسته در جامعه بشری است. (۱)

به نظر ایشان، سه نوع دولت و حکومت وجود دارد: دولت اقلیمی که وحدت سیاسی آن، از وحدت منطقه ای ناشی شده است؛ دولت ملی که وحدت سیاسی آن، به دلیل قومیت یکسان و متحد است؛ دولت فکری که وحدت سیاسی آن، به علت وحدت فکری آن است، نه اقلیم قومیت. چنین دولتی رسالت فکری دارد و محدودیتی را جز محدوده آن فکر نمی پذیرد؛ از این رو، می تواند در گسترده ترین شعاع انسانی ممکن، رسالت خویش را تحقق بخشد و حکومت انسانی از این نوع است. (۲) «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا». (سباء: ۲۸)

شهید صدر، سه دیدگاه مختلف در مورد حکومت اسلامی ارائه کرده است: نظریه اول، حکومت انتخابی بر اساس شورا است. این دیدگاه در مجموعه ای با عنوان اساس الاسلامیه مطرح شده است. (۳) نظریه دوم، ولایت

۱- روزنامه سلام، ۱۳۷۸/۱/۱۹.

۲- عبدالله امینی و عبدالهادی فضل، «ساختار ملی حکومت اسلامی»، فصل نامه حکومت اسلامی، ش ۲۰، تابستان ۱۳۸۰، ص ۸۳.

۳- این نظریه را آقای محمد الحسینی به عنوان ملحق اول در کتاب الامام الشهید السید محمد باقر الصدر؛ دراسه فی سیره و منهجه در سال ۱۴۱۰ ه. ق در بیروت چاپ کرده است.

انتصابی عامه فقیهان است. این نظریه در رساله های علمیه، حاشیه منهاج الصالحین و الفتاوی الواضحه ارائه شده است. نظریه سوم، خلافت مردم با رهبری ولایت فقیه است. این نظریه، یک سال پیش از شهادت آیت الله صدر، در پاسخ به جمعی از عالمان لبنان در توضیح مبانی فقهی جمهوری اسلامی در مجموعه الاسلام یقود الحیاه آمده است. نظریه سوم، در واقع ترکیبی از دو دیدگاه پیشین است که نظر نهایی شهید صدر در این باره تلقی می شود. اکنون به بررسی کوتاه هر یک از این نظریه ها می پردازیم.

نظریه اول (حکومت انتخابی بر اساس شورا)، برای حکومت اسلامی چند وظیفه و هدف تعیین می کند:

۱. بیان احکام شرعی و قوانین ثابت دینی؛
 ۲. وضع تعالیم و بندهای قانونی که بر اساس احکام شرعی در دوره های مختلف زمانی جعل می شود و پایداری آن به زمان و مکان و شرایط موجود بستگی دارد؛
 ۳. بازنگری و هماهنگ سازی احکام شرعی اعم از ثابت و متغیر بر امت اسلامی؛
 ۴. قضاوت در خصومت های میان امت و دولت، بر اساس احکام (ثابت) و آموزه های (متغیر).
- در این نظریه، حکومت دینی دو شکل اصلی دارد: شکل اول، شکل الهی است که با حاکمیت معصوم علیه السلام متحقق می یابد و شکل دوم، حکومت

شورایی یا حکومت امت است. در عصر غیبت، شکل جایز، حکومت شورا است. در زمان غیبت از میان چهار هدف اصلی حکومت، دو وظیفه بر عهده مجتهدان جامع الشرایط است؛ بیان احکام ثابت شرعی، فتواهی و قضاوت. امت و حکومت انتخابی ایشان، نه در بیان احکام ثابت شرعی حقی دارند و نه در نصب و عزل قاضیان. در این نظریه، امت، توانایی خود را تنها در وضع احکام متغیر و در هماهنگی و اجرای احکام به کار می برد. انواع مختلف حکومت شورایی تا زمانی که در محدوده شرع فعالیت کنند، معتبر هستند و مستند آن، آیه «وَأْمُرْهُمْ شُورًا بَيْنَهُمْ» (شورا: ۳۸) است.

نظریه دوم (ولایت انتصابی عامه فقیهان) بر دو نکته اصلی استوار است:

۱. در این نظریه، مردم، بدون صلاحیت و مرجع ولایت فقیه، شایستگی تدبیر امور حکومتی را ندارند؛

۲. شارع مقدس، مقام ولایت جامعه بشری را به طور مستقیم بدون واسطه مردم، به فقیهان عادل تفویض می کند.

نظریه سوم (خلافت مردم با رهبری ولایت فقیه)، حاصل تلاش شهید صدر برای ترکیب دو عنصر نظارت دینی مرجع صالح و حق خدادادی خلافت انسان است که این دیدگاه در جمهوری اسلامی جلوه می کند. در این نظریه، امت، حق خدادادی خلافت خود را بر اساس روش های زیر به کار می گیرد: انتخاب رئیس قوه مجریه؛ انتخاب اعضای مجلس اهل حل و عقد (قوه مقننه)؛ انتخاب فتوای مناسب تر از میان فتوای مجتهدان جامع الشرایط در موارد اختلاف بر اساس مصلحت عمومی؛ وضع قوانین مورد نیاز در منطقه الفراغ و تسلط کامل بر نحوه اجرای قانون اساسی و

نظارت بر قوه مجریه.

برای آنکه خلافت الهی انسان از انحراف در امان ماند و به سوی اهداف والا هدایت شود، در زمان غیبت، مراجع صالح تقلید یا مراجع اعلم به عنوان شاهدان الهی آن عمل می کنند و اصول و وظایف زیر را در نظر دارند:

۱. مرجع، عالی ترین نماینده دولت و فرمانده کل نیروهای مسلح است؛

۲. مرجع، نامزدی افرادی را برای ریاست جمهوری تأیید می کند. همچنین تنفیذ حکم کاندیدای انتخاب شده از سوی مردم بر عهده اوست که به رئیس قوه مجریه مشروعیت و قداست می بخشد؛

۳. تطبیق قانون اساسی وضع شده با شریعت؛

۴. اظهار نظر در [مورد] قوانینی که مجلس شورا برای پر کردن بخش آزاد قانون گذاری در منطقه الفراغ [وضع کرده است]؛

۵. تأسیس دادگاهی عالی برای رسیدگی به تمام خلاف های احتمالی در زمینه های [یاد شده]؛

۶. ایجاد دیوان مظالم و دادخواهی در تمام نقاط کشور.

همچنین مرجع، مجلسی را به نام «شورای مرجعیت» به وجود می آورد که مرکب از صد نفر از آگاهان است. اعضای این مجلس، از میان عالمان برجسته حوزه، خطیبان، پژوهشگران و اندیشمندان اسلامی برگزیده می شوند و دست کم باید ده نفر از مجتهدان در میان آنها باشند. مرجعیت، از راه این

مجلس، صلاحیت ها و اختیاراتش را اجرا می کند. (۱)

عدالت اجتماعی در اندیشه شهید صدر

عدالت اجتماعی در اندیشه شهید صدر

آیت الله صدر در تعریف عدالت می فرماید: «العدالة عبارة من الاستقامة على شرع الاسلام و طریقه؛ عدالت، استقامت بر شرع و طریقت اسلام است.» (۲) ایشان با استناد به آیه های ۱۲ سوره هود و ۱۶ سوره جن می افزاید: [تحقق] این عدالت به این شرط است که این استقامت و حرکت بر راستی و حق، مثل عادت، به طبیعت ثابت و کاملی برای شخص عادل تبدیل شود.

شهید صدر در جای دیگری می فرماید: «العدالة هي الوسيطة و الاعتدال في السلوك؛ عدالت، رعایت حد وسط و اعتدال در سلوک و رفتار است.» (۳)

این تعریف ها، عدالت فردی را در برمی گیرد و تعریف عدالت اجتماعی هم از دیدگاه شهید صدر این گونه است:

عدالتی که در خلافت عمومی انسان، مسئولیت های اجتماعی او بر آنها استوار است [و این] همان وجهه اجتماعی عدل الهی است که پیامبران منادی آن بوده اند و رسالت آسمانی بر آن تأکید داشته است. (۴)

عدالت اقتصادی در اندیشه شهید صدر

عدالت اقتصادی در اندیشه شهید صدر

۱- سید محمدباقر صدر، لمحہ فقیهہ تمهیدیه عن مشروع دستور الجمهوریه الاسلامیه فی ایران، تهران، جهاد البناء، ۱۳۹۹ هـ . ق، ص ۲۷.

۲- اندیشه ماندگار، ویژه نامه کنگره بین المللی شهید آیت الله صدر، ش ۳، ص ۳۲.

۳- اندیشه ماندگار، ویژه نامه کنگره بین المللی شهید آیت الله صدر، ش ۳، ص ۳۲.

۴- اندیشه ماندگار، ویژه نامه کنگره بین المللی شهید آیت الله صدر، ش ۳، ص ۳۲.

شهید صدر در اقتصادنا در تبیین ارکان اقتصاد اسلامی، سه رکن ذکر می کند که رکن سوم آن، عدالت اقتصادی است. ایشان عدالت اقتصادی را به طور کامل بررسی می کند و سپس معیارهایی برای آن برمی شمارد:

۱. تأمین حداقل رفاه و آسایش برای همه افراد جامعه؛

۲. تعیین مرزها و [میزان] مصرف و جلوگیری از بالارفتن سطح زندگی و [فراهم آوردن] حد معقول رفاه افراد؛

۳. جلوگیری از انحصار و احتکار اموال و تجمع ثروت در دست طبقه ای خاص و نیز تلاش برای فراهم کردن امکانات کار و فرصت تولید برای همگان.

شهید صدر خواسته اسلام را در عرصه اقتصاد، تحقق بخشیدن به عدالت اجتماعی می داند: (۱)

دولت باید موقعیت هایی را که عدالت اجتماعی را به خطر می اندازد، شناسایی کند و با سیاست های مناسب، جلو [پیشروی] آن را [بگیرد]. (۲) از جمله اینکه، دولت باید از [کسب] هرگونه ثروتی که زائیده احتکار ارزش های نقدی و بهره های ربوی [است]، جلوگیری کند؛ (۳) چنانکه امیرالمؤمنین علی علیه السلام به مالک اشتر فرمود:

برخی بازرگانان، نیازمندی ها و مواد خوراکی مردم را می اندوزند. این کار، بر مردمان

- ۱- سید محمدباقر صدر، طرح گسترده اقتصاد اسلامی، ترجمه: فخرالدین شوشتری، تهران، بدر، ۱۳۵۹، ص ۲۸.
- ۲- سید محمدباقر صدر، طرح گسترده اقتصاد اسلامی، ترجمه: فخرالدین شوشتری، تهران، بدر، ۱۳۵۹، ص ۱۱۴.
- ۳- سید محمدباقر صدر، طرح گسترده اقتصاد اسلامی، ترجمه: فخرالدین شوشتری، تهران، بدر، ۱۳۵۹، ص ۱۲۷.

زیان بار است و بر حاکم عیب. بنابراین، از احتکار جلوگیری کن که پیامبر خدا مردمان را از آن بازداشته است. دادوستد باید آسان و از روی عدالت انجام گیرد. قیمت اجناس باید چنان باشد که نه فروشنده زیان برد و نه خریدار. محتکر را پس از آنکه از احتکار برحذر داشته شد و [باز] مرتکب آن شد، به سزای کردارش برسان؛ لیکن در مجازات زیاده روی نکن. (۱)

ایشان در جای دیگر می فرماید:

دولت اسلامی باید یک زندگی همسان آمیخته با رفاه و آسایش را برای همه افراد جامعه، از راه بالا بردن سطح زندگی مستمندان و جلوگیری از زیاده روی و اسراف توانگران فراهم [سازد] و با جلوگیری از تمرکز ثروت و انباشته شدن سرمایه ها، عدالت اجتماعی را برقرار سازد. دولت باید با وضع مالیات بر پول های انباشته، از رکود آن جلوگیری کند (تا به جریان تولید تزریق شود) و واسطه های زاید بین تولید و مصرف [را از میان بردارد]. (۲) بر دولت اسلامی است که از راه درآمدهای همگانی، تمام مراحل آموزشی و نیز خدمات پزشکی و بهداشتی را رایگان [کند]. (۳)

به اعتقاد شهید صدر، عدالت اجتماعی دو اصل عمومی دارد که عبارتند از: اصل همکاری عمومی (تکافل عام) و اصل موازنه اجتماعی. وی اصل کفالت همگانی را مسئولیت متقابل افراد در برابر همدیگر می داند که به موجب آن، مسلمانان جهان کفالت یکدیگر را برعهده دارند و اسلام در حدود و امکانات، اجرای آن را مانند دیگر فرضیه ها لازم دانسته است. همچنین منظور از توازن اجتماعی، توازن همه افراد جامعه از نظر سطح

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳ (به نقل از: همان، ص ۱۵۲).

۲- سید محمدباقر صدر، نهادهای اقتصادی اسلام، ترجمه: غلام رضا بیات و فخرالدین شوشتری، تهران، بدر، ۱۳۵۸، ص ۹۸ با اندکی تصرف.

۳- سید محمدباقر صدر، نهادهای اقتصادی اسلام، ترجمه: غلام رضا بیات و فخرالدین شوشتری، تهران، بدر، ۱۳۵۸، ص ۹۹.

زندگی است.

قانون مندی تاریخ در قرآن

قانون مندی تاریخ در قرآن

یکی از مسائل بحث برانگیز نزد اندیشمندان و تاریخ نگاران، روشمندی و قانون مداری تاریخ است. این مفهوم را از پدیده های فکری هگل و پیروانش می دانند، ولی ریشه آن به افلاطون، ارسطو و سنت آگوستین می رسد. قرآن کریم هم به این بحث پرداخته و آنچه سبب مطرح شدن این بحث شده مسائل زیر است:

۱. سنت های حاکم بر حرکت تاریخ کدامند و محرک تاریخ کیست یا چیست؟

۲. آیا حرکت تاریخ، قانون مند است یا از روی تصادف و اتفاق؟

۳. نظر قرآن در این باره چیست؟

قرآن کریم، رویدادهای تاریخی را محصول اتفاق و تصادف نمی داند و بر قوانین تاریخی تأکید می کند و یادآور می شود که مردم می توانند با استفاده از سنت های موجود در تاریخ، سرنوشت خود را نیک یا بد کنند. دیدگاه های شهید صدر در این باره، در کتاب السنن التاریخیه و الفلسفه الاجتماعیه فی المدرسه القرآنیه بیان شده است.

میان صاحب نظران، در علم بودن تاریخ اختلاف نظر دیده می شود. شهید صدر با بررسی این مطلب، با استناد به قرآن بیان می کند که پژوهش در قوانین تاریخی، بحثی علمی است؛ همانند تحقیق در قواعد فیزیک، گیاهان و غیره، ولی قرآن، کتاب هدایت است، نه کشفیات علمی. بنابراین، پرسشی که به ذهن می رسد این است که چرا قرآن به آن می پردازد. شهید صدر

می فرماید:

درست است که قرآن کتاب هدایت است، نه کتاب علمی، ولی پژوهش در زمینه تاریخ و کشف قانون مندی های آن، یک ویژگی اساسی دارد که آن را از دیگر مسائل علمی متمایز می سازد و با هدایت بشر که هدف قرآن است، مرتبط می کند. هدایت بشر دو جنبه دارد:

۱. جنبه نرم افزاری و محتوایی که احکام و شریعت الهی را دربر می گیرد؛

۲. جنبه سخت افزاری یا فرآیند تحقق هدایت الهی بر روی زمین و در صحنه تاریخ.

این جنبه، تاریخی است و سنت ها و قوانین تاریخ در آن جریان دارد. انسان هایی که مشعل دار هدایتند، باید سنت های تاریخی را بشناسند تا بتوانند آن را به پیش ببرند؛ زیرا هرچند شریعت الهی شکست ناپذیر است، ولی انسان حتی اگر پرچمدار شریعت الهی باشد، ممکن است شکست بخورد (مانند جنگ احد). به این ترتیب، مشخص است که پژوهش در قوانین تاریخی، هر چند بحثی علمی است و اصالتاً با قرآن ارتباطی ندارد، به لحاظ نقشی که در هدایت بشر بازی می کند، مورد بحث و بررسی قرآن کریم قرار می گیرد. (۱)

پوزیتیویست ها بر این عقیده اند که حرکت و تحول تاریخ بشر، از قانون خاصی پیروی می کند. عده ای دیگر برای تاریخ هیچ گونه قانون در نظر نمی گیرند. شهید صدر می گوید:

همان گونه که پدیده های دیگر دارای سنن و قوانین است، پدیده های تاریخی هم قواعد و سنن مخصوص به خود دارد. (۲)

۱- نک: سید محمد باقر صدر، السنن التاريخية فی القرآن الکریم، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۱۰ هـ. ق، صص ۴۷-۵۰.

۲- سید محمد باقر صدر، السنن التاريخية فی القرآن الکریم، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۱۰ هـ. ق، صص ۴۷-۵۰.

قرآن، تاریخ بشری را دارای نسبت ها و قانون هایی می داند، ولی هیچ گاه مانع بروز استعدادهای بشری هم نشده است.

نیروی محرک جامعه و تاریخ

نیروی محرک جامعه و تاریخ

بحث نیروی محرک تاریخ، از مسائلی است که قانون مندی تاریخ را به روشنی نشان می دهد. عده ای معتقدند که نژادها و جنسیت ها محرک تاریخ است. جمعی دیگر، محیط و عوامل جغرافیایی را عامل می دانند و گروهی عقیده دارند که قهرمانان، تحولات تاریخی را به وجود می آورند. جمعی از مسلمانان و اشاعره بر این باورند که همه چیز به قضا و قدر الهی بستگی دارد و خواست الهی، عامل تحولات است و از نظر مارکسیست ها، اقتصاد، محرک تاریخ است. در تفسیر تاریخ، روش درست این است که آدمی با فروتنی پیشه کردن، به ناتوانی عقل خویش برای درک امور پنهانی اعتراف کند؛ زیرا عوامل بی شماری تاریخ را می سازند و نمی توان به یک مورد بسنده کرد.

نقش انسان ها در صحنه تاریخ

نقش انسان ها در صحنه تاریخ

جمعی بر این عقیده اند که انسان دخالتی در پیشامدهای تاریخی ندارد و جمعی دیگر نقش انسان ها، به ویژه قهرمانان را تأثیرگذار می دانند. بر پایه نظر شهید صدر، قوانین و رویدادهای تاریخی با اختیار و اراده انسان، منافات ندارد و انسان با کمال اختیار می تواند تاریخ ساز باشد. وی اثبات می کند که قرآن کریم به بهترین شیوه میان جبر و اختیار آشتی برقرار کرده است. از نظر قرآن، سنت های تاریخی، هم دارای سرشت علمی و هم دارای سرشت الهی

و ربانی اند. شهید صدر با بررسی آیه های قرآنی در زمینه قوانین تاریخی، موفق به دریافت سه حقیقت می شود و به شرح آنها می پردازد:

۱. قانون تاریخ کورکورانه و اتفاقی نیست، بلکه عمومیت دارد و در حالات عادی تخلف ناپذیر است؛

۲. قوانین تاریخی جنبه خدایی دارند؛

۳. جبر و قوانین تاریخی، با اختیار و اراده انسان منافات ندارد.

نقش دین و انبیا در حرکت تاریخ

نقش دین و انبیا در حرکت تاریخ

شهید صدر معتقد است که قرآن کریم، دین را مهم ترین مصداق سنت های تاریخی می داند. از دیدگاه قرآن، دین، فقط تشریح و قانون گذاری نیست، بلکه سنتی از قوانین تاریخ نیز به شمار می آید. برای درک درست مسئله سنت ها و قوانین حاکم بر تاریخ، قرآن همواره انسان را به مطالعه دقیق نمونه های تاریخی آن دعوت می کند و از او می خواهد که با بصیرت، مطلب را بررسی کند و امکانات خود را به کار گیرد.^(۱)

اباحی گری و حق الطاعه

اباحی گری و حق الطاعه

بر اساس نظر شهید صدر، در مسلک حق الطاعه، اصل اولی، خطر و منع است، نه اباحه؛ زیرا همه عالم ملک خداست و انسان حق تصرف ندارد. در دنیای کنونی که همگان حق محور شده اند و فقط به فکر حقوق و مطالبات

۱- میرزا محمد مهربانی، مقاله «دیدگاه شهید صدر پیرامون قانون مندی تاریخ در قرآن»، اندیشه ماندگار، ج ۴، صص ۳۰-۳۲

خود هستند (و نه تکالیف خود) و نگرانی آنها انتظار بشر از دین است، نه انتظار دین از بشر، این نظریه شهید صدر می تواند راه گشا باشد و دیدگاه های افراطی را تعدیل کند.

بر پایه مسلک حق الطاعه، انسان باید تکلیف خود را در زندگی بشناسد و آن را ادا کند. در نگاه این مسلک، آدمی موجودی است اصالتاً مکلف، و در اصل، در فضای تکلیف زاده می شود. از آنجا که حق طاعت و سعه مولویت مولا، بر همه هستی و از جمله بر انسان ها سایه افکنده است، اصل اولیه، تکلیف است، مگر در جایی که به نبودن آن، علم پیدا شود. (۱)

نظریه منطقه الفراغ

نظریه منطقه الفراغ

از اندیشه های شهید آیت الله سید محمد باقر صدر در حوزه فقه، حقوق و اقتصاد، نظریه منطقه الفراغ است. ایشان با این دیدگاه می خواهد جایگاه انعطاف پذیری قوانین را در اسلام، و تشریح الهی را در زندگی اجتماعی بیابد و حوزه قانون گذاری دولت اسلامی را بیان کند. آنچه این نظریه را از نظریه های مشابه دیگر علما، برجسته می کند، تبیین و مرزبندی منطقه ای معین است که به سبب دگرگونی و بی ثباتی آن، حاکم و دولت اسلامی می تواند در آن، بر اساس اصول، ضوابط و اهداف مشخص، به وضع قانون های متناسب با اوضاع پردازد.

به عقیده شهید صدر، اسلام در نظام قانون گذاری خود، منطقه ای را خالی

۱- محسن غرویان، مقاله «شهید صدر و نظریه حق الطاعه»، اندیشه ماندگار، ج ۲، صص ۲۵ و ۲۶.

از حکم الزامی (وجوب و حرمت) قرار داده است. خالی بودن این منطقه از حکم الزامی و وضع نکردن قواعد تفصیلی ثابت، امری تصادفی یا برخاسته از اهمال یا نقص در نظام قانون گذاری اسلام نبوده است، بلکه از ماهیت متغیر این منطقه سرچشمه می گیرد. این کار با عنایت و از روی حکمت انجام شده است و اسلام با آن، می خواهد نظام قانون گذاری خود را برای همه زمان ها و مکان ها جاودانه سازد. اسلام این منطقه خالی را در اختیار ولی امر نهاده است تا آن را بر اساس مصالح و مقتضیات زمان و اهداف شریعت پر کند. (۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به لحاظ اینکه هم مبلّغ شریعت و هم ولی امر ملت بود، خود در این منطقه، قواعدی را وضع کرده است که از سوی اولیای امور بعدی تغییرپذیر باشد. نکته مهم این است که ولی امر و دولت اسلامی با دقت در این احکام و روایت های دربردارنده آن، آنها را ثابت نمی داند و با رعایت ضوابطی، خود به وضع قانون می پردازد. (۲)

نکته دیگر اینکه نظریه منطقه الفراغ، با جامعیت و ابدیت شریعت و احادیثی نظیر «حلال محمد، حلال الی یوم القیامه و حرام محمد حرام الی یوم القیامه» (۳) منافاتی ندارد؛ زیرا این روایت ها درصدد نفی اجتهاد به رأی و قیاس هستند که در دوره ای از تاریخ فقه، به شدت جریان داشته است.

از سوی دیگر، این روایت ها، ضابطه و معیار درست اجتهاد را در کتاب

۱- اقتصادنا، صص ۷۲۱-۷۲۶.

۲- نک: اقتصادنا، ص ۶۸۶.

۳- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۱۶۹.

و سنت قرار می دهد. نظریه منطقه الفراغ نیز ادعا نمی کند که خارج از چارچوب کتاب و سنت و به صورت اجتهاد به رأی عمل می کند، بلکه مدعی است که خداوند در کتاب، به مقتضای «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹) صلاحیت خاصی به اولیای امور بخشیده و فرمان های آنان را لازم الاتباع دانسته است. حال منطقه ای که ولی امر می تواند اعمال صلاحیت کند، حوزه های گوناگونی دارد که یکی از آنها به موضوع های منظور، ناظر است. از این رو، قانون گذاری در منطقه الفراغ، بر کتاب مبتنی است و مؤیدهای بسیاری در سنت نیز دارد. (۱)

آزادی

آزادی

آزادی، از آغاز پیدایش انسان تاکنون، همواره موضوع بحث برانگیزی بوده است. از قرآن کریم برمی آید که پیشینه این بحث تا پیش از آفرینش آدمی می رود. (۲) شهید صدر نیز در کتاب المدرسه الاسلامیه به این موضوع پرداخته است.

او می گوید: «آزادی در غرب، مدلول ایجابی و سلبی دارد.»؛ (۳) به این معنا که غرب وقتی سلطه دیگران را از خود نفی می کند، این حق را به خود

۱- محمود حکمت نیا، مقاله «تبیین نظریه منطقه الفراغ»، فصل نامه اقتصاد اسلامی، ش ۸، زمستان ۱۳۸۱، صص ۱۰۷ - ۱۲۰ تلخیص.

۲- نک: بقره: ۳۰.

۳- سید محمد باقر صدر، المدرسه الاسلامیه، تهران، مکتبه اعتماد کاظمی، ۱۴۰۱ ه. ق، ص ۷۸.

می دهد که هرکاری دوست دارد و می تواند، انجام دهد. در مقابل، اسلام رویکردی انقلابی به اصل آزادی دارد؛ به این معنا که وقتی انسان در مکتب اسلام مبارزه و تلاش خود را برای رها شدن از تمام نیروها و سلطه ها آغاز می کند، هیچ گاه این حق را به خود نمی دهد که بر خویشتن خویش، این گونه حکم روایی کند، بلکه خود را در کنار دیگر قوا قرار می دهد. چنان که دیگران حق سلطه بر انسان ندارند، خود انسان نیز چنین حقی بر خود ندارد و فقط، پروردگار یکتاست که حق سلطه و تصرف در انسان و در جهان اطراف او را داراست. در غرب، آزادی، حق انسان است. از این رو، انسان می تواند هرگاه خواست، از حق خویش بگذرد، ولی در اسلام چنین نیست؛ زیرا آزادی در اسلام رابطه تنگاتنگی با بندگی خداوند دارد. انسان مسلمان در برابر آزادی خویش مسئول است و اجازه ندارد خود را ذلیل کند.

معنای آزادی در غرب، فقط رد حاکمیت دیگران نیست، بلکه اثبات حاکمیت انسان بر رفتار و مذهب خویش نیز هست. اسلام، بخش دوم این گزاره را نمی پذیرد و آزادی و رهایی از بت ها و بندهای ساختگی را نتیجه بندگی مخلصانه خدا و نفی سلطه غیر او می داند،^(۱) نه حاصل سلطه انسان بر خویش.

برداشت شهید صدر در این باره، آنجا که می گوید: «حاکمیت مطلق از آن خداست؛ یعنی انسان آزاد است و هیچ کس و هیچ طبقه و گروهی بر وی

۱- سید محمد باقر صدر، المدرسه الاسلامیه، تهران، مکتبه اعتماد کاظمی، ۱۴۰۱ ه. ق، صص ۱۰۸ و ۱۰۹.

سروری ندارد.»^(۱) این است که آزادی انسان، تنها و تنها در گرو تحقق حاکمیت الهی است. با این دیدگاه، پذیرش حاکمیت الهی نه فقط مغایر با اصل آزادی نیست، بلکه هماهنگ با آن است. شهید صدر، آزادی و مسئولیت را لازم و ملزوم هم می‌داند و می‌فرماید:

انسان، مسئول است؛ زیرا آزاد است. خداوند طریق هدایت و گمراهی را برای انسان آزاد مقرر فرموده و عقل و اراده را ارزانی او داشته است تا خود انتخاب کند: *إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ، إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا* (انسان: ۳).^(۲)

نقش آزادی در حیات اجتماعی (در دو تمدن غربی و اسلامی)

نقش آزادی در حیات اجتماعی (در دو تمدن غربی و اسلامی)

در میان مذهب‌ها و مکتب‌های فکری، درباره آزادی اجتماعی با انواع چهارگانه اش؛ آزادی اقتصادی، سیاسی، شخصی و فکری، بحث و تبادل اندیشه بسیاری صورت می‌گیرد. شهید صدر این بحث را در کتاب هایش به طور کامل و جامع مطرح ساخت و اشاره کرد که هدف اصلی در بحث، آزادی در چارچوب اجتماعی است.

آزادی غربی به معنای وسیعش که عبارت است از اندیشه رهبری انسان بر خویش و نفی حکمرانی غیر، پس از دوره‌های مختلف زمانی، در نهایت به سیادت ماده منتهی گشت. این در حالی است که اسلام می‌خواهد انسان را از بندگی ماده، به بندگی خدا برساند و از بندگی شیء پست، به بندگی موجود مطلق ارتقا دهد. اسلام آمد که بندهای ماده را از انسان بردارد و به او بگوید:

۱- لمحہ فقہیہ تمہیدیہ عن مشروع دستور الجمهور الاسلامیہ فی ایران، ص ۱۲.

۲- رسالتنا، صص ۶۷-۶۸.

آزادی؛ یعنی یکدیگر را ارباب خود نگیریم؛ «جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگیریم»^(۱)؛ بندگی امثال خود زشت است^(۲) و بندگی موجود مطلق، نه تنها قبیح نیست، بلکه فطری و راه کمال شمرده می شود.^(۳)

شهید صدر بارها در نوشته های خود تأکید می کند که توحید، قالب و اساس تمدن اسلامی است و تمدن اسلامی ویژگی های مثبت و تأثیرگذار (از جمله خصیصه آزادی) را از آن می گیرد:

توحید، محتوای حقیقی آزادی را در زمینه های اجتماعی، سیاسی، فکری و شخصی، به خود آزادی عطا می کند؛ زیرا آزادی حقیقی، آن است که انسان بتواند انسانیتش را با اندیشه درباره تعیین راه و نیز ترسیم نشانه ها و گرایش هایش حفظ کند و این، بسته به آن است که انسان پیش از هر چیز، از عبودیت شهوات آزاد گردد.^(۴)

نقش دیگر توحید، نقش انقلابی آن است. اسلام به سبب ویژگی توحیدی اش، انقلابی اجتماعی بر ضد ظلم و طغیان و انواع بندگی ها به شمار می آید، ولی این انقلاب نوعاً با انقلاب های اجتماعی دیگر متفاوت است؛ چون این انقلاب، انسان را از درون آزاد می گرداند و هستی را از خارج، آزادی اول، جهاد اکبر و آزادی دوم، جهاد اصغر نامیده می شود.^(۵)

انسان اروپایی در آغاز رنسانس، حریت را به مثابه ارزش اعلا پذیرفت؛ زیرا خود را در همه زمینه های زندگی مقید دیده بود، حتی در عقاید علمی و مذهبی. غرب آمد که از انسان، موجود مختاری بسازد که هر وقت خواست کاری انجام دهد، بتواند و با عقل خود بیندیشد، نه

۱- «أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا» آل عمران: ۶۴.

۲- «إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَلُكُمْ» اعراف: ۱۹۲.

۳- «فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» روم: ۳۰.

۴- المدرسه القرآنيه، صص ۱۶۷ و ۱۶۸.

۵- الاسلام يقود الحياه، ص ۲۷.

با عقل دیگری. تا اینجا [سخن] درست بود، [ولی] خطا آن بود که این تصمیم افقی بود (نه عمقی). آزادی، به معنای شکستن قیود از انسان، ارزش دارد و قالب ارزش هاست، [با این حال] به تنهایی انسان ساز نیست. نمی توان بندها را از انسان برداشت و فقط به او گفت: هر چه می خواهی بکن و کسی _ چه سلطان و چه قیس _ بر تو تسلطی ندارد. شکستن قیود بدون معنا و محتوا، چارچوب شایسته رشد بشر را مختل می کند. قالب، محتوا و رهنمود نیاز دارد و این، همان چیزی است که انسان اروپایی از آن غفلت کرد. آزادی، قالب است، [ولی] انسان اروپایی آن را ارزش و هدف نهایی دانست. اگر قالب بدون محتوا باشد، به هرج و مرج می انجامد؛ چیزی که امروز تمدن غرب را تهدید می کند. (۱) ارزش مطلق آن است که حد نپذیرد و وقتی حد آمد، ارزش مطلق وجود نخواهد داشت. در تعریف منتسکیو از آزادی، برای آن حد و قید ذکر شد. به ناچار حد و مرز را باید کسی گذاشته باشد که در مرتبه واضح، از انسان برتر باشد و گرنه حد او مؤثر نخواهد بود. (۲)

اندیشه ها و راهکارهای اقتصادی شهید صدر

اندیشه ها و راهکارهای اقتصادی شهید صدر

نخستین مطلب شهید صدر در اقتصاد اسلامی، پاسخ به این پرسش است که مقصود از اقتصاد اسلامی چیست و ماهیت و ساختار آن چگونه است؟ او معتقد است آنچه اسلام ارائه می دهد، مکتب اقتصادی اسلام است، نه علم اقتصاد اسلامی. علم، مربوط است به آنچه هست و مکتب، بر آنچه باید باشد، انگشت می گذارد. علم اقتصاد، پدیده های اقتصادی را تفسیر می کند و ارتباطشان را با اسباب و علل آنها بیان و قوانین حاکم بین پدیده های عینی را

۱- المدرسه القرآنيه، صص ۱۶۷-۱۶۸.

۲- عبدالکریم آل نجف، مقاله «آزادی در نگاه شهید آیت الله محمدباقر صدر»، ترجمه و تلخیص: عبدالله امینی و مهدی علی زاده، حکومت اسلامی، ش ۱۹، بهار ۱۳۸۰، صص ۱۵۹-۱۷۸.

کشف می کند. مکتب اقتصاد اسلام، عهده دار پرداختن به موضوع عدالت اجتماعی است و روشی عادلانه برای تنظیم زندگی اقتصادی ارائه می دهد و در پی یافته های علمی در حوزه های اقتصاد نیست. برای مثال، اسلام در حجاز در پی کشف علت ها و عوامل رباخواری نبود، بلکه آن را ممنوع کرد و نظام جدیدی بر اساس مضاربه در عرصه فعالیت اقتصادی جایگزین نظام ربوی ساخت. (۱)

شهید صدر در کشف مکتب اقتصادی اسلام گام های زیر را برداشت:

۱. جدا دانستن علم اقتصاد و مکتب اقتصادی؛

۲. تفاوت گذاشتن میان مکتب و قانون؛ به گونه ای که خود می گوید:

درست نیست که پژوهشگر اسلامی مجموعه ای از احکام اسلام را که در واقع، به مفهوم امروزی هم طراز قوانین هستند، بر اساس متون شرعی و فقهی به صورت مکتب اقتصادی اسلام مطرح سازد، با اینکه پیوندهای نیرومندی میان آن دو برقرار است، زیرا هر دو به ارگانیسم نظری واحدی تعلق دارند. (۲)

بنابراین، قانون، روبرای مکتب به شمار می رود.

۳. تأکید بر اینکه کار پژوهشگر اسلامی، تکوین و ایجاد مکتب نیست، بلکه یافتن آن است و در این راه، طرح یکایک احکام جزئی راه به جایی نمی برد، بلکه باید هر کدام را به صورت جزئی از کل مطالعه کرد تا به کشف قاعده عامی رسید که از کل سرچشمه گرفته است.

۱- المدرسه الاسلامیه، صص ۱۵۱ و ۱۷۹؛ اقتصادنا، صص ۲۸، ۳۱ و ۳۳۱.

۲- اقتصادنا، صص ۳۶۵ و ۳۶۶.

۴. ایشان بر این باور است که:

در اینجا و در جریان کشف مکتب اقتصادی اسلام، باید به مناطق آزاد فقهی (منطقه الفراغ) توجه کنیم. با این توضیح که نظام اقتصادی، مشتمل بر دو جنبه است؛ جنبه ای که به طور کامل بدان پرداخته شده و جنبه دیگری که تصمیم گیری درباره آن به دولت اسلامی واگذار شده [است] و منطقه آزاد فقهی به شمار [می آید]. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جنبه نخست را خود اجرا کرد و در جایگاه ولی امر، [مسئولیت پرداختن به] جنبه دوم [را] نیز [بر عهده گرفت] و با اینکه فرمان هایی که بر اساس ولایت امری صادر می شوند، احکام ثابتی به شمار [نمی آیند]، چنین فرمان هایی (فرمان های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره پرکردن منطقه آزاد فقهی) می تواند [روشنگر] و الهام بخش روش های انجام این کار، متناسب با تحقق اهداف عالی اقتصادی باشند. (۱)

۵. ایشان عقیده داشت که احکام و مفاهیم، دروازه های ورود ما به محورهای مکتب هستند. همچنین متون دینی، بیشتر وقت ها به طور مستقیم این احکام و مفاهیم را در اختیار ما قرار نمی دهند. از این رو، به اجتهاد پیچیده ای برای پرداختن به آن متون و کشف مضمون ها نیاز است:

تصویری که از مکتب اقتصادی اسلام ایجاد می کنیم، چون در پیوند با احکام و مفاهیم است، در واقع، بازتاب اجتهاد معینی است و تا وقتی جنبه اجتهادی دارند، نمی توان قاطعانه به واقعی بودن این تصویر حکم داد؛ زیرا امکان بروز خطا در اجتهاد به عمل آمده وجود دارد. به همین [علت]، ممکن است پژوهشگران اسلامی متناسب با اجتهادهای خود، تصویرهای متفاوتی از مکتب اقتصادی اسلام ارائه دهند که البته هر کدام از آنها، تصویری اسلامی به شمار می رود؛

زیرا بیانگر اعمال روند اجتهادی است که خود اسلام آن را روا و مقرر داشته است. (۱)

نکته مهم دیگر اینکه آنچه شهید صدر در اقتصاد اسلامی به آن نظر ویژه دارد، نظام کامل اقتصاد اسلامی است که لازمه داشتن چنین نظامی، وجود حکومت اسلامی است. شهید بزرگوار در مقدمه جلد دوم کتاب خطوط تفصیلی عن اقتصاد المجمع الاسلامی که با عنوان طرح گسترده اقتصاد اسلامی به فارسی برگردانده شده است، چنین می نویسد:

این دستورات (احکام ثروت در اسلام) از دیدگاه اسلام، در دو قلمرو طرح می شود:

۱. سیستم کامل اقتصاد اسلامی که جامعه اسلامی در پرتو دولتی مسلمان، بر پایه اسلام و جانشینی الهی در پرتو شریعت آسمانی برپا می شود.

۲. سیستم محدود اقتصاد اسلامی، برای فرد معتقد و مسلمان که در جامعه ای غیراسلامی می زیید.

در این سیستم، هدف، تثبیت نظام اقتصادی برای جامعه اسلامی [نیست]، بلکه راه گشایی برای فردی با ایمان و معتقد به مکتب اسلام است که در جامعه ای ناصالح و غیراسلامی زندگی می کند و می خواهد تا حد امکان کردار و سلوکش بر پایه اسلام باشد. (۲)

میان این دو حالت، تفاوتی ژرف حاکم است و اختلاف زیادی میان این دو سیستم اقتصادی اسلامی دیده می شود. (۳)

۱- اقتصادنا، ص ۳۸۳؛ نک: محمدعلی تسخیری، مقاله «شیوه شهید صدر در شناخت مکتب اقتصادی اسلام و پاسخ به منتقدان»، فصل نامه تخصصی اقتصاد اسلامی، تابستان ۱۳۸۲، ش ۱۰، صص ۹-۲۳.

۲- طرح گسترده اقتصاد اسلامی، صص ۲۱ و ۲۲.

۳- سید محمد خاتمی، بیم موج، نشر سیمای جوان، ص ۸۲.

فصل هشتم: شهید صدر از نگاه بزرگان

اشاره

فصل هشتم: شهید صدر از نگاه بزرگان

زیر فصل ها

پیام امام خمینی رحمه الله به مناسبت شهادت آیت الله سید محمدباقر صدر

پیام مقام معظم رهبری، به کنگره بین المللی بزرگداشت شخصیت آیت الله شهید صدر

شهید صدر از نگاه حجت الاسلام والمسلمین سیدمحمد خاتمی (رئیس جمهور پیشین)

پیام امام خمینی رحمه الله به مناسبت شهادت آیت الله سید محمدباقر صدر

پیام امام خمینی رحمه الله به مناسبت شهادت آیت الله سید محمدباقر صدر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انا لله و انا اليه راجعون

با کمال تأسف، حسب گزارش جناب وزیر امور خارجه که از منابع متعدد و مقامات کشورهای اسلامی به دست آورده است و [حسب] گزارشاتی که از منابع دیگر به دست آمد، مرحوم آیت الله سید محمدباقر صدر و همشیره مکرمه مظلومه او که از معلمین دانش و اخلاق و مفاخر علم و ادب بود، به دست رژیم منحط بعث عراق، با وضع دل خراشی به درجه رفیع شهادت رسیده اند. شهادت، ارثی است که امثال این شخصیت های عزیز، از موالیان خود برده اند و جنایت و ستمکاری نیز ارثی است که امثال این جنایت کاران تاریخ، از اسلاف ستم پیشه خود می برند. شهادت این بزرگواران که عمری را به مجاهدت در راه اهداف اسلام گذرانده اند، به دست اشخاص جنایت کاری که عمری به خون خواری و ستم پیشگی گذرانده اند، عجب نیست. عجب آن است که مجاهدان راه حق در بستر بمیرند و ستمگران جنایت پیشه دست خبیث خود را به خون آنان آغشته نکنند. عجب نیست که مرحوم صدر و همشیره مظلومه اش به شهادت نایل شدند، عجب آن است که ملت های اسلامی و خصوصاً ملت شریف عراق و عشایر دجله و فرات و جوانان غیور دانشگاه ها و سایر جوانان عزیز عراق، از کنار این مصیبت بزرگ که به اسلام

و اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله وارد می شود، بی تفاوت بگذرند و به حزب ملعون بعث فرصت دهند که مفاخر آنان را یکی پس از دیگری مظلومانه شهید کنند و عجب تر آنکه، ارتش عراق و سایر قوای انتظامی، آلت دست این جنایت کاران واقع شوند و در هدم اسلام و قرآن کریم به آنان کمک کنند... این جانب برای بزرگداشت این شخصیت علمی و مجاهد که از مفاخر حوزه های علمیه و از مراجع دینی و متفکران اسلامی بود، از روز چهارشنبه، سوم اردیبهشت به مدت سه روز عزای عمومی اعلام می کنم و روز پنج شنبه، چهارم اردیبهشت را تعطیل عمومی اعلام [می نمایم] و از خداوند متعال خواستار جبران این ضایعه بزرگ و عظمت اسلام و مسلمین می باشم.

والسلام علی عباد الله الصالحین

دوم اردیبهشت ۵۹

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

پیام مقام معظم رهبری، به کنگره بین المللی بزرگداشت شخصیت آیت الله شهید صدر

پیام مقام معظم رهبری، به کنگره بین المللی بزرگداشت شخصیت آیت الله شهید صدر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در میان چهره های برجسته حوزه های علمیه در دهه های اخیر، مرحوم آیت الله شهید سید محمدباقر صدر (قدس سره) یکی از ممتازین و شگفت انگیزترین آنهاست. هر مجمع علمی حق دارد که به فرآورده انسانی بزرگی چون این عالم بزرگوار به خود ببالد. او بی شک، یک نابغه و یک ستاره درخشان بود. از جنبه علمی، جامعیت و تحقیق و نوآوری و شجاعت

علمی را یک جا دارا بود. در اصول، در فقه، در فلسفه و در هر آنچه به این دانش ها ارتباط می یابد، در زمره بنیان گذاران و صاحبان مکتب محسوب می شد. استعداد خارق العاده و پشتکار کم نظیر او، از وی عالمی ذوفنون و ژرف نگر پدید آورده [بود] که دید نافذ و ذهن جست و جوگرش در آفاق علوم حوزه ها محصور نمانده [است] و هر آنچه را برای یک مرجع دینی در دنیای متنوع امروز سزاوار است، به حیطة تحقیق و مطالعه کشیده بود و سخنی نو و فکری بکر و اثری ماندگار در آن می آفرید. بی شک، اگر جوهره علم و تحقیق و این ذخیره تمام نشدنی انسانی، با دست پلید جنایت کاران از حوزه علمیه ربوده نمی شد، جامعه شیعه و اسلامی می توانست در آینده نزدیک، شاهد اوج گیری در قلمرو مرجعیت و ریاست علمی و دینی باشد. توفیق و مدد الهی، آمیختگی این فضیلت های بزرگ را با رتبه والای جهاد فی سبیل الله رقم زد. هنگامی که حوزه کهن نجف در بوته آزمایش مواجهه با امواج بیداری اسلامی و انقلابی قرار گرفت، این شخصیت بیدار و آگاه قدم در راه مجاهدتی علمی و سیاسی نهاد و درخشش معنوی خود را مضاعف ساخت. بینش عمیق او، نیاز زمان را حس کرد و در راهی که اجداد طاهرینش به روی پیروان و جانشینان خود گشوده بودند، گامی استوار نهاد و چه زود پاداش این فداکاری عظیم؛ یعنی محنت و سپس شهادت در راه خدا را دریافت کرد. شهید آیت الله صدر برای طلاب و فضلالی جوان، یک اسوه و نمونه است. درس انسان پروری او با شهادت جان گدازش خاتمه نیافته است. آثار علمی و شیوه تحقیق او اکنون پیش روی فضلالی جوان حوزه های علمیه قرار دارد و انگشت اشاره او، آنان را به راه عظمت و مجد علمی همراه با روشن بینی و جهان نگری هدایت می کند. حوزه های علمیه امروز نیز محتاج شهید صدر و هر عنصر با همت و پرتوانی هستند که راه علمی و اسلام شناسی و جهان نگری او را دنبال کنند.

صلوات و درودی از اعماق جان بر آن روح مطهر و خواهر شهیده مظلومه اش، بنت الهدی می فرستم و رحمت و علو درجات برای آنان و توفیق رشد و تربیت فضیله جوان حوزه ها بدان سان را از خداوند متعال مسئلت می کنم.

والسلام علیکم ورحمه الله

سید علی خامنه ای

۲۷ دی ۱۳۷۹

۲۱ شوال ۱۴۲۱ ه . ق (۱)

شهید صدر از نگاه حجت الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی (رئیس جمهور پیشین)

شهید صدر از نگاه حجت الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی (رئیس جمهور پیشین)

بدون تردید، آیت الله العظمی صدر یکی از نوابغ دنیای تشیع و دنیای تفکر است. این مسئله از آثار ایشان هم معلوم است و عظمت و مقام علمی و نیز درک نبوغ و هوشمندی ایشان نیازی به تشریح ندارد. به نظر من پیش از آنکه روی بُعد شخصیتی شهید صدر تکیه کنیم، باید روی وجوه خاص و جوهر شخصیت ایشان تأکید کنیم که ایشان را به اینجا رسانده [است] و آن، دردمندی شهید صدر در مورد حل مسائل و مشکلات دنیای اسلام و تلاش آن شهید برای پاسخگویی به مشکلات دوران خویش بود. اگر شهید صدر در میان ما حضور داشت، هنگام تأسیس جمهوری اسلامی و پس از آن [وجود] ایشان خیرات و برکات زیادی به همراه می آورد. به اعتقاد من، اگر نقطه جوهری شخصیت شهید صدر را بشناسیم، ایجاب می کند که حرکت های دیگری در حوزه های علمیه شروع کنیم. باید ببینیم اگر شهید صدر اکنون در میان ما بود، چگونه حرکت می کرد. آنچه شهید صدر را از دیگران ممتاز کرد، نگاه به زمان بود. او در آن موقع به نقد مارکسیسم پرداخت. امروز لیبرال دموکراسی بسیار حساس تر از مارکسیسم

است و بر این اساس، نیازمند شناخت و نقد هستیم؛ یعنی کاری که شهید صدر انجام می داد. (۱)

حجت الاسلام خاتمی، همچنین در کتاب بیم موج، در مقاله سوم با عنوان «درک زمان، درد دین» به تبیین شخصیت شهید صدر پرداخته است. وی می نویسد:

در یکصد سال اخیر، در بسیاری از کشورهای اسلامی و به خصوص ایران شاهد سه نوع واکنش در برابر غرب بوده ایم: تسلیم و پذیرش محض؛ انکار و نفی کامل؛ مقابله از سر خودباوری و استقلال، با نگرش عمیق و همه جانبه و تکیه بر اسلام اصیل. سومین رفتار در برابر غرب، همان بود که می بایست باشد و در میان این دسته از مدافعان اسلام اصیل و عزت مسلمانان، چهره بزرگوارانی، چون شهید صدر و شهید مطهری در دوره اخیر تاریخ اسلام درخشندگی خاصی دارد و در واقع، جهاد فکری این بزرگان باب مرحله ای تازه را در تاریخ تفکر و جهاد اسلامی می گشاید... شهید صدر، مجتهدی است مجاهد و فقیهی توانا و شخصیتی مسلط بر فلسفه و کلام و معارف و دارای نبوغ و بزرگ ترین شاخصه تلاش فکری و اجتهادی او این است که می کوشد تا با روش علمی و منطقی، در برابر مکتب های پرآوازه جدید، اسلام را به عنوان مکتبی برتر مطرح کند. نکته برجسته دیگری که در اجتهاد علمی و جهاد فکری این بزرگوار وجود دارد و در واقع ثمره دید اول (تسلیم و پذیرش محض در مواجهه با غرب) است، [اینکه او] اثبات [می] کند نه تنها اسلام برای اداره جامعه بشری تواناست، بلکه تلاش برای استقرار نظام اسلامی به جای نظام های صرفاً بشری و در مقطع اخیر، بنیادهای کفرآمیز غربی و شرقی، مبرم ترین وظیفه عالمان دین باور اسلام و مهم ترین رسالت مسلمانان است که جز در دوره های کوتاهی از حیات تاریخی خود، همواره محکوم ستم مستکبران و ستمکاران بوده اند. در واقع شهید صدر مؤید حرکت دوران سازی است که از ده ها سال پیش به رهبری پیشوای والانگر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی به رغم همه

۱- سخنان رئیس جمهور پیشین در دیدار مسئولان کنگره بین المللی آیت الله صدر با ایشان ۱۳۷۹/۱۰/۱۷؛ به نقل از: اندیشه ماندگار، ج ۵، صص ۲۳ و ۲۴.

مشکلات ذهنی و عینی با هدف سرنگونی نظام طاغوت و استقرار حکومت اسلامی و وصول به استقلال و آزادی آغاز شد و با درایت پیشوا و به برکت تحولی که در جان جامعه ایران ایجاد شد، مآلاً به تحقق جمهوری اسلامی انجامید و امیدهای چهارده قرن مجاهدان راه حق و مجتهدان فرزانه در تاریخ خون بار اسلام را به واقعیت خارجی مبدل ساخت. تلاش ارجمند شهید صدر را کسانی قدر می دانند که از یک سو با همه وجود، معتقد به اسلام و خواستار عظمت و حاکمیت آن هستند و از سوی دیگر با اوضاع و احوال پیچیده و پرتیش جهان کنونی و آنچه در عمق زندگی روزگار ما می گذرد، آشنایند... شهید صدر با تکیه بر فقه پر بار اسلام و با رعایت موازینی که حجیت آنها مسلم است، در صدد اکتشاف راه و رسم زندگی از منابع اسلامی و کشف مذهب و مکتب از مجموعه قوانین مدوّن یا قابل استنباط اسلامی برمی آید؛ در حالی که پاره دیگری از مدعیان، سرسپرده مکتبی غیراسلامی هستند و تلاششان بسته به ارائه راه حلی بر اساس آن مکتب است. تفاوت این دو، تفاوت میان کسی است که بر اساس دین و وحی خدا متعهد است، با کسی که برای به کرسی نشاندن خواست خود، آگاهانه یا ناآگاهانه از تأویل و حتی تحریف دین، روی گردان نیست. امروز پژوهندگان مسلمان، به خصوص در حوزه های دینی و بالاخص طلاب جوان و خوش فکر و متقی، بیش از هر زمان موظف به ادامه راهی هستند که بزرگانی چون شهید صدر با شجاعت، شرح صدر و هوشیاری و قدرت، آغاز کننده آن بودند. (۱)

فصل نهم: نگاهی به زندگی بنت الهدی صدر

اشاره

فصل نهم: نگاهی به زندگی بنت الهدی صدر

سیده آمنه صدر، خواهر شهید سید محمدباقر صدر، معروف به بنت الهدی در سال ۱۳۵۶ ه. ق در کاظمین به دنیا آمد و ۴۴ سال زیست. هنوز یک سال نداشت که از نعمت پدر محروم شد. وی خواندن و نوشتن را بدون آنکه وارد مدارس رسمی شود، فراگرفت. دروس نحو، منطق، فقه، اصول و معارف اسلامی را در خانه و نزد دو برادر خود خواند. ایشان در فقه، مقام والایی پیدا کرد و بسیاری از بانوان برای دریافت پاسخ مسائل فقهی خود به او مراجعه می کردند. بنت الهدی افزون بر آنکه اشتیاق زیادی برای مطالعه کتاب های اسلامی داشت، کتاب های غیر دینی را هم مطالعه می کرد. ایشان کتاب شرایع و عقائد الشیعه را درس می داد و برای بانوان منبر می رفت و به طرز بدیعی، تاریخ اهل بیت را تحلیل می کرد و بر تعدادی از مدارس ابتدایی و متوسطه و دبیرستان ها اشراف و مدیریت داشت. (۱)

مهم ترین اتفاقی که در طول زندگی این بانوی شهید رخ داد، مبارزه های

۱- رضا استادی، نوزده ستاره و یک ماه، قدس، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۷۸.

برادر بزرگوارش با رژیم بعث و در نهایت دستگیری ایشان است. نقش زینب گونه بنت الهدی در این پیشامدها، خیره کننده بود و مهم ترین آنها در بازداشت سوم شهید صدر؛ یعنی در بامداد هفدهم رجب سال ۱۳۹۹ ه. ق اتفاق افتاد. وقتی نیروهای امنیتی، آیت الله صدر را دستگیر کردند، خواهر ایشان نه تنها جزع و فزع نکرد و برادر را پریشان نساخت، بلکه صبورانه و شجاعانه _ آن گونه که از شیرزنان تربیت شده در مکتب حضرت زینب علیهاالسلام برمی آمد _ نیروهای امنیتی را که تعدادشان بیش از دویست نفر بود، مورد خطاب و نکوهش قرار داد. هیبت این شیرزن، چنان نیروهای امنیتی را تحت تأثیر قرار داد که بدون اینکه مانع خطابه آتشین او شوند، هر کدام در پشت اتومبیل یا دیواری سنگر گرفته بودند و نفس در سینه هایشان حبس شده بود. آن گاه به برادر قوت قلب داد و فرمود:

آن گاه که مزدوران بعثی، آیت الله صدر را به بغداد بردند، بنت الهدی به خانه بازگشت و در این فکر بود که چگونه احساسات مردم را بر ضد رژیم برانگیزد و مؤمنان را از خمودی و سکون وارهاند. پس از طلوع خورشید، به حرم امیرمؤمنان علی علیه السلام رفت و خطاب به مولایش سخنانی گفت. جمعیت، اندک اندک از اطراف متوجه بنت الهدی و برخی از شاگردان آیت الله صدر

شدند. سرانجام جمعیت کوچکی از حرم شریف به راه افتاد. پس از دقایقی، بسیاری از مردم به آنها پیوستند و رژیم را محکوم کردند و خواستار آزادی مرجعشان شدند. بازاریان و مغازه داران هم با تعطیل کردن مغازه های خود به جمعیت پیوستند و نیروهای امنیتی ناگزیر با مردم درگیر شدند. نظیر این تظاهرات در شهرهای کاظمین، بصره، دیالی و چند شهر دیگر هم اتفاق افتاد. فشارها به رژیم تا حدی بود که سرانجام، آنها با تغییر موضع خود، آیت الله صدر را آزاد کردند.^(۱)

همین واقعه باعث شد که سران حزب بعث، نقش محوری بنت الهدی را در تحولات عراق در نظر بگیرند. بنابراین در بازداشت چهارم و آخر شهید صدر، بی درنگ بنت الهدی را هم دستگیر کردند تا مثل نوبت پیشین مردم را بر ضد رژیم نشوراند. میان مردم عراق معروف است که شهید صدر به بازجویان خود گفته بود: «مشکل شما با من است، خواهرم را آزاد کنید» و یزیدیان بعثی گفته بودند: «اجداد ما در کربلا چنین اشتباهی کردند و هم اکنون ما جور آنها را می کشیم».

سرانجام بنت الهدی صدر پس از تحمل شکنجه های وحشیانه که قلم از وصف آن ناتوان است، در کنار برادر بزرگوارش و پیش چشمان او به شهادت رسید و اندکی بعد، برادر هم به او پیوست. امام خمینی رحمه اللهدر پیام خود به مناسبت شهادت این دو بزرگوار، از شهید بنت الهدی صدر، به عنوان

۱- زندگی و افکار شهید صدر، صص ۱۳۹ و ۱۴۰.

معلم دانش و اخلاق و از مفاخر علم و ادب یاد کرد.^(۱)

بنت الهدی، از جمله نویسندگان زن مسلمانی بود که به اهمیت قصه در زندگی انسان پی برد. هدف نهایی و اصلی او، بیان علت رویارویی اندیشه اسلامی و غرب بود و بر همین اساس می کوشید بازتاب این درگیری اندیشه ها را در زندگی همه مسلمانان عصر حاضر نشان دهد. هدف وی از داستان نویسی، دفاع از دین و دیانت بود. هدف از این قصه های کوتاه، مجسم کردن مفاهیم عمومی در زندگی از منظر اسلامی است و این، روشی است که قرآن کریم نیز با بیان داستان هایی از زندگانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را به کار می برد.

بنت الهدی پیش از آنکه نویسنده باشد، اندیشمند بود؛ اندیشمندی که در قصه های خود، شرایط زن معاصر را بررسی می کرد و گمراهی بیشتر زنان امروز را در تقلید از اندیشه های غربی و فریب خوردن آنها از مدرنیسم غربی می دانست. از همین رو، در قصه های خود، بر اساس آیات قرآن، همواره به حجاب که مایه سربلندی و سرافرازی زن مسلمان در طول تاریخ بوده است، توجه ویژه ای داشت.^(۲)

برخی از آثار ارزشمند وی عبارتند از: مذاکرات الحج، کلمه و دعوه، نساء العقیده^(۳) و نیز مقالاتی در مجله الاضواء و نشریه جامعه العلماء نجف اشرف.^(۴)

۱- نک: صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۵۷.

۲- ماجده حمود، مقاله «بنت الهدی و زیبایی های قصه»، اندیشه ماندگار، ج ۲، صص ۳۲-۳۴.

۳- روزنامه جمهوری، ۲۰/۱/۱۳۷۷.

۴- ضمیمه روزنامه اطلاعات، ۲۰/۱/۱۳۶۰.

زن در اسلام از دیدگاه شهید بنت الهدی صدر

زن در اسلام از دیدگاه شهید بنت الهدی صدر

زن در هیچ یک از فرهنگ ها و تمدن های گذشته، جایگاه انسانی خود را پیدا نکرد و همواره به دلیل جاذبه های جنسی، به او جایگاه می دادند. اسلام، زن را انسانی همانند مرد و هر دو را مکمل یکدیگر می داند و در این میان، زنان در دو زمینه ترویج اندیشه اسلامی و اجرای عملی آن سهم به سزایی داشته اند. در اسلام، انسانیت ارزش دارد و معیار کرامت، تقواست: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ.» (حجرات: ۱۳) که هر چه بیشتر باشد، انسانیت برتر و کامل تر است.

اسلام، زن را در حقوق، مساوی مرد، ولی غیر مشابه هم قرار داده است (نکته ای که برخی، از درک آن عاجزند و تساوی حقوق را با تشابه حقوق لازم و ملزوم می دانند) و بر اساس نیازهای روحی و جسمی به آنها حقوق داده و از آنها تکلیف خواسته است. حضور زن در جامعه، به ویژه در عرصه های اقتصادی، در جوامع سنتی کمتر از جوامع مدرن نیست. از این رو، با توجه به تغییر شرایط اجتماعی، نمی توان خواستار تعطیلی احکام اسلامی مربوط به زنان شد. اسلام هیچ گونه قید و بندی برای زن قرار نداده است، مگر ذات خلقت و طبیعت او. اسلام، مردی را شایسته می داند که همسر خود را در دیدگاه ها، اندیشه ها و هدف های خود شریک و همراه سازد. اسلام منعی در اشتغال زن در خارج از خانه به شرط رعایت پوشش نمی بیند، اراده زن، در همه حال نقش اول را در شکل دهی و پایداری نهاد خانواده دارد.

از نظر اسلام، زن در تمامی مراحل زندگی حق کامل در تصرف اموال

خود را دارد؛ هیچ تعهد مالی بر عهده اش نیست و مرد موظف به تأمین هزینه زندگی و محافظت از خانواده است. به همین علت است که زن سهم کمتری از ارث می برد. در حالی که در غرب، مرد حق تصرف در اموال همسرش را دارد، مگر آنکه همسر پرداخت بخشی از هزینه های زندگی را بپذیرد.

در اسلام، پوشش، هم برای مرد است و هم برای زن و هیچ کدام حق ندارند با بروز دادن ویژگی های جنسی خود، در جامعه حاضر شوند و از آنجا که جلوه گری های جنس مؤنث بیشتر و قوی تر از جنس مذکر است، بر پوشش او بیشتر تأکید می شود.

اسلام بر خلاف فرهنگ های کهن، زن را سرچشمه گناهان و بدی ها و هدف از آفرینش او را فقط رفاه حال مرد نمی داند، بلکه در حقیقت، هر دو هدف خلقت و مکمل یکدیگرند. بسیاری از فرهنگ ها، فرزند را تنها متعلق به پدر می دانند، ولی اسلام، جایگاه مادر را بسیار والا می شمارد؛ به گونه ای که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، بهشت را زیر پای مادران می داند (۱) و قرآن کریم به نیکی به پدر و مادر به طور یکسان سفارش می کند: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (اسراء: ۲۳) و از کمترین کاری که موجب رنجش آنها شود، نهی می کند: «فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا». (اسراء: ۲۳)

از علت های عقب ماندن زنان مسلمان و نداشتن پیشرفت فکری و روحی آنان، یکی دسیسه غرب زدگان و دیدگاه های افراطی فمینیستی و دیگری،

حمایت نکردن آنهاست که در نتیجه، یا در دام مفسد و انحراف ها گرفتار می شوند یا بال های آنها به دست واپس گرایان شکسته می شود. یگانه راه نجات، بازگشت جامعه به اسلام اصیل و حاکم کردن اندیشه اسلامی به جای اندیشه های وارداتی یا عقده های واپس گرایان است که دین را بر اساس هوای نفسانی خود تفسیر می کنند.^(۱)

۱- سید مشتاق الحلو، مقاله «زن در اسلام از دیدگاه شهید بنت الهدی صدر»، اندیشه ماندگار، ج ۵، صص ۳۳ و ۳۴.

فصل دهم: همراه با برنامه سازان

اشاره

فصل دهم: همراه با برنامه سازان

زیر فصل ها

پیشنهادهای کلی

موضوع های برنامه سازی

پرسش های مسابقه ای

پرسش های کارشناسی

کتاب شناسی

پیشنهادهای کلی

پیشنهادهای کلی

صدا و سیما هرگز نباید از نقش شخصیت های علمی و مجاهدان راه حق در الگوسازی برای نسل جوان و هویت بخشی به آنان، در عصری که مهم ترین نگرانی آن بحران هویت است، غافل شود. در این میان، شخصیت هایی که در هر دو عرصه اندیشه و مبارزه با طاغوت نام آور بوده اند، در مقایسه با دیگران اولویت دارند و بر رسانه هاست که در مورد این گونه اندیشمندان برنامه سازی کنند.

به نظر می رسد درصد بالایی از مردم ما و حتی افراد تحصیل کرده، با ابعاد شخصیتی شهید صدر آشنا نباشند. برای مثال، وقتی از بسیاری از دانش آموختگان رشته حقوق پرسیدم: آیا از نقش شهید صدر در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و طرح او درباره قانون اساسی آگاهی دارند، هیچ کدام آگاهی نداشتند. شایسته است در روزهای ویژه مانند ۱۹ فروردین، (سالگرد شهادت آیت الله صدر) و ۱۲ فروردین (روز جمهوری اسلامی) به این مسئله پردازیم.

موضوع های برنامه سازی

موضوع های برنامه سازی

۱. بررسی زندگی خاندان پر افتخار صدر، از عبدالحسین شرف الدین، رهبر شیعیان لبنان تا امام موسی صدر، سید محمدباقر صدر و محمدصادق صدر.

۲. علت های ناکامی ظاهری شهید صدر در بسیج مردم و تحریک آنان برای مبارزه با رژیم بعث، در مقایسه با موفقیت حضرت امام خمینی رحمه الله؛ مطالعه تطبیقی جامعه شناختی مردم عراق و ایران، با توجه به سخن امام در دیدار با معاودان عراقی در سالگرد شهادت آیت الله صدر، مبنی بر اینکه پیش از آمدن به عراق و نجف، شناخت دیگری از مردم عراق داشتم و گمان نمی کردم کارگزاران حکومت به راحتی مرجع دینی آنان را در حضورشان آزار دهند و منزل او را محاصره کنند و مردم واکنشی جدی نشان ندهند.

۳. مصاحبه با سید جعفر صدر (پسر شهید صدر) و همسر شهید که هم اکنون در شهر مقدس قم ساکن هستند.

۴. خاطراتی که شاگردان شهید از ایشان نقل می کنند (که در فصل های پیشین به آنها اشاره شد) سوژه های بسیار جالبی هستند. از جمله خاطرات آیت الله حائری و شیخ محمدرضا نعمانی، از دوران حصر شهید و مشکلات بسیاری که کمبود شدید امکانات، برای خانواده شهید ایجاد کرده بود.

۵. افکار شهید صدر.

۶. پیش بینی شهید صدر از سرانجام حزب بعث و شخص صدام و تحقق این پیش بینی.

۷. نقش زینب گونه شهید بنت الهدی صدر در تحولات عراق، به ویژه در

بازداشت سوم شهید صدر و خطابه او در حرم علوی و در نتیجه آن، تظاهرات گسترده مردمی.

۸. اعدام شاگردان برجسته شهید صدر و نمایندگان ایشان در شهرهای مختلف.

۹. رابطه شهید صدر با حضرت امام و پیروی محض ایشان از امام خمینی رحمه الله و بیان جمله معروف ایشان: «ذوبوا فی الامام الخمینی، کما هو ذاب فی الاسلام» و نقش ایشان در انقلاب اسلامی.

۱۰. رشد فکر و عقلانی شگفت شهید صدر به گونه ای که پیش از بلوغ، به مرحله اجتهاد رسید و در ۳۸ سالگی مرجع شیعیان عراق شد. روش او در زمینه تحصیل و چگونگی برنامه ریزی درسی ایشان، الگوی بسیار مناسبی برای طالبان دانش به ویژه طلاب حوزه های علمیه خواهد بود.

۱۱. طرح شهید صدر برای ترور صدام ملعون، به دست خلبان اختصاصی او.

پرسش های مسابقه ای

پرسش های مسابقه ای

۱. این جمله از کیست؟ «در امام خمینی ذوب شوید، همان گونه که او در اسلام ذوب شده است».

الف) شهید بهشتی ب) آیت الله خامنه ای

ج) شهید صدر د) شهید مطهری

۲. شهید صدر در چه شهری به دنیا آمد؟

الف) قم ب) نجف

ج) اصفهان د) کاظمین

۳. شهید صدر چند سال زندگی کرد؟

الف (۷۵ ب) ۷۰

ج (۶۵ د) ۴۷

۴. این جمله امام خمینی رحمه الله خطاب به کیست؟ «او از معلمین دانش و اخلاق و از مفاخر علم و ادب بود».

الف (شهید صدر ب) شهید مطهری

ج (شهید بهشتی د) شهید بنت الهدی صدر

۵. کدام یک، از آثار بنت الهدی صدر است؟

الف (مذاکرات الحج ب) کلمه و دعوه

ج (نساء العقیده د) هر سه

۶. شهید صدر در چه سالی به درجه اجتهاد و در چه سالی به درجه مرجعیت رسید؟

الف (۲۰ _ ۴۵ ب) (۳۰ _ ۵۳ ج) (۱۵ _ ۳۸ د) ۴۵ _ ۱۵

۷. این جمله شهید صدر در بیان ارادت او به چه کسی است؟ «اگر ایشان امر کند که از نجف خارج شوم و در روستایی دورافتاده به تبلیغ دین و بیان احکام پردازم، این کار را انجام می دهم».

الف (سید ابوالقاسم خویی ب) سید مهدی حکیم (حکیم بزرگ)

ج (شیخ محمد رضا آل یاسین (دایی شهید) د) امام خمینی رحمه الله

۸. کدامیک از آثار شهید صدر، در پاسخ به درخواست آیت الله حکیم، مرجع وقت شیعیان عراق نوشته شد؟

الف (فلسفتنا ب) اقتصادنا

ج (الفتوی الواضح د) فذک فی التاریخ

۹. کدام یک از این کتاب ها، از آثار شهید صدر نیست؟

الف) اقتصادنا ب) فلسفتنا

ج) تکمله المنهاج د) فدک فی التاريخ

۱۰. رابط میان امام خمینی رحمه الله و شهید صدر که بود؟

الف) سید محمود شاهرودی ب) شهید حکیم

ج) سید کاظم حائری ج) شیخ محمدرضا نعمانی

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱. برنامه حکومت عراق برای ترور شهید صدر چه بود؟

۲. طرح شهید صدر برای ترور صدام چه بود و چرا موفق نشد؟

۳. شهید صدر مشکل اصلی مردم عراق را در راه مبارزه با رژیم بعث، چه می دید و برای درمان آن چه طرحی در سر داشت؟

۴. شرایط صدام برای پایان حصر نه ماهه و فشار بر ضد شهید صدر و پاسخ متقابل ایشان چه بود؟

۵. از نظر خود شهید صدر، او چگونه در سن کم به درجه های بالای علمی رسید؟

۶. پس از سومین بازداشت شهید صدر، بنت الهدی چگونه مردم را به برپایی تظاهراتی عظیم واداشت و از تلاش حکومت برای قتل آیت الله صدر جلوگیری کرد؟

۷. علت دستگیری بنت الهدی صدر، پس از چهارمین بازداشت شهید صدر چه بود؟

۸. صدام در آخرین لحظات زندگی شهید صدر از او خواسته بود، فقط چند کلمه بر ضد انقلاب اسلامی و امام خمینی رحمه الله بنویسد تا از مرگ حتمی نجات یابد. چرا شهید صدر تسلیم نشد و شهادت را برگزید؟

۹. آیا می دانید پیش بینی شهید صدر درباره آینده صدام و حزب بعث چه

بود؟

۱۰. علت های ناکامی ظاهری شهید صدر در واداشتن مردم عراق برای قیام و سرنگونی رژیم بعث و تطبیق شرایط عراق با ایران را بیان کنید.

۱۱. دلایل موفقیت علمی کم نظیر شهید صدر و اجتهاد در ۱۵ سالگی و مرجعیت در ۳۸ سالگی را و اینکه چرا امروزه در حوزه های علمیه چنین استعدادهایی پرورش نمی یابند یا اینکه کمتر پرورش می یابند، بیان کنید.

۱۲. از نظر شهید صدر، راهکار رسیدگی به مصالح اسلام و امت اسلامی پس از به دست گرفتن قدرت چگونه باید باشد؟

۱۳. چرا شهید صدر _ که خود مرجع دینی مردمان بود _ از امام خمینی رحمه الله، پیروی می کرد؟

۱۴. چرا حضرت امام خمینی رحمه الله با وجود شرایط سیاسی نگران کننده عراق، به شهید صدر تلگراف کرد که از نجف خارج نشود؟

۱۵. خدمات علمی و معنوی شهید صدر را به انقلاب اسلامی ایران بیان کنید.

۱۶. خدمات فرهنگی و اجتماعی شهید صدر در عراق چه بود؟

۱۷. تلاش های شهید صدر برای برطرف ساختن موانع هم بستگی میان مذاهب اسلامی و اتحاد مسلمانان در مبارزه با استعمار چه بود؟

۱۸. برنامه های شهید صدر برای اصلاح وضعیت حوزه های علمیه چه بود؟

۱۹. شیوه شهید صدر را در رویارویی با افکار غربی با شیوه های دیگر مقایسه و میزان موفقیت هر یک را بیان کنید.

۲۰. اندیشه های اقتصادی شهید صدر را بیان کنید.

۲۱. نظر شهید صدر درباره مردم سالاری دینی، ساختار حکومت اسلامی، شورا و ولایت فقیه چه بود؟

کتاب شناسی

کتاب شناسی

افزون بر کتاب ها و مقاله هایی که در بخش منابع به آنها اشاره می شود و کتاب هایی که در فصل سوم نام بردیم، کتاب های زیر معرفی می شوند:

۱. الفكر الکلامی عند الشهيد الصدر، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمه الله.

۲. سامی العسکری، الامام الصدر و دوره فی الصراع السياسی فی العراق.

۳. سید محمد باقر حکیم، النظریه السياسی عند الشهيد الصدر، مرکز دراسات تاریخ العراق الحدیث.

۴. سید محمد باقر صدر، جمهوری اسلامی (فارسی)، انتشارات روزبه.

۵. شمran الفجلی، للامام الصدر و علوم القرآن.

۶. شهید الامه و شاهد ها.

۷. عبد الجبار الرفاعی، منهج الشهيد الصدر فی تجرید الفكر الاسلامی، مؤسسه توحید، ۱۴۱۹ هـ . ق.

۸. عبد الحمید صائب، منهج الامام الصدر فی تفسیر القرآن الکریم.

۹. علی معموری، نظام سیاسی اسلام از دیدگاه شهید صدر، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمه الله.

۱۰. فاضل نوری، الشهيد الصدر فضائله و شمائله.

۱۱. محمد ابراهیم انصاری اراکی، جواهر الاصول (تقریرات بحث قطع از دروس خارج اصول شهید صدر)، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، چاپ اول.
۱۲. _____، احیاء الموات (تقریرات بحث احیاء موات از دروس خارج فقه شهید صدر)، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، چاپ اول.
۱۳. محمد الحسینی، الامام الشهید السید محمد باقر الصدر؛ دراسته فی سیرته و منهجه، بیروت، ۱۴۱۰ هـ . ق.
۱۴. محمد حسین الامین، آفاق المعاصره و التمیته فی فکر الامام الصدر.
۱۵. محمد حسین جمشیدی، اندیشه سیاسی شهید رابع، وزارت امور خارجه، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۱۶. محمد عبد اللاوی، فلسفه التاریخ من خلال کتابات الامام الصدر و نقد نهایه التاریخ.
۱۷. _____، فلسفه الصدر، مؤسسه دار الاسلام، لندن، چاپ اول، ۱۴۲۰، هـ . ق.
۱۸. فصل نامه رفقه اهل بیت، شماره ۲۴، زمستان ۷۹، ویژه شهید صدر.

کتاب نامه

کتاب

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

۱. آل نجف، عبد الکریم، «آزادی در نگاه شهید صدر»، ترجمه: عبد الله امینی و مهدی علی زاده، فصل نامه تخصصی حکومت اسلامی، ش ۱۹، بهار ۱۳۸۰.

۲. استادی، رضا، «شجره طیبه خاندان شهید صدر»، ویژه نامه اندیشه ماندگار (ویژه کنگره بین المللی آیت الله العظمی شهید صدر)، ش ۱.

۳. الحلو، سید مشتاق، «زن در اسلام در نگاه بنت الهدی»، اندیشه ماندگار، ش ۵.

۴. امینی، عبدالله و عبد الهادی فضل، «ساختار کلی حکومت اسلامی» فصل نامه تخصصی حکومت اسلامی، ش ۲۰، تابستان ۱۳۸۰.

۵. انصاری، مصطفی، «شهید صدر و قانون اساسی اسلامی»، اندیشه ماندگار، ش ۵.

۶. ان ویلی، جویس، نهضت اسلامی شیعیان عراق، ترجمه: مهوش غلامی، تهران، اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۷۳.

۷. اوستا، مهرداد، امام؛ حماسه ای دیگر، تهران، حوزه هنری، چاپ دوم، ۱۳۶۸.

۸. باغستانی کوزه گر، محمد، «مردم سالاری دینی از نگاه شهید صدر»، روزنامه خراسان، ۱۷/۱۲/۷۹.

۹. تسخیری، محمد علی، «شیوه شهید صدر در شناخت مکتب اقتصادی اسلام و پاسخ به منتقدان»، فصل نامه تخصصی اقتصاد اسلامی، ش ۱۰، تابستان ۱۳۸۲.

۱۰. _____، «طرح های شهید صدر برای رفع موانع روانی تقریب بین مذاهب اسلامی»، اندیشه ماندگار، ش ۲.

۱۱. _____ (مصاحبه)، اندیشه ماندگار، ش ۵.

۱۲. جمعی از پژوهشگران، گلشن ابرار، قم، نشر معروف، بی تا.

۱۳. جوان شیر، کریم، نامداران راحل، تبریز، انتشارات سالار، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۱۴. حائری، علی اکبر (مصاحبه)، اندیشه ماندگار، ش ۲.
۱۵. حسینی حائری، سید کاظم، زندگی و افکار شهید صدر، ترجمه: حسن طارمی، تهران، وزارت ارشاد، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۱۶. _____، مباحث الاصول، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۵.
۱۷. _____ و احمد علی یوسفی، «اقتصاد اسلامی و روش کشف آن از دیدگاه شهید صدر»، فصل نامه تخصصی اقتصاد اسلامی، ش ۱، بهار ۱۳۸۰.
۱۸. حکمت نیا، محمد، «تبیین نظریه منطقه الفراغ»، فصل نامه تخصصی اقتصاد اسلامی، ش ۸، زمستان ۱۳۸۱.
۱۹. «حکومت اسلامی از نگاه شهید صدر»، نشریه عصر ما، ش ۲۰۶.
۲۰. حکیم، سید محمد مهدی، التحریک الاسلامی فی العراق، بی جا، بی نا، بی تا.
۲۱. حمود، ماجده، بنت الهدی و زیبایی های قصه، اندیشه ماندگار، ش ۲.
۲۲. خاتمی، سید محمد، بیم موج، تهران، نشر سیمای جوان.
۲۳. دکمچیان، هرایر، جنبش های اسلامی معاصر در جهان عرب، ترجمه: حمید احمدی، تهران، کیهان، چاپ سوم، ۱۳۷۷.
۲۴. رجبی، محمد حسن، علمای مجاهد، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۲۵. روزنامه اطلاعات، ضمیمه ۱۹/۱/۶۱ (یادواره شهید صدر).
۲۶. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۰/۱/۱۳۷۷ (آیت الله صدر، مجاهد بزرگ و پاسدار راه حق).
۲۷. روزنامه جوان، ۱۹/۱/۱۳۷۸ (با کاروان علویان).
۲۸. روزنامه سلام، ۱۹/۱/۷۸ (یادمان سالگرد شهادت آیت الله صدر).
۲۹. روزنامه کیهان، ۲۷/۱/۱۳۸۳.
۳۰. _____، ۱۸/۱/۸۴ (مصاحبه با شیخ محمد رضا نعمانی).

٣١. صدر، سيد محمد باقر، اقتصادنا، خراسان، مكتب الاعلام السلامي، چاپ اول، ١٤١٧ هـ . ق.

٣٢. _____، الاسلام يقود الحياه، بيروت، دار التعارف للمطبوعات.

۳۳. _____، الشنن التاريخيه فى القرآن الكريم، بنياد بعثت، بى جا، بى تا.
۳۴. _____، المدرسه الاسلاميه، تهران، مكتب اعتماد الكاظمى، ۱۴۰۱ هـ . ق.
۳۵. _____، المدرسه القرانيه، بيروت، دار التعارف للمطبوعات، بى تا.
۳۶. _____، جمهورى اسلامى، (ترجمه لمحہ فقيه عن شروع دستورالجمهوريه الاسلاميه فى ايران)، تهران، روزبه، بى تا.
۳۷. _____، رسالتنا، تهران، نشر توحيد، چاپ دوم، ۱۴۰۷ هـ . ق.
۳۸. _____، طرح گسترده اقتصاد اسلامى، ترجمه: فخر الدين شوشترى، تهران، بدر، ۱۳۵۹.
۳۹. _____، فدك فى التاريخ، مشهد، مؤسسه انتشاراتى فدك، ۱۳۵۹.
۴۰. _____، فلسفتنا، بيروت، دار التعارف للمطبوعات، بى تا.
۴۱. _____، نهادهای اقتصادى در اسلام، ترجمه: غلام رضا بیات و فخرالدين شوشترى، بدر، ۱۳۵۸.
۴۲. غرويان، محسن، «شهيد صدر و نظريه حق الطاعه»، اندیشه ماندگار، ش ۲.
۴۳. قلى زاده، مصطفى، شهيد صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، تهران، سازمان تبليغات اسلامى، چاپ اول، ۱۳۷۲.
۴۴. كيخا، نجمه، «جايگاه عدالت در اندیشه شهيد صدر»، اندیشه ماندگار، ش ۳ و روزنامه ابرار، ۲۰/۱/۱۳۸۰.
۴۵. مردانى پور، آرش، ميعاد با سپيده گشايان، قم، سماء، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۴۶. مركز تحقيقات و مطالعات امام موسى صدر، امام موسى صدر؛ نيازها و مقتضيات زمان، ويژه نامه همایش بين المللى سال ۱۳۸۰.
۴۷. «معرفى كتاب اقتصادنا»، اندیشه ماندگار، ش ۴ و ۵.
۴۸. معرفى كتاب دروس فى علم الاصول، اندیشه ماندگار، ش ۶.

۴۹. «معرفی کتاب فدک فی التاریخ»، اندیشه ماندگار، ش ۱.

۵۰. معموری، علی، نظریه سیاسی شهید صدر، قم، اشراق، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۵۱. منتسکیو، روح القوانین، علی اکبر مهتدی، تهران، امیر کبیر، چاپ ۵، ۱۳۴۳.
۵۲. موسوی خمینی رحمه الله، سید روح الله، صحیفه نور، ج ۱۵ و ۱۲ و ۱۰.
۵۳. مهربانی، میرزا محمد، «دیدگاه شهید صدر پیرامون قانون مندی تاریخ در قرآن»، اندیشه ماندگار، ش ۴.
۵۴. نجتہ من الباحثین، محمد باقر الصدر؛ دراسات فی حیاته و فکرة، لندن، مؤسسه دار الاسلام، چاپ اول، ۱۴۱۶ هـ . ق.
۵۵. نشریه حوزه (یاد نامه شهید احیاگر آیت الله سید محمد باقر صدر) ش ۱ و ۲، ۸۰ _ ۱۳۷۹.
۵۶. نعمان، صلاح الحر، حزب الدعوه الاسلامیه حقائق و وئائق، سوریه، مؤسسه العربیه للدراسات و البحوث الاستراتیجیه، چاپ اول، ۱۴۱۹ هـ . ق.
۵۷. نعمانی، محمد رضا، الشہید صدر سنوات المحنه و ایام الحصار، ناشر: مؤلف، چاپ اول، ۱۴۱۷ هـ . ق.
۵۸. هاشمی، علی اکبر، نطق های قبل از دستور حجت الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی (ریاست مجلس شورای اسلامی)، (جلد اول)، تهران، روابط عمومی مجلس، چاپ اول، ۱۳۶۲.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

